

بسمه تعالی

شب چراغ گوهر

از مؤلفات عالم الفاضل وحید الکامل العارف الربانی آقای حاج ملا محمد حسن نائینی طاب ثراه

یا هو
یا من هو الا هو

التماس دعا
درویش
۱۲۸

www.telasm.com



بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد و آله الطاهرین
ولعنة الله علی اعدائهم اجمعین الی یوم الدین و بعد این رساله ایست از جلد دویم
کتاب طرائف النوادر من اللغات والاشعار والطلسمات وغیرها و این جلد از مساعی و طبع
و نشر آن جناب مستطاب تعمیر ماب آخوند ملا آقا محمد یحیی کاشی سلیل جلیل مرحوم حاجی چاوش
کاشی طاب ثراه گردیده حشره الله تعالی مع محمد و آله الطاهرین سلام الله علیهم اجمعین طریقه و سند
ختم سوره مبارکه انعام بجهت هر حاجت باین نحو است که سوره را قرائت نماید و چون بکلمه
(رسل الله) برسد وقف نماید برخیزد و دو رکعت نماز بجا آورد و بعد از حمد آیة الکرسی را هفت
مرتبه و توحید را پنجاه مرتبه بخواند و بعد از سلام سر بسجده نهد و هفتاد مرتبه بگوید لا اله الا انت
سبحانک انی کنت من الظالمین پس سر بردارد و بقیه سوره را از (الله اعلم) بگیرد و تمام کند اما
شروع این ختم اگر روز شنبه باشد اول روز باید بکند اگر یکشنبه باشد وقت طلوع آفتاب باشد
و اگر روز دوشنبه است میان ظهر و عصر و سه شنبه وقت چاشت و چهارشنبه وقت نماز عصر و پنجشنبه
قبل از زوال و جمعه بعد از عصر شروع کند تا غروب بجهت هر مطلب مجرب است خواجه

گویند که من این نماز را کردم و از خداوند تعالی دنیا طلبیدم چندان بمن عطا فرمود که
هزار غلام خریدم و آزاد کردم والله اعلم ٭ طریقه ٭ چون کسی خواهد که آینده احوال نفع
یا ضرر و خیر را معلوم کند باید که اسم سایل را با مطلب سایل امتزاج دهد و طالع وقت را
ببیند که چه برج است و اوتاد طالع را با هم در سطری نوشته امتزاج دهد بعد از آن هر دو
سطر را یعنی سطر اسم و مطلب و سطر طالع را با هم در سطری امتزاج دهد تکسیر کند به بسط تکسیر
و ببیند که حروف غیر مکرره چند است بترتیب سطری بنا زده و مرتبه دیگر بسط مقدم و موخر نماید که
جواب شافی را حاصل خواهد شد چون تکسیر محتاج بفکر است در آخر حروف را بگیریم که چون بمحتاج
شود احتیاج بفکر و سرگردانی نباشد مثال م ح م د مطلب سایل سفر و خوب است یا نه این اسم را
با مطلب امتزاج کردیم باین طریق م س ح ف م ر د این سطر را با سطر طالع وقت که ابرج
اوتاد امتزاج کنیم باین طریق جوزا طالع وقت بود و اوتاد او سنبله و قوس و حوت اول امتزاج
کردیم اولی را با ثانی و همچنین ثالث را با رابع باین نحو ج و ز ا س ن ب ل ه امتزاج کردیم
چنین شد ج س و ن ز ب ا ل ه بعد از آن قوس و حوت را با هم امتزاج کردیم چنین شد
ق ح و و س ت این سطر را با سطر اول جمع کنیم باین طریق ح ق س ح و ن و س ب ت ا ل
ه ل این سطر را با سطر اسم و مطلب که امتزاج کردیم چنین شد م ج س ق ح س ق ح م و
ر و د ن م و س ز ح س ف ب م ت ب ا د ل ه د این سطر را باید که بسط تکسیر نماید جواب
حاصل کند مثلا میم نصف ربع خمس ثمن عشر مجموع حروف را باید که چنین تکسیر
کند و بعد از آن یکبار دیگر تکسیر صدر و موخر کند تا زمام بیرون آید و حروف
اول بگیرد که احوال گذشته سایل ظاهر گردد و حروف آخرش را بگیرد که احوال
آینده معلوم شود اینست بیان استکشاف امور ٭ طریقه ٭ گویند جفر در لغت
بمعنی پوست بزغاله است یا آنکه بمعنای چاه روشن است و گویند اسم جفر در اصل
جفر بوده و الحاق عین بجهت اشاره بانست که از زمان واضع حقیقی این علم که حضرت

امیر

امیر المؤمنین علیه السلام است تا زمان شارح و مکمل و مفصل آن که حضرت
صادق علیه السلام است هفتاد سال بود که مدعی عین می باشد طریقه گویند در
حروف تهجی یازده حرف است که آنها را حیرانان حروف شفا گویند هرگاه بر عضوی از اعضای
آدمی دردی پیدا شود باید یک حرف از اول آن عضو در دنبال آن بود از دو یک حرف از حروف شفا
مذکوره مبسوط ساخته بر موضع درد ببندد در حال ساکن شود انشاء الله تعالی بفرمان الهی
مثلاً از برای درد سر با این طریق نویسند بسم الله الرحمن الرحیم د ب و ج و د د ه و و و ز ح
د ط و ی و ک و لا یا شافی کل مریض و بعضی حروف عضو مریض با تمام حروف حرف بعد از آن
آن نویسند و بعضی بر میان آن نویسند فائده طریقه گویند بجهت جلب دراهم نوشتن و خواندن
این دعا نافع خواهد بود انشاء الله تعالی اللهم اقبض لی خمسة محمدیات مثلاً من فلان بن فلان کما
قبض محمد صلی الله علیه و آله عنا ثم الخیر بحق یا قابض یا باسط برز (?) افیک کما قلت تبارکت و تعالیت فی
کتابک و یتفقر (?) من حیث لا یحتسب طریقه للحب گویند روز دوشنبه چون آفتاب از میان
برود بنویسد بره و رخ با و بر تو بیاید فتنا در افتاد و افتادوا فلان بن فلان علی حب
فلان بن فلان طریقه گویند نقلست از شیخ سلیمان که هرگاه اراده کنی که بینی در خواب ائمه را
که میخواهی پس بخوان این دعا را بیست و پنج مرتبه و حال آنکه بوده باشی با وضو اللهم بنبوت
الالهیة و عظمة الصمدانیة و سطوة الربوبیة و عزة الجبروتیة و قدمة الفردانیة و قدم (?)
الوحدانیة ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان ترینی کذا و کذا طریقه نوع دیگر که گویند
از مجربات است بجهت دیدن مقصود در خواب آنست که بنویسی این کلمات را و بگذاری در کف دست
و بخوابی تا عجایب بسیار بینی بشرط طهارت بدن و رخت و فراش و با وضو و تنها بودن و فهم (?)
و ایشان با آن در شب جمعه یا شب دوشنبه یا شب پنجشنبه بطیطن دش ها و باسا
و عبا یمسوهیواسر بحصواد طلبه دو رو باید چشمهای ها و طا و واو و عین و میم
گشاده باشد و پر تاب باشد طریقه قیل حکی عن شیخنا البهائی انه لما سئله سائل عن

سهو

سهو النبی ص و عن کون الصدیق رض معتقدا بذلک اخبار بان ابا بکر اولی بالسهو
عن النبی ص طریقه گویند هرگاه زهره سبز را بکوبند و در سوراخ موش چهره بریزند
بیرون نیایند طریقه گویند بجهت دولت و ثروت و کفایت مهمات در روز چهار
شنبه سوری که چهار شنبه آخر ماه صفر باشد سر خود را بتراشد و در وقت تراشیدن
این دعا را بخواند بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله و بالله و علی سنة رسول الله ص
اللهم صل علی محمد و آل محمد کما صلیت علی ابراهیم و بارک علیهم کما بارکت علیهم
و ترحم علیهم کما ترحمت علیه انک حمید مجید یا رب و همچنین در هر هفته در هر
چهار شنبه سر خود را تراشد و در وقت تراشیدن همین دعا مذکور را بخواند تا روز
چهار شنبه آخر ماه صفر بگیرید فاصله این عمل ابجای آورد هنوز سال تمام نشده
باشد که حق تعالی او را چندان دولتی دهد که از ضبط آن عاجز شود و مهمات او را
کفایت کند و گویند این عمل آزموده و مجربست طریقه گویند نقش کردن باب متصل
که مبنی است بر ۲۲ حرف بر دیوار خانه یا صندوق یا در و حصاری موجب آنست
که همه آنها در امان خدا از شر دزدان باشد و آنها اینست ا ب ج د ه و ز
ح ط ی ک ل م ن س ع ف ص ق ر ش ت طریقه من اراد دخول الحمام النوره
فلیجتنب الجماع قبل ذلک باثنی عشر ساعة و هو یوم تمام طریقه گویند هر که
در وقت طلوع آفتاب این دعا را سه مرتبه رو بآفتاب نموده بخواند از درویشی خلاص
یابد انشاء الله تعالی سبحان الذی الشمس نوره و سوره و دوره و بقدره جلاله طریقه
گویند اگر سوره و العصر را بر کسی خواند که تب داشته باشد تب او زایل گردد طریقه
گویند اعتقاد بعضی اطبا بر آنست که جماع با ثیبه انفع از جماع با بکر است چه در جماع بکر
لزوم تعب و العاب و تغیر طبع از قذارت دم بکارتست بخلاف آن با ثیبه طریقه
گویند هرگاه زیبق را با توتیای یکی کرده و برف زدن مقطر بجوشاند کشته خواهد شد

طریقه

طریقه شیره دیو سبز را بر موضع ارضه بمالند دیگر ارضه نیاید طریقه گویند در
شب نیمه شعبان مستحب است سه نوبت سوره یس بخوانند اول بجهة طول عمر دوم جهت
[illegible] رفع بلیات و عقب آن این دعا را بخوانند اللهم انک علیم حلیم ذو اناة
ظاهر لنا فاغفر لنا بحلمک یا ارحم الراحمین طریقه گویند بجهة اطلاع بحال
دفینه شب وضو گیرد و دو رکعت نماز کند و بعد از نماز سه مرتبه صلوات بفرستد و
بعد بقبله [illegible] اسم [illegible] صد بار بخواند و مصلی بخواند آنچه مطلوبش باشد
در خواب ببیند [illegible] یا هادی اهدنی یا علیم علمنی یا خبیر اخبرنی یا مبین بین لی طریقه
گویند [illegible] بذکر التشهد ما بین شام و خفتن بر حسب [illegible] یا اهل [illegible]
بین الخلایق خواهد بود طریقه گویند در جامع ترمذی آورده که رسول خدا فرمودند که
آیة الکرسی [illegible] محفوظ ماند طریقه گویند
از صحابه منقول است که چون [illegible] بر [illegible] و بر دیوار باغ [illegible] نویسند خداوند
آنها را [illegible] محفوظ دارد [illegible] الم [illegible] ق ن طریقه عن النبی
من قرأ القرآن [illegible] طریقه عن مولانا الصادق [illegible]
قتل فی کربلا [illegible] الحسین [illegible] طریقه گویند اگر کسی خواهد از
[illegible] آگاه شود سه شب متعاقب وضو سازد و دو رکعت نماز گذارد و بعد از نماز یکصد
مرتبه اسم علیم [illegible] صلوات گویند تا در خواب [illegible] آن امر [illegible]
عن ابی عبد الله علیه السلام لقضاء حاجة [illegible] من [illegible] فیها صاحبها
[illegible] الف طریقه قیل لحصول المهمات تقرأ بعد صلوة الصبح اربعین مرة یا باسط الیدین
بالرحمة [illegible] طریقه قیل ان جبرئیل نزل علی ابراهیم خمسین مرة و علی نوح اربعمائة
مرة و علی عیسی عشر مرات و علی محمد صلی الله علیه و آله اربع و عشرین الف مرة طریقه
قیل [illegible] من عذب بالجدری [illegible] طریقه [illegible]
اللام

اللازم الشديدة لا غير و مرة الزمان معرب طريفة في الحديث عليكم بحسن الجوار و
حسن الجوار يعمر الديار قيل ليس حسن الجوار كف الاذى فقط بل تحمل الاذى منه ايضا طريفة
قيل الزعفران بضم الفا لا غير طريفة في الحديث من لبس ثوبا بشهرة البسه الله ثوب
المذلة طريفة قيل طهران قرية باصفهان و قرية بالري طريفة في ذو الثدية لقب رجل
من الخوارج اسمه ثرملة قتل يوم النهروان وهو تصغير الثدي و دخول التاء بلحاظ كون
الثدي بمعنى اليد وهي مؤنثة و ذلك ان يده كانت قصيرة مقدار الثدي طريفة قيل
في الحديث الطاعون دعوة نبيكم ص و هي قوله ص اللهم اجعل فناء امتي بالطاعون طريفة
قيل المراد من بنا روي في الاخبار هو عثمان بن عفان و ادواه امر طريفة ذكر ابن ابي الاعز
ان الله تعالى القاسم و للنبي ص القاسم و احسنها محمد و محمود و احمد طريفة قيل افضل الثوب
منزلة في الجنة من ليفهما مثل الدنيا عشر مرات طريفة في الحديث البرق مخاريق الملائكة
المخاريق جمع مخراق وهو في الاصل ثوب يلف و تضرب الصبيان بعضهم بعضا طريفة
في الحديث عن الصادق ع قال شكتا سافل الحيطان الى الله عز و جل من ثقل اعاليها فاوحى
الله تعالى اليها يحمل بعضكن بعضا طريفة في حديث اوصاف قائم عن علي بن محمد العسكري ع
عن رسول الله ص الى ان قال الراوي فسئلت علي بن محمد العسكري ع متى ينتظرون الفرج
قال اذا ظهر النار على وجه الارض اي ارض قم طريفة گويند جهت اخراج ابن طلسم را
نوشته ايد و ادرو بر طلسم نويسيد هر كس منظور باشد در زير فرش گذارند هر كس
بالاي آن بنشيند آواره شود كه ديگر بر نگردد و اگر بآب بشويد و در چاه آب باشد
همانا بر دارد و اگر در زير ديوار دفن كنند هر همان اثر دارد طلسم مذكور

	١١	
٧	٥	٣
	١	

اينست طريفة في الحديث كان ما بين اكل ادم من الشجرة و بين ما تاب الله عليه
ثلثمائة سنة من ايام الدنيا طريفة قيل في قوله تعالى و يقول الكافر يا ليتني كنت ترابا
اراد بالكافر هنا ابليس عاب ادم بانه خلق من تراب و افتخر بالنار فيوم القيمة اذا راى
كرامة ادم و ولده من المؤمنين قال يا ليتني كنت ترابا طريفة في الحديث تجديد الوضوء

لصلوة

الصلوة العشاء نحو لا والله وبلی والله طرفیه گویند امور تعزیر که در عالم ایام موت
امور سهله تیر باشد آنرا الملم گویند و اگر بواسطه اجرام عنصریه باشد آنرا نیرنج گویند طرفیه
گویند هر کار آنچ ابراز نشه نشد از راهم او موش و مکر و امثال آن هم لازم شوند طرفیه
یکی از حکماء ربانیین تعبیر نماید مقام توصیف غیر از مقام تسمیه است در مقام اول
ما را میرسد که خدا وند تعالی را باوصاف کمالیه بخوانیم اگرچه موصوف را کما هو حقه نشناسیم
بخلاف مقام ثانی که موقوفست بمعرفت مسمی چه اسم دال بر مسمی است و ما را بمعرفت ذات
او تعالی راه نیست از اینجهت است که میگویند اسماء الله توقیفی است بدون رخصت از
شارع اقدس جایز نیست فافهم طرفیه قاعده وضعیه الهیه مکشوفه للراقم الاثم بعد
الریاضة العلیة والسیر فی الاخبار الائمة المعصومین علیهم السلام وهی لدینا الخالص لدیه فیها شوب
من مشارب اهل الشوب من اهل الاشعریة والفلسفیة والمتصوفة وسائر المبتدعة فخذها بقوة
من العقل الفطری والنور الشرعی بالاذعان والیقین وکن من الشاکرین والحمد لله رب
العالمین فحاصل مفادها بالاختصار آنکه در مقام ستایش الهی دو مرحله را باید ثابت
نمود یکی مرحله تحمید و یکی مرحله تسبیح اول عبارت از آنست که خدا وند تعالی وصف نمائیم
بصفاتیکه خود اثبات فرموده در کلام مبارک خود و خبر داده بآنها معصومین از انبیاء و اوصیاء
و از غیر منهج عدا استقلال العقل در اینمقام بلکه اگرچه اعقلنا ان ما هو ذاتی بدانند تسلیم و
را کرد او را کمال قرار داده از برای وی اثبات کنیم تا تعطیل کلی لازم نیاید از هم ارباب معاد و
وان لتمل الصفات و ترعم ان لله زبانیین نعقا اینکه سد ابواب مدخلات توهمات غیر
دعوات و ترجیحات نشود و دارائی اشیاء صفات کمالیه را از صقع اقدس اعذائیم لا
و دعوا قع توصیف در اینمقام بمعنی اثبات صفت نیست بلکه بمعنی نفی آن است از صفت
است که خود نسبت داده بخود تعبدا و امثال الاخبار آنکه گویند تسبیح یعنی تنزیه دادن بتعمیر

ولنعم ما قیل

در صورت

دعوت نیست نه نفی و نه اثبات و نه سلب و آنکه از اینها همه آن بی گمان بالاتر است
و مرحله دوم عبارت از آنست که خداوند بدیع را منزه و مقدس دانیم از جمیع آنچه در وهم
مخلوق در آید از صفات متصوره و مکاشفه ما کانت بمقتضای کمال آمیزه نمود با وجود آنها مکمل الخ
حتی از این تنزیه نیز او را باید تنزیه کنیم جهت آنکه از عرصه امکان نا زاغیات و ادهان ظهور و سیر
از جنس عالم امکان خواهد بود و با واجب هیچ مناسبتی نخواهد داشت ان الله خلو
من خلقه و خلقه خلو منه و الطریق مسدود و الطلب مردود در کلام حضرت امیر المومنین
و امام الموحدین سلام الله علیه کمال التوحید نفی الصفات عنه کمال دلالت بر این مرحله
مبینا و اتحد در کلام اسلام اعم از اینکه صفات الهیه اتحاد با ذات واجب دارند یا عین
ذات او است مجهول بر حقیقت نیست چه اتحاد تابع با متبوع یعنی صفت با موصوف معقول
نیست با آنکه مسلم کل ایشانست که ذات مجهول مطلق و غیب مسلسل است و صفات را که با ذات
متحد میدانستند مثل علم و قدرت و هکذا از جمله آنها معنی قرار میدهند مثل انکشاف و توانائی
و غیر آنها پس این صفات نزد ایشان مجهول نیست چگونه میشود متحد باشند با ذاتی که
مجهول مطلق است بلکه شاید مراد ایشان همان مرحله اولی باشد بنحوی که تقریر یافت
با تلمیح مرحله ثانیه در المرا تمرد را بمقام و هنگام تحریر این کلام مذکور وقتی از اوقات
سابقه خود در وقت صلوة ظهر به حالت تعقیب و آن قبل از بلوغ در حین صبی یا زمان
رهاقی که نفس الکلیه در آنحال الحیوانیت با اتحاد اشراق استوانیست نه به صفاء
اخلاق روحانی است در خصائل سلیمه مستقیمه و صیانتی است از رذائل ذمیمه مستقیمه گردید
که در آن وقت حالتی ملکوتیه اقبالیه دست داده فطرت اولیه او از مبدأ فیاض مسئله حالیه و
مقالیه نمود که با راه الهام این ماده ساذجه غیر قابلی را صورت از علوم ربانیه کامله افاضت فرما
در آنحال در مقام بدن سوت الهام در حالت یقظه نه منام بگوش سر و قوه سامعه بشارت
ساطعه با جابت این مسئلت لا مع شنید والحمد لله علی نعمه الصوریه والمعنویه لها بعد از این ذکر
او را اعلی القوی الانسیه هیبت اذعانیه و کیفیت اطمینانیه بصحت قواعد مذکوره در صفحات نبیه
حاصل

حاصل گردد بدیں باحتمال بجائے مواد وامکان وجوب تا اسعد الحکمهست اینکه جلی
آن قاعده از شئونات متولده آن بشارت عادت یعود باشد انشاء الله تعالی نهایة الامال
و رجاء کل بال و لله الحمد علی کل حال طریقة گویند گوگرد زرد را بسمانید تا هم بکوبند خوب
تا آنکه مخلوط شود که اثر فرق نماند بعد از آن شیشه را تا گردن بگل بگیرند و این معجون
در آن شیشه کنند و بحرارت آتش گذارند و در شیشه را بگیرند و بعد سوختنی باز گذارند
و باتش گذارند یعنے حرارت آتش تا آنکه بخار او تمام شود پس در او را محکم کنند و بگذارند
تا سرد شود که شنجرف میشود انتهی تمت طریقة گویند صفت گل حکمت بدین گونه است
دست سرخ و موی سر آدمی و خاکستر و خاک برنج و اگر خاک برنج نباشد بهمان وزن سرگین
بستانند طریقة ایضا گل حکمة باینطریق ساخته میشود خاک کوزه گری و جو و دیگر
یکجزو نمک یکجزو و موی معرض یدرے طریقة گویند که قلیا باینطریق باید گرفت که
قلیا بسیار اگر هر دو در دیگ کنند و آب کنند بجوشانند و بگذارند تا سرد شود و غات
قلیا بستر بقلیا جید است بکار برند طریقة گویند زیبق ۴۸ براده نقره ۲۴ دو شنجرف ۲۴
در شیشه کنند و بگل حکمة بگیرند شیشه را و موم حکمت و بسر شیشه گیرند که قایم شود و یکشبانه
روز در آتش تند گذارند یا در تون حمام تا عقد شود مثقالی برنج مثقال طرح کنند نقره
شود انتهی تمت طریقة گویند اسم حضرت رسول را بر این
صورت که مذکور است بنویسند در میان نام طر و مطلوب نویسند
که مجرب است طریقة در اسما فلزات طلا را شمس گویند
نقره را قمر قلع را مشتری مس را زهره سرب را زحل آهن
را مریخ نوشادر را عقاب زرنیخ را علم کبریت العروس طلق را کوکب الارض زاج سفید را
شب گویند طریقة در حل العلم بیاورند زرنیخ سه مثقال نوشادر یکمثقال در زیر زبل اسب
دفن کنند هر روز زبل را تازه باید کرد روز بروز تا هفت روز که آنچنان حل شود که بتوان نوشت
طریقة در جواهر مکنون اورده که مجمع خلاصه انشاء الله خواند یا روف یا رحیم یا نحن جمیل جمیا
بار نمود

میکوئیم که حاصل آن صدی نوزده باشد عدد انارها خواهد بود وقس علی هذا بقیة
الامثلة وایضا جواب دیگر آنکه ملاحظه میکنیم مراتب اعداد سابقه آن معدود منه را
مثل احد واعداد لاحقه او را بعد از آن مراتب مرتبه اخیره مراتب لاحقه که نوزده باشد
همان عدد جماعت خواهد بود پس از آن عدد معدود منه را ضرب میکنیم در عدد جماعت
حاصل آن عدد انار خواهد بود و باید ملتفت این نکته شد که سلسله مراتب
لاحقه را که موازنه میکنیم با سلسله مراتب سابقه هر مرتبه از یکی این دو سلسله
را که با مراتبه مقابله آن از سلسله دیگر جمع میکنیم مجموع این دو مرتبه مطابق
با همان عدد معدود منه خواهد بود فاغتنم ذلک فتبصر طریقة گویند ارسطو
گوید چون مرجان را تکلیس کنند خاکستر او بر زیبق زنند به بندد و بالون زرد
شود مجربست طریقة گویند بسیار خواند این اسم موجب فزایش دل و غنا
و دولت بحدی که مردم آن بلاد با و محتاج پیدا کنند یا حنوا امیشور ادرغش
دار غلیون طریقة گویند روایت شده که هر که در چهار شنبه سوری
اینداغار اسه مرتبه بخواند و بر خود دمد بهم طبیعی رسد و بر دشمنان غالب
آید و تمام محتاج باو شوند و قرض او ادا شود و از بلیات محفوظ شود
بسم الله الرحمن الرحیم اللهم اصرف عنی شر هذا الیوم واعصمنی بعصمتک
من شرور هذا الشهر وجنبنی عما اخاف من نحوساته وکرباته بفضلک یا دافع
الشرور و یا مالک یوم النشور بلطفک یا ارحم الراحمین طریقة گویند
مرویست که هر که در روز چهار شنبه آخر ماه صفر سوره الم نشرح و والتین و اذا جاء
و قل هو الله و معوذتین و فاتحة الکتاب هر یک هفت مرتبه بخواند حق تعالی او را
غنی گرداند و از مقربان درگاه او شود طریقة در کشکول شیخ احمد الاحسائی
روی عن المجلسی انه یستحب فی آخر اربعاء من صفر صلوة رکعتین یقرء فی الاولی
الحمد و آیة الملک الی قدیر و فی الثانیة الحمد و قل انما انا بشر مثلکم الی آخر السورة
و بعد

وبعد الفراغ یدعو بهذا الدعاء اللهم اصرف عنی کیده وشومه وشروره وفی
بحره وبرکته وجنبنی ما اخاف نحوسته وکراهته بفضلک یا دافع الشرور ویا مالک
یوم النشور برحمتک یا ارحم الراحمین طریفة قیل روی انه اناسا جنبوا
ابا الهیثم بالسیوف فلم تقطع شیئا فسئل عن ذلک فقال کنت اقرأ هذه الآیات
ثم قال خرجت یوما مع جماعة فرأینا ذئبا یلاعب شاة عجفاء ولا یضرها شیئا فلما
دنونا منه نفر الذئب فوجدنا فی عنقها کتابا فیه الآیات المذکورة ذکر ذلک
الشیخ کمال الدین الدمیری فی کتاب حیوة الحیوان وان الآیات من تلاها او حملها
کان فی حفظ الله تعالی وکلائه وهی بسم الله الرحمن الرحیم ولا یؤده حفظهما وهو
العلی العظیم فالله خیر حافظا وهو ارحم الراحمین له معقبات من بین یدیه
ومن خلفه یحفظونه من امر الله ان ربی علی کل شیء حفیظ انا نحن نزلنا الذکر
وانا له لحافظون وحفظناها من کل شیطان رجیم وحفظا من کل شیطان
مارد ان کل نفس لما علیها حافظ ان بطش ربک لشدید انه هو یبدئ و
یعید وهو الغفور الودود ذو العرش المجید فعال لما یرید هل اتیک حدیث
الجنود فرعون وثمود بل الذین کفروا فی تکذیب والله من ورائهم محیط بل
هو قرآن مجید فی لوح محفوظ طریفة فی البحار عن ابن عباس قال رسول
الله من قرأ یس والصافات یوم الجمعة ثم سئل الله تعالی اعطاه سؤله طریفة
گویند اگر موی زنان تمام چنانکه از آن نگسله در آب شور افکنده مکشوف بود
و آفتاب بر آن تابد کرم مار شود و اگر بآتش بر جراحت نهند نافع خواهد بود
و بدخین بموی آدمی نافع نسیان نیست طریفة گویند اگر کسی را رعاف بود و خون
او منقطع نشود نام خود را بخون بر جبهه نویسد و پیش بر خود بندد خون منقطع
شود طریفة گویند تخم گندم باید در حبوب نسال باشد اگر دو سال بر آن بگذرد
ضعیف شود و اگر سه سال بگذرد فاسد گردد طریفة گویند اگر خواهند که مرغ

را لاف

بار بمیدن نیاد کم از جمله مجربات حضرت طریقه دیگر ایضاً بجهة دفع دشمن از دور بجهیند
تا یکهفته هر روز صد وچهل وشش مرتبه بگوید حسبی الله که البته دفع او میشود و آن
مرحوم شیخنا احمد الاحسائی نقل میکند تجربه نموده ام مرحمت کرده و بیاموزاند طریقه
فی الحدیث یکتب فی بیاض بعد البسملة اللهم انی اتوجه باحب الاسماء الیک واعظمها
لدیک و اتقرب و اتوسل الیک بمن اوجبت حقه علیک بمحمد و علی و فاطمة والحسن والحسین
وعلی و محمد وجعفر وموسی وعلی ومحمد وعلی والحسن ومحمد المهدی صلوات الله علیهم اجمعین اکفنی شر کذا
وکذا ثم یطوی الرقعة ویجعلها فی بندقة طین ثم اطرحها فی ماء جار او بئر فانه سبحانه یفرج
عنک مثل حول الوذیة [illegible] وفی نسخة هکذا [illegible] طریقه روی عن النبی ص انه قال
لا راحة فی الدنیا الا فی ثلث ترک الدنیا وطلب العلم وصحبة الصالحین طریقه لنفی البخار
والجوع عن طول الامة والیمن والخیر فی اواسط امتی والشوم واللوم فی نصاری [illegible] طریقه
از حضرت امیر المؤمنین مرویست که حضرت رسول ص در شدت و اضطراب چون گفتی یا حی
یا قیوم در حال فرج دیدی و از برای وسعت رزق در اوقات سحر تا طلوع آفتاب
بسیار مؤثر است طریقه قیل لرؤیة ما تریده فی النوم وعنده مفاتح الغیب الی قوله واسرع
الحاسبین فی اواسط سورة الانعام کتبها فی خرقة کتان ثم وضعها تحت راسه وسئل الله
تعالی ان یریه ما اشتبه علیه فانه یراه ان شاء الله تعالی طریقه قیل لتعلیق انا فتحنا لک فتحا مبینا ان
تستفتحوا فقد جاءکم الفتح فی العضد الایمن لجلب الرزق اثر عظیم طریقه قیل از جهة ازدیاد
ثروت و دولت مداومت بر قرائة سورة ق نافع و مجربست طریقه در طریقه دار بیهوشی
گویند ترنالک جوز بوا مشک قدری داخل بهیچ دماغ هرکه رساند بیهوش شود و سرش را در
آب سرد فرو برند بحال آید طریقه گویند هرگاه برگ چغندر را بجوشانند بر موی مالند سیاه
شود طریقه بجهة دفع درد دندان بار درخت خیار که تیغ دار در قلیان بکشند تجربست
طریقه گویند بجهة دفع گشنگی خواندن ناد علی مفید است طریقه گویند خواندن این دعا بجهة
دولت عظیمه و قضاء حوائج و اداء دین مفید است چنانکه رسول خدا او را تعلیم اعرابی فرمود

و میراث

و میراث بسیار بیابد و رسید هفت ختم بنویسد اگر یاز برکت آن بسم الله الرحمن الرحیم اللهم
انی اسئلک یا فارج الهموم و یا کاشف الغموم و یا حی یا قیوم یا رحمن الدنیا و رحیمهما یا ا
یا صمد یا فرد یا وتر یا ذا الجلال و الاکرام یا الله یا ربنا یا مالک یا من لم یلد و لم یولد
و لم یکن له کفوا احد یا رب الارباب و یا مالک الرقاب و یا منشی السحاب الثقال یا مسبب الاسباب
و یا مفتح الابواب صل علی محمد و آله و افتح لی ابواب کرامتک و ابواب رحمتک و ابواب فضلک
و ابواب نعمتک و ابواب خیرک و ابواب شکرک و ابواب عنایتک و ابواب عافیتک و ابواب
احسانک و ابواب امنک یا رؤف یا رحیم یا سمیع الدعاء یا لطیفا لعباده صل علی محمد و آل
محمد و اسمع کلامی و استجب دعائی اللهم انی اعوذ بک من شر الجن و الانس و اعوذ بک
من البخل و الجبن و اعوذ بک من غلبة الدین و قهر الرجال برحمتک یا ارحم الراحمین و
صلی الله علی محمد و آله طریقه گویند سزاوار است طالب از اسماء الهیه اسم مناسب
مطلوب خود را پیدا کند مثلا طالب عزت اسم عزیز را وهکذا پس وکلای مرتبه این اسم را
بخواند اگر مقصود حاصل شد فبها و الا ابعد حروف بخواند اگر حاصل شد و الا ابعد ملفوظ بسیط
بخواند اگر حاصل شد و الا ابعد ملفوظی و مکتوبی کواکب سبعه و جهات ستر و موالید ثلثه
و الا بحسب ابجد بخواند اگر حاصل شد و ملفوظی در اصطلاح اهل جفر سه حرفی را گویند
که آخرش از قسم اول نباشد آن ۱۳ حرف است الف جیم دال ذال سین شین صاد ضاد
عین غین قاف کاف لام و مکتوبی ملبوبی سه حرفی را گویند که آخرش از قسم اول باشد آن سه
حرف است میم و نون و واو و مسروری دو حرفی را نامند آن ۱۲ حرف است با تا ثا حا خا را زا طا
ظا فا ها یا و حرف اول را در این اصطلاح زبر گویند و باقی را بینات و در ملفوظی دو حرف
بینات است و در مکتوبی دو حرف که آخرش از قسم اول است و در مسروری یک حرف بینات است
و بینات مسروری را چندان اعتبار نیست و طریق اعراب جفر یکها بر قاعده مرتضویه چنین است
هفت حرف مفتوح است ا د ی ل م ن ع هفت حرف مکسور است ه و ر ش ت ذ ص ظ و هفت حرف مضموم
ج ز

ج ذلك من نسخ و هفت بروج عجز و نسخ د و ظ ا غ ض ف ب طريقة گويند بود نه
خشك با در آب جوشانيده و آن آب را بر چوب بريزند تا نصيب پيران آن چوب بگردد طريقه
هر كه سه مرتبه يا مسير تيرانند بجهت بركت كسى از مجلس بخواند هر چه خواهد بود انشاء الله تعالى
نعمت ربك يا رب من شر ما اجد في نفسي فاصحبني من ذلك طريقه نقل من الشيخ في كتاب
مصباح الابرار عن المفضل قال دخلت على الصادق ع ذات يوم فقال يا مفضل هل عرفت محمدا
وعليا وفاطمة والحسن والحسين كنه معرفتهم قال يا مفضل من عرفهم كنه معرفتهم كان مؤمنا
قلت عرفني ذلك يا سيدي قال يا مفضل تعلم انهم علموا ما خلق الله عز وجل وانهم كلمة التقوى
وخزان السموات والارضين والجبال والرمال والبحار وعلموا ما في السماء من نجم وملك ووزن
الجبال وكيل ماء البحار وانهارها وعيونها وما تسقط من ورقة الا علموها ولا حبة في ظلمات
الارض ولا رطب ولا يابس الا في كتاب مبين وهو في علمهم وقد علموا ذلك فقلت يا سيدي قد
علمت ذلك واقررت به وامنت قال نعم يا مفضل نعم يا مكرم نعم يا محبور طبت وطابت لك الجنة ولكل
مؤمن بها طريقة گويند چون صدف متعجب و شكى ايه قالوا ادع لنا ربك يبين لنا ما هي ان
البقر تشابه علينا وانا ان شاء الله لمهتدون از ان معامله بنيد و انجم اينها را
بخوانند يا خير المحسنين يا من الخير بيده يا خير دليل يا دليل الخير يا مرشد يا هادي طريقة گويند كه
كسى اسم ذو الجلال والاكرام را بر عقيق نقش كند و با خود دارد هر چه از خدا بخواهد طلب كند بيابد انشاء الله
طريقة گويند بجهت گشادن دل بنويسد رب اشرح لى صدرى الى يفقهوا قولى سه بار بر شيشه بنويسد
نفع خواهد شد انشاء الله طريقة گويند بجهت درد دندان بر كاغذ بنويسد الحمد لله يا مستقر و بر
دندان نهد ساكن طريقة گويند از حضرت امير المؤمنين ع مرويست كه هر كه هزار غنى
بنويسد با خود دارد و اين اسم را ورد خود سازد يا غنى خدا وند تعالى چندان مال با و عطا
فرمايند كه مردم متحير مانند و اينها را نيز ورد خود سازد يا غنى رب غنى كريم طريقة
گويند اگر كسى از سوره زخرف اين ولئن سألتهم من خلق السموات والارض ليقولن خلقهن العزيز
العليم

العلیم الی قوله الی ربنا لمنقلبون را بخواند باید در خواب بود که پیر اسید کاو را رها کند
و او را از حیرت و سرگردانی خلاص نماید طریقه گویند هر وقت که در هر ماه نو که هلال
را ببینی بگو بسم الله الرحمن الرحیم انا فتحنا لک فتحا مبینا لیغفر لک الله ما تقدم من ذنبک
وما تاخر ویتم نعمته علیک ویهدیک صراطا مستقیما وینصرک الله نصرا عزیزا در آن
ماه فتح و نصرت یابد و اگر سوره مبارکه تبارک را در اول ماه بخواند تا آخر دولت و جمعیت
ببیند و در هر ماه نو با سه نماد و انکه امام باید نظر کرد و از انگشت شهادت دست راست
در دست چپ همین اسما را بنویسد و برود خود مالند در آن ماه فرح و شادی و فتح یابند
طریقه گویند این عزیمت است مشهور به عزیمت ام موسی بجهت فتح جمیع بستگیها و فتوحات
کلیه و جزئیه بخوانند آثار عظیم ببینند حتی جسته قفلهای بسته بخوانند گشوده میشود و جهت
تسکین درد اعضاب بسیار مجربست بسم الله الرحمن الرحیم یا فتاح بلا مفتاح افتح لنا یا ام موسی
ام موسی جرباب مریاب شرباب شبناب کیراب طمطاب تخفیف بوحایص نوحایص نوحابلو
یا جارت یا کافلتنا یا واحلنا یا نجتینا یا تحیته بنت لاوی یعقوب یا مجیب لعلک تجی
البحر بامره اتلک بالناس تحرجلی کذا و کذا و بجز خواهد اسم برد که البته مجربست
طریقه گویند روایت است که هرکه در روز جمعه میان دو نماز این آیه مبارکه را در یک سطر
بنویسد و در کیسه خود نگاه دارد هرگز کیسه او ازو خالی نشود و دعوت و گشایش روزی
نوعی و نعمت و روزیها و فراوان گردد و تجربه رسیده بسم الله الرحمن الرحیم ولقد
مکناکم فی الارض وجعلنا لکم فیها معایش قلیلا ما تشکرون طریقه گویند
سوخته داج را با سوخته جو و زغال چوب بید و نبدال بهر دندان بمالند موجب سفیدی
و استحکام بر آن خواهد بود و همچنین هرگاه عسل را با نمک و زیادچه سوده بر دندان
مالند طریقه گویند از جناب سلمان فارسی رض روایت است که هرکه روز
بعد از نماز صبح قبل از سخن گفتن یک سوره یس را بخوانند و ابتدا او قبل از تلاوت
سوره مبارکه مزبور ده مرتبه بخواند هر حاجت که بخواند حاجتش روا شود و اگر روا

نشود

نشود بر من لعنت کند چرا که اسم اعظم خداوند در این دعاء است بسم الله الرحمن الرحیم
یا قدیم یا دائم یا حی یا قیوم یا فرد یا وتر یا واحد یا احد یا صمد یا من لم یلد ولم یولد
ولم یکن له کفوا احد وصلی الله علی محمد وآله اجمعین برحمتك یا ارحم الراحمین
طریقة قیل اذا اردت ان تجعل القرطاس دعها تغتسل یوم الجمعة وتلبس ثیابا جددا
او نظیفة وتصوم ذلك الیوم وتصلی رکعتین فی موضع خالی ثم تقطع مقدارا ما ترید
کاغذا علی سکة سلطان سلیمان ویکون شفعا ولا وترا ثم اقرا علیها ثلاث مرات
سورة الاخلاص معکوسة کما تری عند طلوع الشمس وتنفث علیها ثم تقوم وتجی
الی بیتك ثم تمشی الی المکان المذکور یحصل مقصودك باذن الله تم وهذه سورة
الاخلاص معکوسة بسم الله الرحمن الرحیم وهو عده احد کفوا له ولم یکن ولم
یولد ولم یلد الصمد احد الله هو قل طریقة فی کتاب تحفة الناظرة ان بعر الغنم
اذا احرق وسحق وعجن بخل وطلی به اللسعة العقربیة نفعها وکذا او وضع البیضة علی
الموضع وینفع اللسعة الزنبوریة الکرات اذا دق وجعل لطوخا طریقه گویند
هرگاه کسی را مهمی پیش آید یا در کاری متحیر باشد باید برود در خلوتی و با اعتقاد
درست دو رکعت نماز بگذارد و بعد از آن این دعا را بخواند و سر بسجده نهد
و مقصود خود را از خدا تم بخواهد و برخیزد و رو باسمان کند و یکبار دیگر این دعا
بخواند اگر مطلوبش در زیر کوه قاف باشد خداوند تم باو برساند بقدرت خود و
دعا اینست بالعزة والجبروت وکفرت بالجبت والطاغوت وتوکلت علی الحی الذی
لا یموت برحمتك یا ارحم الراحمین واز حضرت سجاد علیه السلام منقول است که فرمود
بخدا سوگند که دعا نکردم باین دعا برای هیچ امری مگر آنکه مستجاب شد طریقه
طریقه استخاره منسوب بحضرت بقیة الله تم در نزد جمعی اکابر علماء و بتجربه در آمده
لا تحصی است که اول سه مرتبه صلوات بفرستد و قبضه از سبحه را بگیرد از
بشمرد سبحه و جفت جفت طرح نماید اگر فرد بماند خوبست و اگر جفت بماند بدست

و در بعضی

و در بعض از نسخ آمده که اول سوره فاتحه را تا اهدنا الصراط المستقیم بخوانند
و این کلمه را سه مرتبه تکرار کنند و سه دفعه ابتدا را بخوانند یا من یعلم اهدنا ما
لا نعلم و اگر خواهند در جای خوبی را بیرون بیاید یکدفعه دیگر استخاره بجهة ترک آن فعل
کند مثلا خوب بود یا لا خوب بسط خواهد بود و همچنین تا دو تعبیر رجحان فعل و ترک بابت
نمود تشخیص داد و اگر تسبیح صد دانه تمام باشد شاید معتبر باشد کالانجح **طریفه** نبوی
عنه ع من قام لاخیه المؤمن تضعف قیامه خرج من ذنوبه کما خرجت الحیة من جلدها
و من قام قیاما تاما اعطاه الله تعالی بشارة لا تیأس بعدها ابدا **طریفه** قد جاء فی
الحدیث ان صفیة اعتقت غلاما تطوعا و ماتت صفیة و مات معتقها و لم یخلف
و ترک مالا فصال علی علیه السلام میراثه لی و لاخی و قال الزبیر بل ارثها کان فی عهد
عمر فحکم الزبیر بذلک فقال علی هذا خلاف لما ورد به الشرع فانه ولاء العتق المرتز
یکون لعصبتها و من عاقلتها و لغیرها ولادها **طریفه** قیل عن ابن الصید کل کلمة
فیها صاد و قاف فیها اللغات الثلاث کساق و براق و بساق **طریفه** فی الحدیث
کان ع اذا اکل مع قوم کان اکثرهم اکلا و ذلک لارائهم و التماس **طریفه** قیل یعنی
یعبر عن ابی بکر بابن اکلة الذبان و الذبان بالکسر جمع الذباب بالضم کغراب **طریفه**
گویند که علامت ظهور حضرت قائم علیه السلام طلوع کوکب ذو اوذنات است **طریقه** اطباء
طب جدید میگویند که استعمال دخانیات در حین نظر بکتاب ضرر بچشم خواهد بود
طریفه فی بعض الکتب اعلم وفقک الله تعالی ان هذا هو الاسم الاعظم المشهور بخاتم
الکبیر شاه شاه و هو المحجب عن الاعداء عن الملوک و الامراء و ارباب العمل من ذوی
الظلم و العناد و الهیبة و العظمة و الجلال و تذیب السعادة فی الدارین یا حافظ و یا حی
فداوم علیه تنل مطلوبک انه نعم و تغلب عدوک و له شرح طویل و خواص کثیرة و قد ذکر
ذکرها الصوفی المجال و هو هذا بسم الله الرحمن الرحیم شاه شاه بسادم سادم هلوب هلوب
هلوب طلهیر طلهیم ابو مهیوم فوم طاب و لاب بارفخ و طاع بنیال مقطوع سلهوب و دنال
مقطوع

مقطوع يا سميع بما يبح الاثم اسئلك بحق هذه الاسماء العظام ان يحجبني عن شر ما بغاني
بسوء من خلقك من الجن والانس وان تهيج روحانية محبتهم على بحق اسمك الخفي بالخفي
السر يا عظيم ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم **طريقة** گويند طريقه استخراج
از كلام الله المجيد آنستكه مدعى را نوشته وجمع نموده وجمع را با عدد حروف سور
سور قرآن برابر و مطابق نموده و آن حروف سر سوره كه مطابق جمع مدعى شده را
تكسير كند تا زمام بهم رسد در سطور تكسير منصوبا و مقلوبا ملاحظه كند جوابى
مطابق سؤال خواهد بود و اين سر را از نا اهل پنهان دار كه قاعده درست و صحيح
است **طريقة** ديگر آنكه مطلبى اگر دارى قصد كن و از كلام الله مجيد تفأل
نموده مصحف را گشوده سطر اول دست راست حروف غير مكرر را بيرون نوشته
ملاحظه نمايد كه چند حرف است كسورات همان حروف را حرف بحرف در زير همان
حرف نوشته و بعد وضع مكررات حروفات كسورات را در يك سطر نوشته ملاحظه
نمايد وقتيكه حروف خالصه را جمع نموده از آن چه جواب بيرون خواهد آمد همان
جواب مدعى است و اگر خواهى حروف خالصه را تكسير نما كه بزمام برسد و در سطور
تكسير جواب مطابق سؤال خواهد بود والله الموفق للصواب **طريقة** گويند
يكى از طرق ناطقه جفريه اين طريقه است كه حروف سؤال را نوشته و وضع مكررات
نموده و خالصه حروف را ملاحظه نمايد كه چند حرف است و كسورات همان حروف را
كه بمنزله مستحصله است نوشته و مكررات حروف كسورات را نيز وضع نموده و ملاحظه
نموده كه بعد از وضع مكررات كسور چند حرف باقى مانده را بترتيب نوشته تامل
نمايد كه چه عبارت بيرون مى آيد از او كه آن جواب سؤال تو خواهد و بمنزله زكات
هر گاه عملى كنى از نا اهل پنهان دار و بپوش كه مرخص نفرموده اند **طريقة** گويند
يكى از طرق تفأل كلام الله تع بطريقه جفريه آنست كه صد مرتبه صلوات فرستاده
و اين را

آیه واذ قتلتم نفسا فادارأتم فیها والله مخرج ما کنتم تکتمون خوانده و تعبیر
مطلب نموده بهل یکونبکناد کتاب قرآن مجید را گشوده سطر اول صفحه یمین را
مقطع نوشته اخراج نموده ثم ملفوظی و مسروری و ملبوبی را اخذ نموده از هر یک
حرفی برداشته بایی را مقدم داشته بعد الثی بعد الی بعد خاکی بعد تکسیر نموده
در سطور تکسیر جواب حاصل شود انتهی ثم ملاحظه کنون نحروف نماید ملفوظی
مسروری با ملبوبی و او و طبایع با طرح نابیطیفند است طریفة قال الحکماء
البلاهة ادنی الی الخلاص من فطانة تبتر طریفة طریق مغلوب نمودن طلق
السنکر طلق وج را در کیسه کرباس پر نهند با سنگ ریزها و بدست بمالند و هم
فشرند و بدوشند تا طلق همچو شیر بیرون آید و از او را خشک کنند ۲۳ العالم طرفه
گویند نعناع طیبه عرق شخص خوشبوی شود و از هوای او بوی خوش آید طریفة
گویند حجر الاسود در آب غرق نشود و از آتش گرم نگردد طریفة قیل الواد المهمل
الکلمة فارسیة من هرز الماء و هو الزیادة علی المقدار المحتاج الیه طریفة فی الحدیث ان
قلوب الجهال تستفزها الاطماع طریفة قیل کل شیء بقدر حتی العجز والکیس
الکیس ضد العجز وهو النشاط طریفة فی الحدیث لا تلبس القرض لانه اردیة ابلیس
طریفة قیل قال الکفعمی الابالسة کونوا ناثیئوا الذین لا یموتون بل یخلدون
فی الدنیا کما یخلد ابلیس بخلاف الجن فانهم یتوالدون و یموتون طریفة قیل قد یطلق
لفظ الذهب علی الکنیف فی بیت الخلاء کما هو المستعمل فی بعض الاخبار طریفة قیل ما ورد
من تحریم الغیبة علی العموم مختص للفاسق الغیر کما قال الکرکی کلها مر طرق واهل الخلاف
لمن تدبر ذلک طریفة المنیدبا ناضر للمعدة والکبد الطحال وللسعر العقرب ضمادا
باصولها طریفة فی الخبر ان سلتا والمرها قیل السلتا من لا تختضب من الحنا کانها
سلت الخضاب عن یدها ای قطعت والمرها من لا کحل فی عینها طریفة فی الخبر لا یروح

لعنوا

لغونا اي من هذه ذات ولد طريفة اذا شيب الخبيث قلت الخصيان باسقاط الالف
طريفة في الخبر راس العقل بعد الايمان بالله مداراة الناس طريفة
قيل في الفرق بين النفس الزاكية والنفس الزكية ان الاول نفس لم تذنب قط و
الثانية نفس اذنبت ثم غفر لها فكذا في النسخة والظاهر انه بالعكس فتأمل طريفة
في الحديث لا باس بكوامخ المجوس جمع كامخ قيل وهو الذي يؤتدم به اقول لعله الذي
يصنع في بلدتنا تابيز وتوابعها من اللبن بعجين الدقيق والقوديج ويعبر عنه بكامه
فلسانهم طريفة في الحديث من لم ياخذ العلم عن رسول الله صلى الله عليه وآله
يمصون الثماد ويدعون النهر العظيم قيل الثماد هو الماء القليل الذي لا مادة له طريفة
قيل ان ياجوج اسم للذكران وماجوج اسم الاناث وان الترك قبيلة منهما كانت
خارج السد لما ردمه ذو القرنين فامرهم بتركهم خارج السد فلذلك سموا تركا
طريفة قال [illegible] ابن عباس ان الله تعالى يقسم بالسماء ذات البروج يعني بالسماء
وبروجها قلت يا رسول الله فما ذاك قال اما السماء فانا واما البروج فالائمة بعدي
اولهم علي وآخرهم المهدي صلوات الله عليهم اجمعين طريفة ان جعل القليل
من صمغ الانجذان في ثقبة الاحليل انعظ نعاظا قويا طريفة بجهت دفع ورفع
كرفتاري ووقوع در ورطات حوادث اينقدر نافع بل مجرب است در مواقع مهم عدد هفتاد
يا صمد اشد واسد اثر خواهد بود بمشية الله تعالى بسم الله الرحمن الرحيم ولا حول ولا
قوة الا بالله العلي العظيم الحمد اياك نعبد واياك نستعين طريفة قيل اكتب
هذه الحروف على كف يدك وضع على المريض الذي تريد امتحانه وانظر هل يضحك
ام لا فان ضحك يخلص من المرض وان لم يضحك يموت وهي هذه م ملا ال صكلا ا هط
ه م ص ه ي طريفة قيل لرفع التحزز والخشن العارض المس وهو المعبر عنه في عرف
الطب بالضرس ذلك الملح مع اللبن الحليب نافع جدا انتهى طريفة كويند بدان

مهمولي

مهر وله دماً انها اکثر از دماً ابدان هیمنه می باشد چنانکه قدرت بر جماع نیز دو
انها اکثر است طريفة من طلب المال بالكيميا افلس طريفة عن ابن عباس
في قوله تعالى ومن الارض مثلهن قال سبع ارضين في كل ارض نبي كنبيكم وادم كادم
ونوح كنوح وابرهيم كابرهيم وعيسى كعيسى طريفة في الحديث الولد يكون من
البيضة اليسرى فاذا قطعت ففيها ثلثا الدية وفي اليمنى ثلث الدية طريفة في
المناقب قال عمران الصابي للرضا ما بال الرجل اذا كان مؤنثا والمرأة اذا كانت مذكرة
قال ع علة ذلك ان المرأة اذا حملت وصار الغلام منها في الرحم موضع الجارية كان
مؤنثا واذا صارت الجارية موضع الغلام كانت مذكرة وذلك ان موضع الغلام
في الرحم مما يلي ميامنها والجارية مما يلي مياسرها طريفة عن الشيخ في الشفاء ان الصرع
شبيها بالريح تهب من ناحية الحمل ومن سماع صوته اقول هذا مما يكسر سورة استبعاد
بعض الحكماء الطعام استحالة مريم من النفخة الالهية فافهم طريفة قيل مما يستدل
به على ان الجسد المثالي موجود في حال الحيوة ايضا الحديث المروي في تفسير قوله يا من اظهر
الجميل من ان في العرش تمثالا لكل عبد فاذا اشتغل العبد بالعبادة رأت الملائكة تمثاله
واذا اشتغل بالمعصية امر الله تعالى بعض الملائكة يحجبوه باجنحتهم لئلا تراه الملائكة
فذلك معنى قوله يا من اظهر الجميل وستر القبيح فافهم طريفة في الحديث النبوي ص
يا علي ان ارواح شيعتك تصعد الى السماء في رقادهم ووفاتهم فتنظر الملائكة اليها
كما ينظر الناس الى الهلال شوقا اليهم ولما يرون منزلتهم عند الله تعالى الخبر طريفة
في الحديث لولا ان يدخل الناس هوى كبر لسلمت عليكم الملائكة قبلا طريفة ان للعلم
طغيانا كطغيان المال اقول باطن الحديث مع ظاهره يقصم ظهر اهل الباطن واهل الظاهر
فتم ظاهرا وباطنا طريفة الغرغرة التام خمس وعشرون غلوة طريفة قيل القرء عند
اهل الحجاز الطهر وعند اهل العراق الحيض طريفة قيل دو زبان ليتي حرف عين

نداریند و بجای حرف عین الف و یا و نون چنانچه علیا را ایلیا و علی را الی و کنعان را کنیان
مینویسند و در بعضی از زبانها در اخر اسماء حرف سین میاورند چنانکه در اناجیل
عبریه مثلا علیا را ایلیا مینویسند و در فارسیه الیاس و امنه را امینس مینویسند
طریفة گویند هر که در اول روز ماه فروردین پیش از انکه سخن گوید پیاز از شکر
تناول کند از آفات آن سال محروس ماند انتهی طریفة گویند زر معکون نشود
مگر در زمین بیابانات و کوهی که احجار و نحوه داشته باشد بخلاف سیم و اهن و نحاس
و کبریت متولد نشود مگر در زمین نمناک و خاک نرم و رطوبات دهنیه طریفة
گویند دخان زیبق بصر را ضعیف کند بسا باشد کور نماید چنانکه محمد بن زکریا در
حال شباب کیمیاگر بود و کور شد و رفت بغداد نزد طبیبی جهة معالجه طبیب پانصد دینار
گرفت و بقرا خمر مداوا نمود محمد گفت کیمیا اینستکه قراضه را هزار دینار میکند نه انکه
دو چشم را کور کند و بعد از ان بعلم طب مشغول گردید طریفة گویند این اشکال را
بخط حضرت امیر المؤمنین علیه السلام یافته اند بجهة رفع درد سر مینویسند
که مجربست و باخود دارد طریفة گویند بجهة حفظ از تخویف قوم
در مجلسی که وارد شوی بگو پیش از سلام هنگام ورود ادخلوا ادخلوا اسبل سلام علیکم
طریفة گویند حروف خواتیم اگر هفت حرف منفصل که عبارتند از انها است ا د ذ
ر ز و لا در ضبط مال خانه و انعام موثر است در پنجم ماه در هر ماه بنویسند بر حصار
خانه یا در پای صندوق نقش نمایند یا تعویذ باشد و غیره نمایند خواص عجیبه از ان بظهور
رسد انتهی طریفة گویند از برای عرض نادعلی بطریق معروف فقط خاصیت
ذکر کرده اند در کل امر مهمات او را موثر دانسته اند از جمله خواص مذکوره اینستکه بجهة
شفا مرض صعب العلاج هفتاد بار آنرا بر آب باران بخوانند و به بیمار خورانند شفا یابد
انتهی و اگر کسی رسولی بجائی فرستد سه مرتبه او را در گوش او بخواند بعد که میرود زود تمام
شود

شود انّه تمّ **طريفة** من خواص ناد علي ذكره في كتاب شفاء الصدور انّه اذا قرأها الانسان
سبعًا واربعين او ثمانيا واربعين مرّة في اوّل ساعة من يوم الجمعة فانّه يقهر كل اعاديه
عنده ولتحصيل العلوم والحكمة تقرء في كل يوم وقت صلوة الظهر سبعين مرّة ولقبول
السلاطين وجلالته عندهم تقرء ستة ايّام كل يوم مائة مرّة وصورة القرائة هكذا

ناد عليًّا مظهر العجائب * تجده عونًا لك في النوائب * كل همّ وغمّ سينجلي
بولايتك يا علي يا علي يا علي

مع اعتصامها واختتامها اثنى عشرة مرّة يوم الجمعة
قبل طلوع الشمس متوجها الى نحو المشرق ولا يبدأ بالاعتصام ثم الاختتام وبعد الفراغ
يدعوا بدعاء رجال الغيب وبعد ذلك يقول يا رجال الغيب بحرمة ناد علي الّتي ذكرتم
اقضوا حوائجي كلها كبيرها وصغيرها ولا تعوقوها ثم يتوجه الى القبلة
ويدعوا بما احبّ فانه تقضي حاجته انشاء الله تعالى قبل وصول الجمعة الاخرى وافقها
الى ثلث جمع وهو مجرب امّا الاعتصام فهو يا الهي صمدي من عندك مددي وعليك
معتمدي ايّاك نعبد وايّاك نستعين وامّا الاختتام فهو يا غياث المستغيثين اغثني
يا علي ادركني انا من اعدائك بريء بريء بريء وامّا دعاء رجال الغيب فهو السلام
عليكم يا ارواح المقدسة اعينوني بقوة وانظروني بنظرة يا رقباء يا نجباء يا
ابدال يا اوتاد يا قطب يا غوث اغيثوني بحرمة محمد عليه ارواحنا وارواح اصحابه واتباعه
صلى الله عليهم اجمعين **طريفة** قال بعض العلماء انّ الفاعل العالم الحكيم دبّر
تعلّق جوهر النفس بالبدن على ثلثة اوجه احدها ان يقع ضوء النفس جميع اجزاء البدن
ظاهره وباطنه وذلك هو اليقظة وثانيها ان ينقطع ضوء النفس عن البدن بالكلية
وهو الموت وثالثها ان ينقطع ضوء النفس عن ظاهر البدن دون باطنه وهو النوم **طريفة**
قيل الاب مشتق من ابوة الصبي ابواي غذوته **طريفة** قيل انّ آسية امرأة فرعون
كلما اراد فرعون ان يمسّها تمثّلت له شيطانة فقاربها وكانت في عمرها مع امّ كلثوم **طريفة**
في الحديث لا شيء انكى لابليس وجنوده من زيارة الاخوان اى اولهم واخر **طريفة** كونياز

تجربات

مجربات حاذقین اطباء است که نبدا ابتدا بروغن دملها تار عنکبوت بنر کرده نمایند و بر آنها ضماد نمایند دفع آنها میکند و همچنین ضماد وطحلب یعنی سرغ الضفادع که جل وغوغ باشد بر آنها سریع الاثر است و ایضا گویند در آغاز دمل موم زائیم گرم کرده بر آن گذارند نافع خواهد بود انتهی طریقه گویند اگر کسی را فرزند متولد نشود باید آیه قل اللهم مالک الملک را هفت روز بر آب نداند بیاشامد و بآن غسل کند طریقه من زاعداد دیدم یکعدد کو نشش طرح میکردی نشد کم و گرم بر سرش میفزودیکی از آن بیا افزون می نشدهم چو بر اسرارا واقف شوی تو نگهدارش بضبط خویش محکم که از تاثیر آن چندان بیابی یقین دانی رموز اسم اعظم

عدد جمع واحد	نقصان	تتمه	عدد جمع احد	عدد جمع ابد
۱۲	۶	۱۲	۱۳	۶

الحاق	جمعا	عدد بسط واحد بعد بیّنه واو که مسقط شده است
۶	۱۲	

نقصان	تتمه	عدد بسط احد	عدد بسط ابد	الحاق	جمعا
۶	۱۵۵	۱۵۵	۱۴۹	۶	۱۵۵

پس یقین شد که احد اسم اعظم است طریقه گویند از سید محمد گیسو دراز نقل است که خواندن این اسم اعظم در پنج وقت نماز بعد از هر نماز یکمرتبه موجب فوائد میشود مثل استجابت دعا و سلامتی ایمان و عدم تکاسل در نماز و روشنی چشم و آسانی جان کندن و سهولت سؤال قبر و ادای قرض و رفع سستی بدن و زیادتی قوت و روشنی قلب و آن اینست بسم الله الرحمن الرحیم یا سمعوا یا شعلکنا یا کادیا یا نورا ان شاء الله اعلم اللهم احفظنی من جمیع الآفات والعاهات بحق التوریة والانجیل والزبور والفرقان وصل الله علی خیر خلقه محمد وآله اجمعین برحمتک یا ارحم الراحمین طریقه گویند بجهت علم اطلاع تا اهل صورت اسم اعظم را بدانند

باین رمز نوشته اند و آن اسم شریف یا بدوح حرفست چنانکه در یواقیت المواقیت
گفته است و صورتش نیز بوده اینست ع ل ص ح
طریفه گویند اگر کسی این آیه را صد نوبت بخواند اگر در زیر شمشیر باشد نجات
یابد فَوَقٰهُمُ اللهُ شَرَّ ذٰلِكَ الْيَوْمِ وَلَقّٰهُمْ نَضْرَةً وَسُرُوْرًا طریفه گویند هر که فندق
با خود دارد از لدغ عقرب ایمن شود طریفه گویند اگر خون از جائی بگشاید سرکه را
بر وی بریزند باز ایستد و اگر بدان طلا کنند صداع را بنشاند اگر از حرارت باشد طریفه
گویند موی معده را قوة دهد و اگر با تخم خورند شکم را ببندد و اگر بی تخم خورند اطلاق
آورد طریفه گویند اگر از پوست جوز هندی که نارجیل باشد فتیله سازند و در چراغ
نهند و بر افروزند در میان جمعی نهند در حال خواب ایشان غالب شود طریفه گویند
اگر تخم خربوزه را در میان گل نهند تا بوی گل گیرد و بعد از آن بکار برند از آن خربوزه بوی
گل دهد طریفه گویند اشنان دندان را جلا دهد و رائحه او سرفه را زایل کند
طریفه گویند اکثار در اکل بادنجان مورث جذام خواهد بود طریفه گویند وقت
کشتن پیاز هرگاه وقت طلوع باشد ثمره او بسیار خوب خواهد شد و در وقت کشتن
پوست بذر را از آن باز کنند که بغایت خوب شود طریفه گویند سیر بریان شده درد
دندان را زایل کند و از خواص سیر است که مداومت بر اکل آن رافع بحر صعب
العلاج میباشد طریفه گویند اگر نخود را بجوشانند در آب و آب آن را مضمضه
نمایند درد دندان را فوراً بنشاند طریفه گویند حیات از چوب گل بگریزند
و هرگاه ماری کسی را در نزد درخت گل بگزد مهلک بود و اگر اول گلی که از
اکمام بیرون آید بسته انگشت گیرند بدست چپ و در چشمها کشند درد
چشم را نافع بود و در قوت باصره بیفزاید و اگر خار در اعضا شکسته شود
گل را بدان طلا کنند بیرون آید طریفه گویند اگر کبریت اصفر را بر موضع
لسع مار افشانند بکر از نافع بود و طلای نفت نیز بر آن نافع خواهد بود
و گویند

و گویند صاحب درد شکم اگر نیم مثقال از نفت را بخورد نافع خواهد بود
طریفه گویند اگر پوست جوز را بسوزانند و ماده القروح را خشک کند
و اگر جوز را با پوست بسوزانند و بر موی مالند سیاه کند **طریفه** گویند اگر
ورق توت سیاه را بپزند با آب باران از بهر خضاب موی بغایت نیکو بود و اگر
بعصاره ورق توت حامض مضمضه کند رفع درد دندان نافع بود **طریفه**
گویند اگر مسمار ای از در برسانند و درو زیر بود درخت انار کوبند جمله ثمرات و اصلاح
آید چنانکه از او هیچ نیفتد **طریفه** گویند ضماد خشخاش بر پیشانی بجهة درد سر
نافع است **طریفه** گویند دیواس طاعون را دفع کند و بصر را تیز کند
طریفه گویند شرب نمودن از ظرفهای مسین اسهال آورد و بهتر است که
هر چه در آنها پخته شود نمود بیرون آورند تا گرمست و الا مضر خواهد بود
طریفه گویند بجهة سرفه کهنه که سیر بغاو فوراً علاج شود سیر جهاد را در سیر خشک
را بجایند لعاب آن را بسینه زنند آنم موثر خواهد بود **طریفه** گویند اگر برگ
بادهنگ را در روی زخم کذارند التیام یابد و اگر پشت آن را بگذارند باعث شداد
زخم خواهد شد **طریفه** قیل اذا کسد متاع فلیکتب هذا الدعا و یجعل فی وسط
المتاع بسم الله الرحمن الرحیم لا اله الا الله و الله اکبر سبحان الله و الحمد لله
کثیراً اللهم انی اسئلک من فضلک و رحمتک فانهما بیدک لا یملکها احد
غیرک و صلی الله علی محمد و آله **طریفه** گویند بجهة دفع شپش و جانور
دیگر از بدن کندر را با روغن کنجد بجوشانند و بر بدن مالند و ایضا پوست انار
ترش را با روغن بجوشانند و بر خود مالند **طریفه** گویند تریاک مصنوعی را
باین نحو ساخته میشود مصطکی یک مثقال کوکنار یک نشاسته یک عقیر زعفران
یک مثقال اجزاء مذکور را بجوشانند تا چهار یک شود پس خشک کنند و بمالند

طریفه

طریقة گویند هرگاه کسی مشغول یکی از اعمال جفریه مقرره شود این آیه
را که بَلی قادرین علی ان نُسَوِّیَ بَنانَه باشد بخواند یا آنکه بر کف دست راست
خود بنویسد علی قول بر عمل او آثار نافعه مرتب خواهد شد انشاء الله تعالی و شاید این
امر در شروع هر عملی نافع خواهد بوده باشد فاحفظ عن الاغیار وضعه فی حرز
الاسرار طریقة جفریة در استکشاف احوال آینده گویند حسین بن منصور
حلاج در کتاب سر الاسرار ذکر نموده که سؤال سائل یا مطلب خود را با طالع
وقت و اوتاد طالع جمع نماید و مجموع را بسط تکسیر نماید و حروف تکرار کسورات را
مستحصله را جمع کند و خلاصه کرده تکسیر نماید که ابتدا از سطور تکسیر کلمه که
جواب شافی تواند بود از سؤال بیرون آید اما اصابه آنست که جواب مطابق
باشد یعنی عربی را عربی فارسی را فارسی و غیره هرچه باشد اصل حصول مطالب
طریقة گویند هرگاه سوره مبارکه سبع المثانی را در یک مجلس بعدد اسم
مطلوب بخوانند مطلوب حاصل گردد و مجرب شده طریقة گویند هر که
این شکل را بر ناخن بنویسد و شروع در خواندن سوره یس
کند هرکه را خواهد حاضر گردد انشاء الله که بطور مشروع باشد طریقة
فی المهج و من ذلک دعا لمولانا و مقتدانا امیر المؤمنین علیه السلام تعلق علی
الانسان عن علی بن ابیطالب انه قال من تعذر علیه رزقه و تغلقت علیه مذاهب
المطالب فی معاشه ثم کتب له هذا الکلام فی رق ظبی او قطعة من ادم و علقه علیه
او جعله فی بعض ثیابه التی یلبسها فلم یفارقه وسع الله رزقه و فتح علیه ابواب المطالب
فی معاشه من حیث لا یحتسب و هو اللهم لا طاقة لفلان بن فلان بالجهد و لا صبر له
علی البلاء و لا قوة له علی الفقر و الفاقة اللهم فصل علی محمد و آل محمد و لا تحظر
علی فلان بن فلان رزقک و لا تقتر علیه سعة ما عندک و لا تحرمه فضلک و لا تحسمه
من جزیل

من جزيل قسمك و لا تكلنى الى خلقك و لا الى نفسى فيعجز عنها و يضعف عن القيام فيما يصلحه و يصلح ما قبله بل تنفرد بلمّ شعثه و تتولى كفايته و انظر اليه فى جميع اموره انك ان وكلته الى خلقك لم ينفعوه و ان الجا الى اقربائه حرموه و ان اعطوه اعطوه قليلاً نكداً و ان منعوه منعوه كثيراً و ان بخلوا بخلوا و هم اهل البخل اللهم اغن فلان بن فلان من فضلك و لا تخله منه فانه مضطر اليك فقير الى ما فى يديك و انت غنى عنه و انت به خبير عليم و من يتوكل على الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لكل شئ قدراً ان مع العسر يسراً و من يتق الله يجعل له مخرجاً و يرزقه من حيث لا يحتسب **طريقة** گويند بجهة تحير و عقد و مجت و اللسان اين شكل را با خود دارد **طريقة** فى البحار قال رجل لابى جعفر ع يابن رسول الله كيف اعرف ان ليلة القدر تكون فى كل سنة مرة قال اذا اتى شهر رمضان فاقرء سورة الدخان فى كل ليلة مرة و اذا اتت ليلة ثلث و عشرين فانك ناظر الى تصديق الذى سئلت عنه **طريقة** بكى از علما ميفرمايد در نزد ترجمه حديث انكه هر ركعتى در جماعت بيست و چهار ركعت است كه هر ركعتى دوست تر است بسوى خدا از عبادت چهل سال

ام على الله تفترون كذبا

٣	٩	٢
٣	٥	٧
٨	١	٦

مؤلف گويد كه از اين حديث ظاهر ميشود كه هر ركعت نماز جماعت و نشست ترابت بيشتر است از هفتصد و شصت سال عبادت **طريقة** قيل مشهور ميان علماء اينكه هر گاه كسى نماز را ترك كند بدون آنكه حلال داند ترك آنرا عاصى است و كافر نيست و ليكن بعضى از اخبار صحيح و غيرها چنانكه در حبل المتين و كافى است ظاهر ميشود در كفر و معامله با كفار با او بايد كرد **طريقة** مجلسى ره شيخ چله نشين دو زبان و حيله كه هست چله و بيست تر از چله وى **طريقة** از حضرت صادق عليه السلام روايتست كه فرمودند صراط المستقيم امير المؤمنين عليه السلام است و شناختن آنحضرت و دليل براين قول

قول خدا یتعم است که وانه فی ام الکتاب لدینا لعلی حکیم وان علی حکیم که مراد ام
الکتاب است امیر مؤمنان علیه السلام در قوله تعم الصراط المستقیم بعضی از علما میفرمایند
این صریح است در آنکه مراد از ام الکتاب در این آیه سوره فاتحه است فافهم
طریفة گویند چون بدوح را تکسیر کند و با خود دارند از کل مکروهات
در امان باشند و در خزانه و میان اموال بدارند برکت نیابد او و در خوا
ان هر روز بنیت شش بار دود میدن برچیزی موجب حفظ آن خواهد شد
طریفة گویند که این مربع را بنویسند
باین صورت وانرا در زیر سر بیمار نهند
شفا یابد و این بکرات بتجربه رسیده است
طریفة گویند هرکه در هر شب جمعه
بر پشت لقمهٔ نان کلمه عدل را بنویسد
و بخورد خلایق مطیع او گردند

بسم
حسبنا الله ونعم الوکیل
یا حی
لا تقربی فلان
بن فلان

طریفة گویند اگر خواهی کنیزا از خود دور گردانی ند مرتبه انا اعطیناک
الکوثر را بخوان و بجانب او بدم باختیار خود برود طریفة بعد اسم مطلوب
بر فلفل بخواند این کلمات را او در آتش برید حاضر شود اگر مشروع باشد
اطلعة اطاعة اطاعة سر بعیر اهنین دهین فریم اقنوین سون بحق تم جلب فلان بن
فلان علی حب فلان بن فلان طریفة ایضا این طلسم را نوشته بر باد بیاویزد
حاضر شود در صورت مشروعیت طریفة بجهت فصاحت
زبان و زیادتی فهم این سر را بعد جمل ٢١٦ بار بخواند و
تکسیرش کند که مجربست یا مالک یا مالک یا ذال طریفة
گویند در تسخیر عموم خلق هر کس باشد از اعلی و ادنی از جن و انس
بربندد

بسم

٨	١	٦
٣	٥	٧
٤	٩	٢

بر نهج یکه اسم الشخص چند حرف است بعدد هر حرفی اسمی از اسماء ۲۸ گانه ۹۹ یا در نیم
که مناسب و موافق حروف نام است بر دارد و بعدد همان اسم بخوانند مثلاً اسم
الشخص محمود است خواستیم اسما استخراج نمائیم این اسم پنج حرف است حرف مکرر را
که میم است انداختیم چهار حرف باقی ماند م ح و د اسم حرف میم باری عدد آن
در جمل کبیر ۲۱۳ این اسم را باین عدد خواندیم اسم حرف ح مهیمن است بعدد ۱۴۵
عدد است از این بیان صد خواندیم اسم حرف واو سلام است و ۱۳۱ عدد است
آنرا بیز بان حد خواندیم تا تمام شد اسم حرف د الملک است ۹۰ عدد است این
عدد خواندیم و در تمام اسمها باین طریق باید خواند فیکن نوبت دیگر اسمها را بعدد
اسم مطلوب بخوانند که البته مؤثر گردد انتم قول دیگر آنست که بعدد اسم شخص
خوانده شود بعد که از مینه هر عدد مثلاً میم که عدد آن ۴۰ است اسم باری که
مخصوص میم است ۴۰ مرتبه بخوانند و ح که هشت عدد است اسم مهیمن که مخصوص
او است ۸ مرتبه بخوانند همچنین واو و دال که حروف اسم تمام شود که البته مؤثر
شود بعون الله تم و تفصیل حروف اسماء اینست الف الله ۶۶ ب رحمن ۲۹۸ ج رحیم ۲۵۸
د ملک ۹۰ ه قدوس ۱۷۰ و سلام ۱۳۱ ز مؤمن ۱۳۶ ح مهیمن ۱۴۵ ط عزیز ۹۴ ی جبار ۲۰۶
ک متکبر ۶۶۲ ل خالق ۷۳۱ م باری ۲۱۳ ن مصور ۳۳۶ س الغفار ۱۲۸۱ ع قهار ۳۰۶ ف وهاب ۱۴
ص رزاق ۳۰۸ ق فتاح ۴۸۹ ر علیم ۱۵۰ ش قابض ۹۰۳ ت باسط ۷۲ ث حافظ ۹۸۹ خ رافع ۳۵۱
ذ معز ۱۱۷ ض مذل ۷۷۵ ظ سمیع ۱۴۵ غ بصیر ۳۰۲

طریقة قد عدّ الشهید قدس سره في الالفية من مستحبات الخلوة وسننها الصفير في الاستنجاء وهو
ان يظهر بين اليد والمحل صوت بحيث يمكن كما لو كان الماء باردا واوجبه
سلار وابن حمزة منها استعمال الماء في الاستنجاء الذي البواسير فانه يقطعه

دعاء

رواه ابی بصیر عن الصادق ع طریقه گویند خواند اسم مبارک یا لطیف را
یکصد بیست و نه مرتبه بجهت کفایت مهمات از مجربات است و از آیات عجیبات است فی شان
فتبصر و اغتنم طریقه قیل قال النبی ع من امسک لسانه من الفضول فکانما قرأ
القرآن و عمل به طریقه هر چیزی که حاجت خلق بآن بیشتر است وجدان اسهل خواهد
بود چنانکه در عناصر مشهود است و چون حاجت خلق برحمت خدا لعز و جل از همه چیز بیشتر
است لهذا باید رحمت او شامل تر از همه چیز وجدان او اسهل باشد طریقه قیل سئل عن النبی ع
ای الاعمال احب الی الله تعالی قال ع الحال المرتحل یعنی اختتام القرآن و وصل آخره با
مع القراءة منه الی اوله و هم المفلحون سواء کان معلما او متعلما او تالیا و سواء کان
بقراءة واحدة او لا طریقه قیل یکی من الصادق ع هذا الدعا بعد تلاوة القرآن
اللهم ارزقنا بکل کلمة کرامة و بکل حرف جزاء الاتم ارزقنا بالالف الفة و بالباء برکة و
بالتاء توبة و بالثاء ثوابا و بالجیم جزاء و بالحاء حلاوة و بالخاء خلدا و بالدال دولة و بالذال
ذکاء و بالراء رفعة و بالزاء العز و بالسین سناء و بالشین شفاء و بالصاد صدقا و بالضاد
ضیاء و بالطاء طربا و بالظاء ظفرا و بالعین عنایة و بالغین غناء و بالفاء فلاحا و
بالقاف قربة و بالکاف کفایة و باللام لطفا و بالمیم مغفرة و بالنون نورا
و بالواو وصلة و بالهاء هدایة و بالیاء یسرا و یمنا و صلی الله علی سیدنا
محمد و آله اجمعین الطیبین الطاهرین طریقه کان العلماء اذا علموا
اسم شخص من الاشخاص الروحانیة و لم یعلموا طبعه و تاثیره استخرجوا من
حروف اسمه ما یدل علیه من الطبایع و التاثیر فیکون ذلک بحصره کما
یخص اسمه و یکتب عنه تماما هو مختص به قال ع و اننا لکتاب المبین الذی
یا حی من یظهر المضمر فاعلم طریقه گویند هر که سوره قل یا ایها الکافرون را
در وقت طلوع آفتاب بعد از یکشنبه ده مرتبه بخواند حاجت او روا شود انشاء الله تعالی

طریقه

طريقة گويند از شيخ بهائی ره منقول است كه هر كه در روز چهارشنبه
شروع كند تا ده روز كه آخر آن جمعه باشد هر روز صد مرتبه اين دعا را
بخواند با حضور قلب با طهارت بدن و جامه پاك اگر مطلب او حاصل
نشد بر من لعنت كند بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ يا مُفَتِّحَ الاَبْوابِ يا مُقَلِّبَ
القُلُوبِ وَ الاَبْصارِ يا دَلِيلَ المُتَحَيِّرِينَ يا غِياثَ المُسْتَغِيثِينَ تَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ
يا رَبِّ فَاقْضِ حاجَتِي وَاكْفِ مُهِمِّي وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظِيمِ
وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ اَجْمَعِينَ طريقة گويند بجهة غنا دو ركعت نماز
حاجت كند و بديه نيت توانگری بجای آنكه در روز چهارشنبه چهل مرتبه
سوره الكوثر بخواند طريقة گويند بجهة مضا كلية حاجات كائنة ما كان
بعد از نماز صبح صد مرتبه خفی و صد مرتبه جلی بخواند بحضور قلب و خضوع
وَنَجَّيْناهُ مِنَ الكَرْبِ العَظِيمِ طريقة گويند بجهة ظهور گم شده و آمدن
غائب و عاقبت كار خود و آشكار شدن معدنها و گنج بنويسد در يك مجلس دو هزار و
صد مرتبه و اگر نتواند دويست و يك مرتبه بخواند مقصود حاصل گردد يا در خواب
يا در بيداری باو نشان دهند اَلَمْ تَعْلَمْ اَنَّ اللهَ يَعْلَمُ ما فِي السَّماءِ وَ الاَرْضِ اِنَّ
ذٰلِكَ فِي كِتابٍ اِنَّ ذٰلِكَ عَلَى اللهِ يَسِيرٌ طريقة گويند بجهة فتح مهمات هفتاد و
نه مرتبه سوره اخلاص را معكوساً بر گلاب بخواند و بعد از آن گلاب شستن روی را اثر
عظيم دارد بدن بتصور وحا او ولد هل نكی ملو دلوی ملودلی مل د مصلاه
هالاء دحا املاء و هلو ميخ الفحار الملاء المسبب طريقة فی الحديث من طلب
الدنيا حلالا استعفافا عن المسألة و تعطفا على عياله و تلطفا على جاره
لقى الله تعالى و تبارك يوم القيمة و وجهه كالقمر ليلة البدر طريقة فی الحديث من علم
القرآن غيره فكانما حج البيت عشرة الاف مرة واعتمر عشرة الاف عمرة واعتق عشرة
الاف

www.telasm.com

الا و عتق بر ولد اسماعیل و غزا عشرة الا و غزوة فی سبیل الله و اطعم عشرة الاف
مسکین مسلم و یکتب بکل حرف عشرة حسنات و یمحی عنه عشرة سیئات و یکون
معه فی قبره یتصل میزانه **طریفه** قیل رسم الخط الذی تداول فی المصاحف سنة
متبعة لا بد من اتباعها و مخالفتها بدعة قال العلامة فی شرح مختصر الاصول ان
الصحابة اعلم من الناس بکتابتها فما کتبوا شیئا الا بحکمة لطیفة و معرفة بلیغة
و بحث شاق و اما فی المصحف و قد تظهر ثمرة اتباع رسم الخط المصاحف فی الوقف
و الوصل اما ما کان فیه الاختلاف فی المد و القصر فی الخط فهو تاء التانیث التی
تکون فی الوقف هاء فاذا رسمت بالتاء الممدودة خطاء عند بعضهم فوقفها بالتاء
و اذا رسمت بالتاء المقصورة فوقفها بالهاء بالاتفاق کما فی مثل الرحمة بالتاء المقصورة
و بالهاء فی الوقف فی جمیع القرآن و لا اختلاف فی وقفها بالهاء الا فی سبعة مواضع
منها یرجون رحمة الله فی البقرة فقس الباقی تبصر **طریفة** قیل من کتب اسم
السریع القریب و امسکه لم یعسر شیء یرید علیه و یحرز به جمیع افعاله تحجیر عادی
صورته و ضعه **طریفة** عدد اسم سریع
با عدد لفظ قرمساوی است فافهم **طریفة**
فی قاعدة حسابیة سنحت بخاطر هذا الراقم
الاثم و هی من منفرداته و آن اینست که
پرسند جماعتی بباغ در آمدند یکی از ایشان
یک انار چید و دیگری دو انار و دیگری سه

س	ر	ی	ع	ق	ر	ی	ب
ی	ع	ق	ب	ی	ر	ر	س
ی	ی	ب	ر	ر	ع	س	ق
ر	ق	ع	ی	ی	س	ب	ر
ع	ب	س	ر	ر	ی	ق	ی
ب	ر	ی	ی	س	ق	ر	ع
ر	س	ر	ق	ع	ب	ی	ی
ق	ی	ر	س	ب	ی	ع	ر

انار و بر این قیاس چون انارها را جمع نموده قسمت کردند بهم هر کدام ده انار رسید
این جماعت چند نفر بوده اند و عدد انارها چند بوده گوییم جواب این سؤال
را اهل حساب بقاعده تحلیل و قاعده خطایین داده اند و راقم آثم جواب بقاعده
سهله مختصر که عدد مقسوم به کرده باشد دو عدد تالی سابق او که نه باشد میگیرد
نوزده میشود همان عدد جماعت خواهد بود و همان عدد مقسوم به را دو عدد جماعت ضرب
میکنیم

فولاد گرد آنند آنرا عرض کنند بر آتش تا سرخ شود آنگاه آنرا در دوغ ترش یا در
آب انار اندازند و سه نوبت مکرر نمایند **طریفة** گویند اگر سنگی بقدر بیست
مثقال بر دم یا بر گوش حمار ببندند بار نیفکند **طریفة** گویند مار در
هر سال یک پوست بیندازد و نقطه قفای او ظاهر میشود و آن عدد
سالهای او بود و اگر مار را عقرب نیش زند نمک طلبد و در میان آن بجوابک
و الا هلاک گردد **طریفة** گویند خروس در مدت خود یک بیضه نهد
و آنرا بیضة الفقرا گویند چنانکه شاعر گوید   انعام خواجه با من مسکین
بعمر خویش چون بیضه خروس یکی بار بود و بس **طریفة** گویند چون مرغ
خانگی فربه شود بیضه ننهد چون زنان فربه **طریفة** الجمعة بضم المیم
لغة الحجاز و فتحها لغة بنی تمیم و اسکانها لغة عقیل و قیل الجمعة بسکون
المیم اسم الایام الاسبوع و اولها السبت **طریفة** فی کتاب عن امیر المؤ
من کتب هذه الاسماء العظام فی یوم الجمعة من آخر شهر رمضان المبارک
و حمله معه کان محفوظا فی نفسه و عیاله و اهله و داره و متاعه من جمیع
البلیات و الخطرات و المکروهات و شر الجن و الانس و الامراض و هو هذا
بسم الله الرحمن الرحیم لا اله الا الله انت یا الله یا محیط علمک کفکوک کفاین
و بالحق انزلناه و بالحق نزل و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین فالله خیر
حافظا و هو ارحم الراحمین منصور یا تراب بحق منصور توجه حیث شئت فان
منصور محمد علی فاطمه حسن حسین علی محمد جعفر موسی علی محمد علی حسن الحجة القائم
المنتظر علیهم [illegible] و لو ان قرآنا سیرت به الجبال او قطعت به الارض او
کلم به الموتی بل لله الامر جمیعا [illegible]
[illegible] یا حفیظ یا [illegible]
طریفة فی الحدیث طلاق الدنیا مهر الجنة **طریفة** لا تتحف بالعلم و [illegible]
الا لحق

الا احمق حاصل طريفة في الحديث عقول الرجال في اطراف اقلامهم طريفة
في الحديث كتاب الرجل ابلغ من نطقه طريفة قيل نية المومن افضل من عمله كما في
الاخبار من وجهين احدهما ان نوع نيته افضل من نوع عمله فان عمله قليل ونيته كثير
فهو ينوي ان يعمل اعمالا كثيرة ولا يتمكن منها وثانيهما افضل من عمله خصوصا فانه يريد
ان يزكي عمله ويوديه على وجه لا يشوبه نقص ودنس بوجه من الوجوه ولا يقدر على
ان يعمل على ما تحب فنية المومن دائما افضل من عمله ويعطيه الله تعالى بنيته من
الاجر ما لا يعطيه بعمله نوعا وشخصا طريفة قيل من كتب في جمعة الاخيرة
من شهر رمضان هذه الحروف في سطر واحد طولا في ورقة وجعله معه كان في حفظ الله
تعالى من جميع الافات والبليات الى مثله من السنة المستقبلة وذلك ان سيد
المحققين من الحكماء الاقا مير محمد باقر الداماد الاسترابادي قده كان يقول ان
وقت كتابته بعد الفراغ من ظهر يوم الجمعة الى الغروب وهو هذا بسم الله
الرحمن الرحيم لا اله الا الله الا هو آمن بالله محيط به علمك كلم ع س ل ه
ن وبالحق انزلناه وبالحق نزل وما ارسلناك الا رحمة للعالمين الله محمد
علي فاطمة الحسن الحسين علي محمد جعفر موسى علي محمد علي الحسن المهدي الحجة
تعلوب روح مصح فيصفو توجه حيث تشنا فانك منصور بالخيرات موفق تعيش
حمعسق فالله خير حافظا وهو ارحم الراحمين بوح دل ١١٥٢
م ٥ ١١١ هو ف ابا تراب ابا تراب ابا تراب وقد يكتب ايضا بعد البسملة ولو ان
قرانا سيرت به الجبال او قطعت به الارض او كلم به الموتى بل لله الامر جميعا
طريفة روى في العلل عن جعفر بن محمد بن عمارة عن ابيه قال سمعت الصادق ع
يقول المومن علوي لانه علا في المعرفة والمومن هاشمي لانه هشم الضلالة والمومن
قرشي لانه اقر ابا الشيء المأخوذ والمومن عجمي لانه استعجم عليه ابواب الشر والمومن
عربي كتابه المنزل بلسان عربي والمومن نبطي لانه استنبط العلم والمومن مهاجر

لانه يمحو السيئات في المؤمن انصاري لانه نصر الله ورسوله واهل بيت رسوله صلى
والمؤمن مجاهد لانه يجاهد اعداء الله في دولة الباطل بالتقية وفي دولة
الحق بالسيف طريفة عن ابي جعفر عليه السلام من كسل عن امر دنياه فهو عن امر
آخرته اكسل طريفة عن ابي الحسن الاخير عليه السلام اياك والنوم بين صلوة الليل
والفجر ولكن ضجعة بلا نوم فان صاحبه لا يحمد على ما قدم من صلوته طريفة
في الحديث اذا توضا احدكم ولم يسم كان للشيطان في وضوئه شرك طريفة عن
حماد بن عثمان قال سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول من قال ما شاء الله كان ولا حول
ولا قوة الا بالله العلي العظيم دفع الله عنه سبعين نوعا من انواع البلاء اهونها
الريح والبرص والجنون وان كان شقيا محي من الاشقياء وكتب من السعداء وعن
من ابي الحسن عليه السلام ثلاث مرات فقال انا اقولها مائة مرة وفي لا حول ذكر بالواو وعدمه
طريفة قال الرضا عليه السلام من لم يقدر على ما يكفر به ذنوبه فليكثر من الصلوة
على محمد وآل محمد فانها تهدم الذنوب هدما طريفة من كتاب امير المؤمنين عليه السلام ان
المدحة قبل المسئلة فاذا دعوت الله عز وجل فمجده قيل كيف نمجده قال تقول يا من
هو اقرب الي من حبل الوريد يا فعالا لما يريد يا من يحول بين المرء وقلبه يا من هو بالمنظر
الاعلى يا من ليس كمثله شيء قال بعض اقول لولا الحمد لله جربت هذه الآداب وشرطها
في بعض دعواتي فلم ار من مجلسي الا بالاستجابة والحمد لله رب العالمين طريفة في
الحديث تعطروا بالاستغفار ولا تفضحكم روائح الذنوب طريفة في الحديث
كفن لصا وغسل الا انا مجلسه للغنا طريفة في الحديث يا ابا ذر لا يصيب حقيقة
الايمان حتى ترى الناس كلهم حمقى في دينهم عقلاء في دنياهم طريفة في الحديث يا
ابا ذر من خرج من بيته يلتمس بابا من العلم كتب الله عز وجل له بكل قدم ثواب نبي
من الانبيا واعطاه الله بكل حرف يسمع او يكتب مدينة في الجنة طريفة في الحديث
من خرج عن بيته يلتمس بابا من العلم كتب الله تعالى له بكل قدم ثواب شهيد من شهداء
بدر

بدید فیه ایضاً ما معناه من احب العلم لا یخرج من الدنیا حتی یشرب من الکوثر
ویأکل من ثمرة الجنة ویکون فی الجنة رفیق خضر ع طریفة وفی روایة من خرج
عن بیته لیلتمس باباً من العلم لینتفع به ویعلمه غیره کتب الله له بکل خطوة عبادة
الف سنة صیامها وقیامها طریفة عن امیر المؤمنین علیه السلام الدنیا کلها جهل
الا مواضع العلم والعلم کله حجة الا ما عمل به والعمل کله ریاء الا ما کان مخلصاً
والاخلاص علی خطر حتی ینظر العبد بما یختم له طریفة در معالجه زردی دندان
بگیرد صمغ و پخ نوت و تخم اسفند از هر یک دو درم بکوبند آن را بمالند سفید
شود و بیخ او محکم گردد انتهی طریفة عن ابی الحسن ع قال کثیراً ما کنت اسمع
ابی یقول لیس من شیعتنا من لا تحدث المخدرات بورعه فی خدورهن ولیس من
اولیائنا من هو فی قریة فیها عشرة آلاف رجل فیهم خلق الله اورع منه طریفة
گویند استخوان بال خروس را با خود داشتن موجب قبول و در دست داشتن
آن موجب ظفر بر خصم خواهد بود انتهی طریفة گویند دوغ باد در تغییر
مشغر بکنماید و بعد از تغییر با قاطر خل و زاج سحق نماید بجهتی که تمیع مدید
با وزان نسبت که مناسب آن باشد ملحق با اول گردد مجربست طریفة از
مهمات و احتیاطات دعیه دعا در حق امام غایب حجة الله القاهرة علیه وعلی آبائه
الکرام است که ثمرات آن راجع بخود شخص داعی و جمیع موجودات خیره بمقتضای
مرکوزه حقیقیه می باشد بهتر آنست که باین عبارت که وارده ذکر کلمات
علما اعلام ماخوذه از احادیث ائمه معصومین علیهم السلام است و بخصوص در
شب جمعه و شب بیست و سیم ماه مبارک رمضان و عموم اوقات از سال باشد اللهم یا ملک
الملک الشامخ والسلطان الباذخ صل علی محمد وآل محمد وکن لولیک المهدی بن
الحسن فی هذه الساعة وفی کل ساعة ولیاً وحافظاً وناصراً ودلیلاً
وعیناً حتی تسکنه ارضک طوعاً وتمتعه فیها طویلاً طریفة قیل یوم
ان الرجعة فی السماء وقیل فی معناه یعنی ان الارض تصبح هنا الیوم کا
السماء

السماء في اللطافة والشدة والصفاء طريقة عن خواص الشعير كما في الخزائن
ما دخل جوفاً الا اخرج داء منه وهو قوة الانبياء وطعام الابرار ولكن الاطباء يزعمون انه
يوجب الرياح وهو ايضاً عند الابدال من امثال الخصال المنتصر طريقة نقل في الحديث من
استخف استاده ابتلاه الله تعالى بثلاث بليات الاول ما نسي ما حفظ والثانية ما تاب ثانياً
والثالثة كل لسانه عند الموت طريقة از يكى از معصومين مرويست که مؤمن نزد اگر شیعیان
ما را لکیم و بینك بما ایشان را ازهم جدا کنیم از هزار کس یکی خالص نباشد و اکثر ایشان
اهل قول باشند اهل عمل در میان ایشان نادر است طریقه در حدیث است که اگر مؤمنی
بقصد زیارت یا برای حاجتی بخانه کسی رود و او در خانه باشد و اذن ندهد در لعنت خدا
باشد تا وقتیکه همدیگر را ملاقات کنند طریقه در کتاب مذکور است که هر کس از مؤمن چیزی روایت کند
که باعث خفت او شود در نظرها خدا ایشان او را از ولایت خود بیرون کند و بولایت شیطان
و شیطان هم قبولش نکند طریقه در جمال الصالحین آورده که هر که را شدتی و حاجتی
باشد غسل و دو رکعت نماز گذارد و پس از ... است زیر ... است گرفته بجا آورد بگوید
یا معز کل ذلیل و یا مذل کل عزیز وحقك لقد شق علی کذا و حاجت را مذکور سازد
مستجاب شود طریقه ایضاً در کتاب مذکور است از حضرت صادق علیه السلام مرویست
که چون خواهی برای مطلبی و حاجتی نامه بنویسی اول با قلم بی مداد بر سر نامه بنویس
بسم الله الرحمن الرحيم ان الله وعد الصابرين المخرج مما يكرهون والرزق من حيث
لا يحتسبون جعلنا الله واياكم من الذين لا خوف عليهم ولا هم يحزنون را و گوید
بعد از آنکه این حدیث شنیدم هرگز برای مطلبی نامه ننوشتم مگر آنکه باجابت مقرون شد
طریقه فیه ایضاً از معصوم مرویست که بجهة حفظ از حوادث لیل و نهار مستحب است که
مؤمن این دعا را در نقاء شمشیر یا نگین انگشتر یا در عمامه خود داشته باشد بسم الله
الرحمن الرحيم يا هو يا من هو هو يا من ليس هو الا هو يا حي يا قيوم يا حي لا يموت
يا حي لا اله الا انت صل على محمد وآل محمد وكن لفلان بن فلان درعاً حصيناً وحصناً
منيعاً يا رب العالمين وصلى الله على خاتم النبيين وآله الطاهرين طريقة قلم الغزا با
انتهى

انه من قال عشرة آلاف مرة یا غنی یا مغنی یا وفی رزقه الله ثم مالا من حیث لا یحتسب
طریقة لدفع من اراد ان یوسع رزقه فلیکتب هذا الدعا و یعلقه علی نفسه او
یکتبه فی منزله او یقرؤه فی کل یوم و لیلة ثلث مرات و هو یا الله یا الله یا الله یا رب
یا رب یا حی یا قیوم اسئلک باسمک العظیم الاعظم ان ترزقنی رزقا حلالا طیبا
برحمتک یا ارحم الراحمین طریقة در مجمع المنافع آورده اند که اگر کسی خواهد که مهمی
روی دهد این اسم اعظم را که بر زبان هفت است هفت بار بگوید آن مهم بزودی برآورده
شود این است [illegible] طریقة نسبت داده اند بمرحوم آخوند ملا زین العابدین
گلپایگانی اعلی الله مقامه که یکی از اوتاد عصر بود که حضرت امام رضا ع باو تعلیم
فرموده بود در خواب بجهت امر معیشت که هر روز صبح در تعقیب نماز یکصد و ده مرتبه
بخواند اللهم اغننی بحلالک عن حرامک و بفضلک عمن سواک طریقة قال بعض
العلما رأیت فی بعض المؤلفات بعض الاجلا من اصحابنا انه قال و مما سمع من الثقات
مجرب فی اکثر الاوقات لتیسیر المهمات و کشف الکربات و قضاء الحاجات و حصول
الشهرة فی جمیع الاوقات قرائة سورة النصر و سورة یس الی قوله و کل شیء احصیناه فی
امام مبین عند الاستهلال فی شهور السنوات الحمد قبلها و لا او آخرا طریقة
گویند اگر خواهی حاجت تو برآید این حرفها را با ناخن دست چپ بنویس و بخواب رو در بری
در خواب ببیند اگر خواهی با تو بگویند شخص [illegible] بگوید بغیر این ایکم [illegible] مؤده ام
مجربست لا یعطان طریقة ایضا در وقت خواب این طلسم را با ناخن دست
راست بنویسد هر حرف بنویسد تا بخواب رود در خواب احوال بر او معلوم خواهد شد
انشاء ۰۰ بما ۰ کا ۱ ۰ صم طریقة گویند هر که این کلمات را صد نوبت
ماف حر اللع بخواند غنی گردد و مجربست بسم الله الرحمن الرحیم
یا کثیر الخیر یا ذا المعروف یا قدیم الاحسان احسن الینا باحسانک القدیم جودک
یا ارحم الراحمین طریقة گویند هر کس پیش از نماز صبح روی بقبله کند و در
میان در کن خانه خود دو کمر دکی ده مرتبه بگوید یا رزاق روزی بر او فراخ گردد و محتاج
بخلق نشود چنانکه روایت از حضرت امام رضا است طریقة فی النجار قال

ابو صلت

ابو عبدالله الفقیه الهمدانی فی کتاب البلدان ان اباموسی الاشعری روی انه سئل امیر
المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام عن اسلم المدن وخیر المواضع عند نزول الفتن وظهور
السیف فقال ع اسلم المواضع یومئذ ارض الجبل فاذا اضطربت خراسان ووقعت الحرب
بین اهل جرجان وطبرستان وخربت سجستان فاسلم المواضع یومئذ قصبة قم
طریفه عن الصادق علیه السلام فاما الری فویل له من جناحیه وان الامن فیه من جهة قم
واهله قیل فما جناحاه قال ع احدهما بغداد والاخر خراسان فانه تلتقی فیه سیوف الخراسانیین
وسیوف البغدادیین فیعجل الله عقوبتهم ویهلکهم فیأوی اهل الری الی قم فیؤویهم
اهله ثم ینتقلون منه الی موضع یقال له اردستان طریفه فی خبر الاوان ثم الکوفة
الصغیرة طریفه قیل نقل انه فی التوریة مکتوب الری باب من ابواب الارض والیها
متجر الخلق فی خبر ان الری وقزوین وساوه ملعونات مشومات طریفه فی ارشاد الدیلمی
فی مناجات النبی ص یا احمد ان العبد اذا جاع بطنه وحفظ لسانه علمته الحکمة وان کان
کافرا تکون حکمته حجة علیه ووبالا وان کان یکون مؤمنا حکمته له نورا وبرهانا وشفاء
ورحمة طریفه گویند تیمور با شاهی سیاحت بجائی رسید که چون شب داخل شد
نماز مغرب را که خواندند آفتاب طلوع نمود وفرصت خواندن نماز خفتن نشد
طریفه گویند مداومت بذکر لا اله الا الله موجب دفع دشمن ودفع کرب
واداء قرض است طریفه گویند از جهت دفع شدائد وقضاء حاجات سر
برهنه کند ودست بر سر نهاده بخواند اعوذ بالله من الشیطان الرجیم افغیر
دین الله یبغون وله اسلم من فی السموات والارض طوعا وکرها والیه
یرجعون وحاجت خود را عرض کند که البته انشاء الله روا خواهد شد طریفه
گویند یکی از خواص آیة الکرسی آنست که هرگاه بنویسند وبر آستانه خانه یا
دکان بیاویزند موجب غنا وبرکت ودولت خواهد بود وهمچنین خواندن
آن تا ده روز روزی ده مرتبه موجب دولت خواهد بود انشاء الله ونیز خواندن آن
در هنگام بیرون رفتن از خانه موجب حفظ از آفات وغنای بعد از مراجعت
دارد

وایضاً خواندن آن باعث بر حصول اطلاع بر اسرار قرآن شریف است طریقه
گویند بجهة دفع وبای این اشکال را با خود دارند سبحٰ سبحٰ سبحٰ طریقه گویند
در شب چهارم ماه این ابزار را در کف دست راست خود بنویسد و دست را
در روی خود راست نهد روی بقبله بخوابد مطلوب را از حیث خیر و شر در خواب
ببیند انشاء الله تعالی وَكَذٰلِكَ نُرِي إِبْرٰهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمٰوٰاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ
طریقه دیگر ایضاً هر که بنجاه و نه روز هر شبانه روزی هزار بار اسم العزیز را بر قمر
بخواند مسخر او شود طریقه دیگر وایضاً هر که صنعتی میکند نازک و خطرناک و از فنا
آن میترسد مانند کیمیاگری و زرگری باید که تا آن عمل میکند هر صباح صد بار
اسم الخلاق را بگوید بهتر او نیکو شود طریقه ایضاً هر که در شب دوشنبه نیم شب
بعد از دو رکعت نماز در سجده هفت مرتبه اسم الوهاب را بگوید توانگری یابد طریقه
گویند از حضرت رضا علیه السلام روایت است که بجهة اطلاع بر امر مخفی از قبیل دفینه و غیر آن سه روز
متوالی هر شب هزار نوبت بگوید یا علام عَلِّمْنِي و با طهارت بخوابد در خواب یابد یا بیداری او را اطلاع
دهند طریقه ایضاً بجهة فراخی روزی و زوال غم چهل و یکبار اسم الشکور
را بر آب بخواند تعبیا بیاشامد و بجهة روشنائی چشم از آن آب در چشم کشد طریقه
ایضاً هفت بار اسم الرقیب بر خود خواندن موجب حفظ نفس و مال و زن و فرزند
او گردد طریقه گویند هر که این را بر کف دست راست بنویسد با وضو بخوابد
هر چه مطلوب او باشد در خواب ببیند انشاء الله مهند فی علینا طریقه گویند هر که
این حروف را بر کف دست خود بنویسد پیش هر که رود مراد او حاصل آید هل و لا هو لا ل
طریقه دیگر جواهر مکنونه آورده که اهل خواص گفته اند هر که نظر بحروف حلاله
نکاه دارد و او را با بیضوت بنویسد ا ل ل ا ه و نظر بچشم داشته باشد هر روز با وضو
۶۶ مرتبه اسماء الله را بخواند یا ۶۲ مرتبه و همین عدد ابرا الله لطیف بعباده یرزق
من یشاء و هو القوی العزیز را بخواند مرزوق گردد بتوفیق طاعات و عبادات
و برکت روزی فراوان گردد و از برای او فهم امور مشکله و شهوت بر دل او سهل گردد
و از ظلم ظالمان ایمن گردد و هر چه طلب کند از حوائج بیابد و بعضی گویند باین
صورت

صورت بنویسد و نظر کند (الله) **طریقه** ایضاً در کتاب مذکور است که چون متوجه
اموری میشوی از قبیل عمارت و زراعت و تجارت و نماز و دعوة البته بگو یا قوی یا
عزیز یا علیم یا قدیر یا سمیع یا بصیر آن امر هر چند مشکل باشد آسان میگردد انتهی
طریقه ایضاً در آن کتاب است که بعضی از بزرگان فرموده اند که توسل باین اسماء
حسنی که از حروف مقطعه قرآنی تألیف یافته موجب حصول مرادات و قضاء حاجات
علی الفور بی تاخیر و مهلت و بسی اعزه تجربه کرده اند و عمل او پیشه اند و اسما این است
الله الرحمن الرحیم الملک المالک السلام المؤمن المهیمن القهار المانع العلیم السمیع
الحکیم العلی الکریم الحلیم الحق الحی الحنان المنان المقسط المحسن المنعم
الملیک الصانع الملی الناصر النصیر العالم القاهر و اسماء مفرد سی و نه است
و مفسرین آورده اند که توسل جستن باین اسماء حسنی که مؤلفه از هفتاد و هشت
حروف مقطعه است باعث طول عمر و دولت و حصول مطالب و مآرب صوری و معنوی
است انتهی **طریقه** تفصیل کسور حروف باین نحو است الف کسر ندارد با نصف
دارد که یکی است جیم ثلث دارد که یکی است دال نصف دارد که دو باشد و ربع
دارد که یکیست ها خمس دارد که یکیست واو نصف دارد که سه باشد و ثلث دارد که دو باشد
و سدس دارد که یکی است

زا: سبع دارد که یکی است

حا: نصف دارد ربع دارد ثمن دارد — ۴ ۲ ۱

طا: تسع دارد که یکیست

یا: نصف خمس عشر — ۵ ۲ ۱

کاف: نصف ربع خمس عشر — ۱۰ ۵ ۴ ۲

لام: نصف ثلث خمس سدس عشر — ۱۵ ۱۰ ۶ ۵ ۳

میم: نصف ربع خمس عشر — ۲۰ ۱۰ ۸ ۴

نون: نصف خمس عشر — ۲۵ ۱۰ ۵

سین: نصف ثلث ربع خمس سدس عشر — ۳۰ ۲۰ ۱۵ ۱۲ ۱۰ ۶

عین: نصف سبع عشر — ۳۵ ۱۰ ۷

فا: نصف ربع خمس عشر ثمن — ۴۰ ۲۰ ۱۶ ۸ ۱۰

صاد: نصف ثلث خمس سدس تسع عشر — ۴۵ ۳۰ ۱۸ ۱۵ ۱۰ ۹

قاف: نصف ربع خمس عشر — ۵ ۲۵ ۲۰ ۱۰

را: نصف ربع خمس ثمن عشر — ۱۰۰ ۵۰ ۴۰ ۲۵ ۲۰

شین: نصف ثلث ربع خمس سدس عشر — ۱۵۰ ۱۰۰ ۷۵ ۶۰ ۵۰ ۴۰

تا: نصف ربع خمس ثمن عشر — ۲۰۰ ۱۰۰ ۸۰ ۵۰ ۴۰

ثا: نصف ربع خمس عشر — ۲۵۰ ۱۲۵ ۱۰۰ ۵۰

خا

ج						ذال					ضاد		
نصف	ثلث	ربع	خمس	سدس	ثمن	نصف	ربع	خمس	سبع	عشر	نصف	ربع	ثمن
۳۰۰	۲۰۰	۱۵۰	۱۲۰	۱۰۰	۷۵	۳۵۰	۱۷۵	۱۲۰	۱۰۰	۷۰	۴۰۰	۲۰۰	۱۰۰

ظا			غين			
نصف	ربع	تسع	نصف	ربع	خمس	عشر
۴۵۰	۲۲۵	۱۰۰	۵۰۰	۲۵۰	۲۰۰	۱۰۰

ومرتب از کسور دایکی از حروف غرار میدهند مثلا یک از الف و دو از با و سه از جیم وهکذا طریقه قیل الفرق بین الوحی و الالهام ان الاول یتولد من اشراقات العقل الکلی والثانی یتولد من اشراقات النفس الکلیة فافهم طریقه گویند خوردن زنجبیل با پسته وخولنجان بجهة تقویت باه از اسرار مجربه شمرده اند طریقه گویند مضمضه گل سرخ مسکن درد دندانست طریقه گویند هرگاه اسب در اسرار حرکت وا ماند شود قدری افیون که اقلش یک مثقال و اکثرش سه مثقال باشد باید بحلقش کرد که توانائی دفتار بهم رساند و این تدبیر از اسرار مکنونه است طریقه گویند هرگاه نمک برگ حنظل را بسوزانند و با عسل ضم نمایند و در هر ماهی دو بار به دندان بمالند بجهة صحت دندان ولثه نافع خواهد بود طریقه لا ادری لیس اللیلة فی ایام ما عجبا بل السلامة فیها اعجب العجب طریقه گویند هرگاه فلزی را چند مرتبه با بول نرم کرده در آب اندازند قابل اذابه وسحق میگردد طریقه گویند بجهة تواسیر خوردن شربت زرشک بسی نافع است طریقه گویند مالیدن روغن گردو با عاقرقرحا بر قضیب مقوی باه و آلت خواهد بود طریقه گویند از جمله چیزها که موجب لاغری و پیری و ضعف باه میباشد اقتصاد بنعم اشیاء واحد و عکس بجهة طرفست چنانکه در کلمات شیخ داود مصری است طریقه یکی از حکما میفرماید باید انسان دفرار از هوای و بالاتر از پر سوله نباشد که در چنین هواها قرار میکنند و بجای دیگر انتقال مینمایند کما هو الشاهد طریقه گویند هرگاه موضع گزیدن عقرب با نخوان را در آب بسیار گرم گذارند بلا فاصله منتقل بهم میرسد طریقه گویند روغن کنجد بر قضیب مالیده و جماع کند سرد نماید تسکین میشود طریقه ایضا گویند زهره مرغ خانگی را با زنجبیل و دارچینی نفع عظیم بخشد طریقه ایضا بجهة تقویت باه آب پیاز سفید سا بیده بر قضیب طلا کند لذت یابد

بیعتی

یان من عسل دو من با آتش ملایم آهسته آهسته بجوشانند تا بقوام آید هر یامدا
ده درم تناول نماید طریفة ایضا تخم شلغم را کوفته با عسل میل کند نافع
خواهد بود طریفة گویند زرد زبانه را جوشانیده اندکی قند داخل کند بجهة
دفع اسهال رطوبی بنوشند بجای آب و گلاب بخیسانند بجهة خواهد بود
طریفة ایضا تخم مرغ نیم پز را اندکی شبت صلایه نماید میل کند و شیره تخم
خشخاش نیز نافع بشرط آب نخوردن در زمستان طریفة گویند بجهة امساک
منی کباب بره ابکوبند و حب ساوند و در دهن نگاه دارند و لعاب آنرا فرو برند و
گویند طلا کردن خایه بکابه بر قضیب مانند جماع سست طریفة گویند بوره ارمنی
را نرم سایند با عسل آمیخته بر ذکر مالند و بر خصیه و جوانبان چندان التذاذ
سخت نماید که ثنات آید و آب کشنیز فرو نشانند انت طریفة از باهیات آنکه
خشت نو را در آتش نهادند تا سرخ شود و گوشت بره را بر او افشانند تا بریان شود
و بخورد نقل عن کتاب تحفه مرتضوی محلی شاملو طریفة گویند تخم بنگ را اگر کسی نیم درم
بجوشاند با عسل و مکرر بخورد خاصیت فادزهر دهد طریفة حکیم عماد الدین محمود
گوید اگر کسی صد درم پیاز سفید را بجوشاند با صد درم عسل سفید تا نیم شود
و هر روز پنج مثقال از آن بخورد خاصیت فادزهر دهد طریفة قیل نقل عن ارسطو
انه من منعزات الوبا والطاعون و حدوث الزلازل العظیمة و مقارنة مریخ مع زحل
کما قال الشیخ الیهودی فی رسالته فی الوبا والطاعون طریفة ایضا قال هو ان الهواء
المستور القبری فی زمان الوبا اصلح من الهواء المکشوف الصحرای طریفة ایضا هو قال
وجدنا فی زبور داود و توریة موسی ع ان فی کل زمان اذا اراد الله تعالی ان یعذب العصاة
یرسل بالخصوص مرض الطاعون وقال عیسی ع لا تخافوا من العلامات العلویة والآفات
السماویة ان کنتم تسلکون الی طریق الهدایة الالهیة طریفة ایضا قال هو اعلم ان
فی هذا الدواء نفعا عظیما و سرا عجیبا یتفق علیه الاولون المتقدمون والآخرون
ونحن توقفنا فیه تجربة کاملة لا یلیق بتفصیله هذا المقام وهو هذا خذ من الصبر ثلثة دراهم
و من المر

ومن المرد زهمين ومن الزعفران درهما ثم تدقق وتنخل وتحبب مثل حمص بما ينسابان النوى
ويجفف في الظل ثم يشرب قبل طلوع الفجر خمس حبات ويستعمل كل اسبوع مرة او مرتين
على اختلاف الامزجة طريقة ايضا قال منصور روي عن داود ان جميع الاطباء في علاج
الطاعون كالاعمى ايضا قيل المقرر في علم الطب ان الشهب والصواعق وعموم النار
علامة لكثرة الابخرة والرطوبات وهي تدل على حدوث الوباء والطاعون وفي علم
النجوم انها علامة ان الحاكم في ذلك الزمان هو المشتري والمشتري ضد للصحة في الجنون
طريقة ايضا قيل ان الشتاء اقبل للوباء من ساير الفصول وعده بعض من الاطباء
طريقة في الخلاصة ان محمد بن عثمن العمري قدس سره النوري كان قد حفر لنفسه قبرا
وسواه بالساج فسئل عن ذلك فقال للناس اسباب ثم سئل بعد ذلك بشهرين فقال
امرت ان اجمع امري فمات بعد ذلك بشهرين في جميد الاولى سنة خمس وثلثماة وقيل
سنة اربع وثلثماة وكان يتولى هذا الامر نحو من خمسين سنة عليه رحمة الله ورضوانه
طريقة قيل قال ابو علي بن سينا كلما كنت احاور في مسئلة او لم اظفر بالحد الاوسط
في قياس ترددت الى الجامع وصليت وابتهلت الى مبدع الكل حتى ينفتح في المنغلق منه
وتيسر المتعسر طريقة گويند بجهة مفهوميت هر شب چهار مرتبه اية الكرسي بخواند چون
بما بين يديهم ومیم يعلم ما بين ايديهم رسد آنرا شش بار انظر او برد وخواندن آن نيز بعدد
مذكور بجهة كفايت ساير مهمات مؤثر است بشرط بخاطر گذرانيدن مهم مطلوب بدعا
دوعين كيشفع عنده وايضا صفت مير خواندن بر غلبه طعام وخوردن بمطلوب نحو
محبت شديده آن خواهد بود طريقة يكقسم از قلم عربی كه اقرب باغلب بلا[illegible] است
بدين نحو است ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش
[illegible]
ص ض ط ظ ع غ ف ق ك ل م ن و ه ى طريقة و [illegible]

خواجه محمد علي در مذمت تنباكو فرموده

چه طالع است كه اين روسياه تنباكو جهان گرفته سراسر چو ظلمت ديجور
عزيز عالميان است با همه خواری يكي ز جمله غلطهای در جهان مشهور
نه آنكه ميگويند هيچ است كه اگر سر مشو ادر روی فرادر مرتبه چراغان كنند ترا بدوا نفسی

نفسی نماید هر نه خنک شد که اگر چوب بید حلقش فرو برند نفس گیر میشود
تا آنکه میگویند یا ده از این دراز نفسی و گفتگو در نو سرایست که دود سر و دراز نفسی
کار غلیان و تنباکو است در اتمام راد در باب غلیان چه جا و شما چند شعری گفته از آن
در جای آید گاهی ز غلیان فکرت صد جفا کباب اسباب خرابست پهلو بپهلو دود حیوان
اگر باشد ترا بر سر هوای طوبی و کوثر عیان بین در شما و در این غلیان از آن هویدا
دگر خواهی شوی مقرون بخم علم افلاطون بجو در وی تو از غوری مکن هجران تو از غلیان
از شما و بشنو این راز نهانی تا بدانی آید موی زا که خواهانی نا سزا دو نهانی
گوید ای غافل ز فیضیات این غلیان و چه جا جوش آمد دل که این شیرین عیان را بخوانی
طریقه گویند شخصی صرعی تسلیقه شود گفت که چون البتها سا کین جایز نیست باید در
شریعت نیز تزویج دو خنثی بیکدیگر جایز نباشد طریقه گویند با شخصی تارک الصلوة
گفتند که اگر چهل روز متوالی نماز بجا آوری عادت از برای تو حاصل میشود که دیگر ترک نکنی
جواب داد که اگر عادت چهل روزه ترک نتوان کرد من چگونه عادت چهل ساله را ترک
میتوانم کرد طریقه گویند اگر مهره مار را با نوشادر حل نموده بر موضعی طلا نمایند
موی برنیاید و در طریقه قبل از شث ۱ ۹۸ تتمة المعشوق فلیقرأ هذا المثل سبع
مرات و انفخ علی الودد الاصغر فی کل مرة نفخة واحدة و بعد الاتمام ایضا انفخ سبع
مرات فانه حا ۹۸ تتمه لدیک بعون الله هو مجرب ان کان وقع ذلک فی یوم
الاحد قبل طلوع الشمس لکان اوفق والمتر باللغة الهندیة قل علی قلرنا کیا نجی
ای قل او بنیا جیفل سنکاسل سماوی نوری نعوذ بها نیر کی با جا منو تنا نیر کی
یو جا جا کیا ما کیا دکان شاه دی بیر طریقه گویند هر فلزی که آب شود
آنرا با شوره بر سنداب شود طریقه گویند ترکیبی که طلای او بینند قلع میکنند و
آسنکه زرنیخ ورقی بقدر بیست و پنج درم در میان طاس سرخ بپزند که بقدر
انگشت آب بالای او بایستد هر روز قدری آب بپزند تا وقتیکه ببندد و رسیدن
او اینست بر مرغی دا مرکاه بر او فرو برند پر ریخته شود بعد از آن حصا البان را
با صابون مکی کوبیده داخل آن نمایند بجوشانند و قرصها ساخته استعمال نمایند
کرده اش

که احتیاج بنوره نیست والله العالم طریفة گویند که شب شب هر شب چهل مرتبه سوره
مبارکه انا انزلناه را بخوانند از عالم غیب وجهی برسد و روزی او وسیع گردد مجرب
مجربست طریفة بجهت کشف سرّ در خواب در وقت خواب قل هو الله احد ده مرتبه
تسبیحات اربع ۱۲ مرتبه صلوات ۱۵ مرتبه ناد علی هفت مرتبه یا الی السید الله امام دقله
طریفة گویند بجهت ماگزیده مدد هیمه بسوزانند پس آتش آن بر آن نشتر بالای
زخم گذارد آتش سیاه میشود و همچنین آتش دیگر گذارد تا مادامیکه سیاه نشود و تمام
که زهر در بدن باقیست آتش سیاه میشود از بدن را طریفة گویند خواندن این اسم
شریف بعد از نماز صبح هر روز الی نود روز بعد نود و چهار مرتبه موجب کشف اسرار
کیمیا خواهد بود الجبار طریفة گویند هرگاه در روز اول که زکام حادث شود آب
گرم در کف دست استنشاق کند نفع بلیغ دهد و استشمام کافور نیز مجربست دفع زکام
صفرا و بخار طریفة گویند نظام الدین نیشابوری از ابن عباس روایت کند که منافقی
و یهودی مخاصمت کردند یهودی گفت من پیش پیغمبر میروم منافق گفت پیش کعب ابن اشرف
میرویم بالاخره رفتند نزد پیغمبر آنحضرت حکم بر وفق مراد یهودی فرمود منافق راضی
نشد و گفت پیش عمر میرویم چون رفتند یهودی شرح حال را گفت عمر گفت اینجا باشید
تا من بیرون آیم و بخانه رفت و شمشیر بدست داشت و گردن آن منافق شل خود زارد
بجهت تزویر و مکری که عملش بود داشتا و را عمر میامیدند یعنی روباه طریفة
گویند از آقا شمس الدین منقولست که هرکس هفت روز روزه بدارد و حیوانی نخورد
و هر روز چهل مرتبه این اسما را بخواند یا فرد یا خبیر یا شهید یا زکی یا لطیف یا غالب یا
طالب یا جبار یا فعال یا خلاق و در روز هشتم این مهر را ابو سعید و مهر اینست و نقش
مهر را در برسجاده گذارد و هزار مرتبه یا فعال یا خلاق بخواند و سجاده را بردارد
بقدرة الله تعالی هفت درهم در زیر سجاده او بهم میرسد و قتیکه برمیدارد ذکر در کیسه
گذارد چهل مرتبه یا منقلب یا اسود یا فعال یا خلاق بخواند مادامی که آن درهمها در
کیسه او باشد هر روز باذن الله هفت درهم در کیسه او بهم رسد و در هر ماه هفت درهم
صدقه کند و از برای ترویج آقا شمس صد مرتبه فاتحه بخواند و هدیه کند برای او و این مطلب
بتجربه رسیده

بجز بر و بند و مهر مزکور اینست: طریقه قیل انا اسم ام موسی الذی تفتح به الاقفال انا التیتو هو هذا طیسوا یوم فیوم دیموسیوم

[illegible] احمد

طریقه گویند ختم سوره مبارکه الم نشرح بجهة قضای حوائج اثر عظیم دارد باین نحو است که در روز چهارشنبه ابتدا نماید و شروع کند تا هفت روز روزی هفت مرتبه بخواند و بعد از هفت مرتبه مکرر تبرء دعای یا من تحل [illegible] یا منتهی مطلب الحاجات از صحیفه سجادیه بخواند طریقه گویند از حضرت امام حسین علیه السلام مرویست که فرمودند که حضرت فی سوره فرمودند که جهة قضای حوائج جمیعا تا نعبد هر روز هر یک از این اذکار را هزار مرتبه باین ترتیب بخوانند حاجت او روا شود و الا فردای قیامت دامن گیر من باشد دوشنبه یا حی یا قیوم یکشنبه ایاک نعبد و ایاک نستعین دوشنبه سبحان الله و الحمد لله سه‌شنبه یا الله یا رحمن چهارشنبه حسبی الله و نعم الوکیل پنجشنبه یا غفور یا رحیم جمعه یا ذا الجلال و الاکرام طریقه فی الحب گویند بنویس بر سفال نو فلفل سیاه و در آتش اندازد و لکن بشرط آنکه [illegible] سن لمرها. طریقه گویند عرب الی که ما قبل آن متحرک باشد آن را قلب بذال میکنند چنانکه در همدان همذان میگویند ولی در استاد استاذ میگویند بخلاف قاعده مذکور طریقه یکی از عرفا گوید جمیع اجزاء عالم بحیثیت انسان مربوط و به برکت وجود او منضبط است

زین آتش نهفته که در سینهٔ من است
خورشید شعله‌ایست که در آسمان گرفت

شیخ ابوطالب مکی در قوت القلوب گوید افلاک با نفاس بنی آدم دایر اند

تو خود چه لعبتی ای شهسوار شیرین کار
که توسنی چو فلک رام تازیانه تست

طریقه گویند از حضرت امام محمد باقر مرویست که در ایام هفته هر روزی هزار مرتبه و اگر طاقت ندارد صد مرتبه بخواند این اذکار را به ترتیب در اثنای ذکر تکلم با کسی نکند سؤال نمیکند از خداوند تعالی چیزی را مگر آنکه با وی عطا خواهد فرمود انشاء الله تعالی روز شنبه یا هو یا الله روز یکشنبه یا رحمن یا رحیم دوشنبه یا علی یا عظیم سه‌شنبه یا فرد یا احد چهارشنبه یا حی یا قیوم پنجشنبه یا حنان یا منان جمعه یا ذا الجلال و الاکرام طریقه اگر سوراخ مورچه

را بینی

را بر گین گاو بکر بندد یکو پیرهن نیایند طریقة گویند کثار در تلاوت سورة العلق
موجب سهولت اسباب رزق و وسعت آن خواهد بود طریقة گویند هر که
این اسماء عظام را بعدد حساب جمل بخواند صفات بشریه ازو محو شود و بصفات
حق باقی شود و دم عیسی پیدا کند و بسعادت دو جهان برسد و رزق بروی
فراخ گردد و اسرار غیب بر او منکشف گردد و بر قولی دیگر ۱۷۳ خواستن
دفعه بخواهد بدو دفعه در یکشبانه روز مداوم در اول و آخر صلوات بفرستند
هو الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم القدیر المرید السمیع البصیر
طریقة گویند جناب محمد حنفیه رض از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نقل اعداد
اجزای جفری که بحسب تعداد حروف ابجد است و از ۲۸ در نگذرد نموده و
اینکه مردمان در تعیین عدد اسماء سر گردانند این قدر در نیافته اند که وضع عدد
حروف همان عدد است بحسب ترتیب ابجدی و ابتثی و ایقعی و اهطمی و گفته
شخصی از امیر المؤمنین ع سؤال کرد که من میخواهم که اسمی از اسماء الهی را دعوت
کنم بتعداد عدد آن غلط نشود ام فرمود نظر کن که هر حرف او از چندم مرتبه است
از حروف ابجد بعد مراتب او را جمع کن تا عدد دعوت را دریابی و بعضی از اولیاء
این عدد را وسیط ابجد خوانند طریقة گویند هر بنا را اسم مبارک علی
و کلمه لا اله الا هو مصداق اسم اعظم الهی میباشد و عدد آنها نیز با یکدیگر
بملاحظه یکی از قوانین عددیه جفریه مطابقت چنانچه در یکی از طرایف سابقه
ذکر شد طریقة گویند عزیمت اسم مادر حضرت موسی ع چنین است اللهم
رب هلیا بنت وقیا المؤمنة الصدیقة ام موسی ع بالله العزیز الکبیر
المتعال المهیمن العظیم الذی فتحت به الاطباق و استنارت به الآفاق
و فتحت به الابواب فتح هذا العمل او هذا الفلان ان شئت قلت قلب فلان
فلان بن فلانة علی مودة فی بحق هذه الاسماء الوحا الوحا الوحا الساعة الساعة
الساعة العجل العجل الحریق الحریق النار فی قلب فلان بنت فلانة علی حب فلان بن

طریقة

طريفة قيل تصحف على صاحب عجائب المخلوقات حيث قال الحجر الصنونيا الصابا والصواب انه باليين المضمومة والتوين وهو موضوع عن الخطاطيف طريفة قيل كان عذاب سليمان ع للطير كما اشير اليه في قوله تعم لأعذبنه في خصوص الهدهد جلسه مع غير جنسه وقيل نزويجه عجوزا طريفة قيل الخضر عليه سلم هو ابن عاملة من ولد الطيب يعني ابرهيم الخليل عليه السلم طريفة قيل تميز الذكر من الحيوان بلحية سوداء كما في الرجل والتيس والديك طريفة قيل ليس في الارض طاير ولا سبع ولا بهيمة احنى من العصفور على ولده كما هو المشاهد وهو لا يعرف المشي انما يثب وثبا وهو كثير السفاد فربما سفد في الساعة الواحدة مأة مرة ولذلك قصر عمره فانه لا يعيش في الغالب اكثر من سنة وعصفور الجنة هو الخطاف طريفة قيل ان القرحة المستديرة بطيئة الاندمال لعسر نبات اللحم فيها لان نباته انما يبتدى من اطرافها فاذا كان لها زوايا كان نباته فيها اسرع مما في منفرجها وعن ذلك قيل ان من لوازم الطبيب علم بالهندسة ايضا طريفة قيل ينبغي للعالم بعلم الطب الاقتصار على اصل العلم وعدم الاقدام على العمل يكون قول الناس فلان يعلم ولا يعمل احب اليه من قولهم يعمل ولا يعلم اذ بالاول ينسبون اليه كمالا وبالثاني يثبتون له وبالا طريفة قيل انه ظهر على منجم علامات غلبة الدم فشاور بعض جهال الاطبا بالفصد فقال منع جالينوس من فصد المنجم وجاء بكتاب فيه لا تفصد المنجم فتامل المنجم وقال هو منجم يا مفسود فقال اذا لم تسمع فافعل ما شئت ومن اخراته كان يطالع في التشريح ويقرأ الحسن البصري يشهد بذلك فقيل له هو الحسن البصري فقال هذا تصحيف وانه كان جامعا للعلوم ومنه اخذ التشريح طريفة قيل ان افعل التفضيل اذا اضيف الى نكرة يكون هو المضاف اليه في المعنى كما اذا قيل زيد افضل رجل اذ المعنى انه اذا فضل الرجال واحدا واحدا فهو افضل فتامل طريفة قيل ان الطب كان

معدوما

بعده وما فاوجده البقراط ومیتاً فاحیاه جالینوس واعمی فبصره حنین ومتفرقا
فجمعه ابن زکریا وناقصاً فکمله ابن سینا **طریفة** قیل ان فی بعض التواریخ ان
لفظ فیلسوف یلقب به من تمهر فی جمیع اجزاء الفلسفة فصنف جالینوس فی جمیعها
کتاباً وعرضه علی ملک زمانه وسئله ان یلقب به فقال الملک نحن لا نعرف ما فیه
لکن نبعثه الی فلان الفیلسوف فان استحسنه نلقبک به فلما رآه قال مصنفه لا یستحق
هذا الاسم انما هو رجل طبیب **طریفة** قیل وجه ان الجلید یطفو علی الماء ویزید
ثقل المیت فیه ان الهواء ینفصل من المیت ویستبعد منه بخلاف الجلید **طریفة**
قیل ان تولد الذکور فی الایمن من الرحم والاناث من الایسر ولذا کان مزاج الذکور
احر من مزاج الاناث حیث ان الایمن من الرحم احر وکذلک قیل ان سبقت البیضة
الیمنی فی العظم والانتفاخ وقت انبات الشعر کان الشخص مذکراً وان سبقت
الیسری کان مؤنثاً **طریفة** قیل بروز اعضاء التناسل فی الذکور وکونها
فی الاناث دلیل علی حرارة مزاجه وبرودة مزاجها ولذلک لا یکون فی من
ابتر الذکر والبیضتان وعاء وعیته المنی مائلة الی الخارج کالمیل ولا یوجد
ما یوجد عظم الذکر ینسل المخصی **طریفة** قیل السبب الغائی لبرد مزاج
الانثی ان الجنین یحتاج فی تکونه وتغذیته ونشوه بعد الولادة بسبب
الرضاع الی مادة غزیرة فلو کانت الانثی توفیر الحرارة لکان الغذاء
یتحلل بتمامه ولا یجتمع منه ما یفی بجمیع ذلک یقیناً وایضاً البرودة موجبة
لان یغلب علیهن والکسل لیصلحن لتربیة الاجنة ولزوم المسکن والقیام
بامر الاولاد ومصالح البیت **طریفة** قیل ان القلب یتحرک دائماً
حتی قیل انه یتحرک فی النفس المعتدل عشر مرات خمساً انبساطیة وخمسا
ایضا ولولا الریة لتاذی عند سد النفس وحصره فی بعض المواضع

طریفة بنویس سوال ز اکم و بیش ز اینده و از گذشته خویش
اول

اوّل عدد حروف بردار — وانگاه بفارسی بنطق آر
پس هر دو عدد بیکدیگر ضم — کردی که نمود کشف مبهم
خواهی یابی ده وصالش — یک سطر بنا زبی مثالش
او لفظ سؤال اسئوا بجوی — وانگاه بعد غات ده جوی
ملفوظی حرف را عدد گیر — وز بعد عدد تو حرف برگیر
وز بعد شرح سر لولاک — لولاک لما خلقت الافلاک
میجوی امام پیشوا را — سرود فیر کتو وصفا را
یعنی که بین از الف بجل خوا — تو نقش همین کعب را خواه
با باب ضمام و باب اوّل (ذمام ادی) — کردیم تو را بحق محوّل
کاندر کتمان او بکوشے — وز ما اهلان بجان بپوشی

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ

نظیره ابجدی است که بعد از انکه جواب بر سه از موضع صدر رجوع بنظیر نماید تا معلوم شود ـ ملفوظی حروف بعد از استنطاق ملفوظی حروف چنین است

اج دک ل س ع ص ض ق ش ذ غ

یعنی باید چنین نویسند ال ف ا ج ی م ک اف

مسرودی چنین است

ب ه ز ح ظ ی ف ر ت ث خ ظ

ملبوبی حروف چنین است

و م ن

وص ع م ح م د ل ذ ی س ت

۸ ۵ ۸ ۹ ۶ ۲ ۲۲ ۴ ۱۲ ۶ بدوح

استنطاق ح ف خ ق خ ج ی د ی و

ملفوظی

ح ا ف خ ا و ا د ع ی ف ج ی م

ی ا ا ل ف و ا ر

(ونیمه بمثال) غیر مکرر ح ا ف خ و ع ی ن

ج م د ل

م ص ر ل ح د ا م ف ج خ ن و ی

ع ع ل ی م

وهرگاه جواب بعد عدد حروح را در سطر موضع صدر ضم نمایند هکذا ب د و ح

طریقة قیل لعقرب ثرما تکون اذا کانت حاملا ولها ثمانیة ارجل وعیناها فی ظهرها

في ظهرها ومن لطيف انها مع صغرها تقتل الفيل والبعير بلسعها طريفة
قيل من غرائب امر الحية انها لا ترد الماء ولا تريده الا انها لا تضبط نفسها
عن الشراب اذا شمته لما في طبعها من الشوق اليه فهي اذا وجدته شربت منه حتى
تسكر وربما كان السكر سبب هلاكها وانها سايرة وعينها لا تدور في راسها كانها
مسمار مضروب في راسها وكذلك عين الجراد واذا قلعت عادت وكذلك انيابها اذا قلع عاد
بعد ثلثة ايام وكذلك ذنبها اذا قطع نبت ومن عجب امرها انها تهرب من الرجل العريان
وتفرح بالنار وتطلبها طريفة قيل قال موسى ع الهي اترزق فرعون وهو يدعي الربوبية
فاوحى الله اليه يا ابن عمران لو ترك فرعون العبودية ما ترك الربوبية طريفة
گويند بجهة قوة حافظه چهل ويكروز اين آيه را بر انجير خشك بخوانند وروزي يكي
از آن انجيرها را بخورند وكمتر از يكدانه نخورند انا نحن نزلنا الذكر وانا له
لحافظون طريفة قيل من مولانا ابي عبد الله عليه السلام اذا هم احدكم بدخل
بنيا ويلصق خده بالتراب ثم يقول استغيث بالله وبرسوله وبك يا فاطمه
طريفة گويند بجهة اولاد شدن مرد از سينك با تخم مرغ بود ذكرما ليده
موجب اولاد ميشود چنانچه بتجربه رسيده والله العالم طريفة گويند يكي
از كتب تفاسير او عده اند بجهة توانگري عظيم كه از حساب آن عاجز آيد
در شب جمعه هر شب دو ركعت نماز گذارده در هر ركعتي ده مرتبه سوره
مباركه حمد ويازده مرتبه سوره مباركه توحيد بخوانند وبعد از سلام صد
مرتبه صلوات بفرستند والله العالم طريفة قيل الحرارة على اربعة
اقسام المحسوسة من جرم النار والمستفادة من الاشعة والتي توجبها
الحركة والموجودة في بدن الحيوان وهي الحرارة الغريزية ويسميها
افلاطون النار الالهية طريفة قيل ان الخفاش يعدو الشعر و
يهضم وليس في اصناف الحيوان ما كان كذلك طريفة قيل الشهوة
قد تكون من الحرارة وتسمى بشرانية وقد تكون من البرودة وتسمى
كلية وهي التي بها المعدة جايعة والبدن غير جايع طريفة از

بجمله

جمله مواضع که مرتبه باشد باید عده نگاه دارد جهت دخول وطی بشبهه است با او و اگر شوهر او را طلاق دهد عدم عده طلاق موجب عده وطی مزبور نخواهد بود کما فی فتاوی العلما **طریفة** گویند نشاسته را با شکر و روغن بادام بریان کنند و نیم گرم تناول نمایند بجهة سینه و سرفه نافع خواهد بود انشاءالله **طریفة** هرگاه چشم زاغ همراه کسی باشد او را خواب نبرد **طریفة** گویند طریق حل کردن مریخ آنست که براده مریخ را با آب نمک بشویند مکرر و با آب صافی نیز بشویند تا روشن شود پس خشک کند و در زیر آب اشخار و فلفل مسحوق اندازند در بوته و آهسته و آتش نرم کند تا آب نشف کند و بجوشانند تا هفت بار که آن براده حل شود بر مثال سیماب و این محلول بجذب رطوبات و عقد طیارات کند و مشتری را محکم کند **طریفة** گویند مریخ با علم و ملح قلیا مذوب گردد و بشمس ممتزج گردد و صبغ ثابت دهد آن شمس مصبغ قمر را منصبغ نماید **طریفة** گویند نمک قلیا و طبرزد و طعام و سم الفار و نشادر هر کدام یکجزو و شوره دوجزو باهم خوب صلایه یکروز با آب لیمو کنانند و بعد از آن بظرف کاشی کرده یکشب و یکروز در آتش گلخن کذارد و بعد از آن براورد یک مثقال بر پنج مثقال مشتری یا زهره طرح نمایند و مشتری را اقامه نماید **طریفة** گویند آب قلیائی که سه چهار روز غلیظ شده و بریخته با سنبلی یا سه مثقال توتیای هندی ممزوج نموده و فرا روزا در آن ریخته بر آتش ملایم تا سه ساعت گذارند و از کنار آب ندیده چند مرتبه صاف نماید تا در عقد شود باین تدبیر **طریفة** گویند مکروه است آنکه در تاریکی نان خوردن و غیبت کردن در مسجد و عطسه زدن در بجامه خواب موجب دیوانگی است و ایضا طبق یا پرویزن نباید نان خورد **طریفة** گویند رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند یا علی بر حذر باش.

باشند های اهل سخاوت و قرآن خوان که خداوند تعالی دعا ایشان را
زود اجابت فرماید و چون ماه نو بینی بگو سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا
إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ وَلِلّٰهِ الْحَمْدُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ
و گوشت خروس بسیار مخور که بسیار بد که باشد یا علی موی میخور زده باش
که فصاحت آن زیاد میکند و با غم را ببرد یا علی چون سفر کنی یا بحرب دشمن
روی سوره یس را بسیار بخوان یا سوره انا انزلناه زاده مرتبه بعد از یس
بخوان و صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله فرستاده میباش یا علی
چون روزه بگشائی این دعا را بخوان بسم الله اللهم بوجهک وجهت و
علی رزقک افطرت علیک توکلت یا غفار اغفر لی یا غفار **طریقه**
گویند جهة تعجیل رزق مجربست یا هو یا من هو یا لا اله الا هو یا من لا اله
الا هو یا من لا هو الا هو یا رازق الغربان فی اعشاشها فسیکفیکهم الله
وهو السمیع العلیم وصلی الله علی محمد وآله اجمعین الطیبین الطاهرین
طریقه نوشته اند که هر که خواهد حاجت او از خلق روا گردد باید این
سطر را کسی نداند این شش کلمه را بنویسد و بر بازو ببندد مراد حاصل شود انه
لاع لاع بدع حبتر لهمته **طریقه** قیل ان الشیاطین لو کانوا قادرین
علی تخبیط الناس و ازالة العقل مع انه بینه وبین العداوة الشدیدة بینهم
وبین الانس فلم لا یفعلون ذلک فی حق اکثر البشر وفی حق العلماء والافا
والزهاد اکثر واقوی ولما لم یوجد شیء من ذلک ثبت انه لا قدرة لهم علی
البشر بوجه من الوجوه ویتاکد هذا بقوله ما کان لی علیکم سلطان الا
ان دعوتکم فاستجبتم لی **طریقه** قیل هذه الایة دلت علی ان الشیطان
الاصلی هو النفس لان الشیطان بین انه ما اتی الا بالوسوسة وان المناط هو اجابتهم
لا غیر **طریقه** عن سعدة قال سمعت ابی عبدالله عن الکفر والشرک ایهما اقدم
فقال الکفر و ذلک ان ابلیس اول من کفر و کان کفره غیر شرک لانه لم یدع عبادة
غیر الله

غیر الله و انما دعا الی ذلک فاشرا طریفة فی الحیات ان الله عز وجل
حین امر ادم ان یهبط هبط ادم و زوجته و هبط ابلیس و لا زوجة له و هبطت
الحیة و لا زوج لها فکان اول من یلوط بنفسه ابلیس فکانت ذریته من نفسه و کذلک
الحیة و کانت ذریة ادم من زوجته فاخبرهما انهما عدوان لهما طریفة بیا بیاذ
صحرائی را و در سایه خشک کن و از برگ آن یک مثقال بر بیست و پنج مثقال قرص
منقی انداز تا آفتاب شود و اگر شخم او را بر فراز اندازی منعقد گردد و نشان آن پیا
انسکه در دو قت کند تا گوشت نه دود که زنی سرخ گردد و الله العالم طریفة
گویند طریقه سفید کردن زنخ انسکه بیاورند دیگ سفالی و او زنخ را درون
درون دیگ گذارند و بر سر دیگ سرپوش سفالی و آب بکرا بگل بگیرد هر گاه که بباید
تا بخارش بزود و هفت ساعت آتش زیر دیگ کند بعد از آن سر دیگ را بردارد زنخ
هم بسته باشد و سفید جمع عود یک برنج مس طرح نماید نقره گردد انتم طریفة
گویند هر گاه دوخ را فرش و لحاف سفید آب قلعی نموده در بوته بگذارد تا بسکر دد طریفة
گویند بستانند شاخ و برگ زیتون و بکوبند و آبش را بگیرند و مس را در آتش
سرخ کنند و صد دفعه بیست بار در آن فرو برند مثل نقره میشود و بر نیک
برابر شمس عمل کند طریفة گویند هر گاه جیوه را با روغن گرد و ملقمه
و بیا بصلابه نمایند ثابت شود و حنظل همچنین حکم دارد و سفیده
تخم مرغ همچنین است طریفة گویند بجهة احضار مشروع بر هفت
دانه فلفل سفید بر هر یک سبع قرائه سوره زلزال را بخواند و بد
بران طریفة قیل مر سلیمان ع به بلبل یصوت و یرقص فقال
یقول اذا اکلت نصف تمرة فعلی الدنیا العفا طریفة گویند مثل
مفید که عطار دارد یک مثقال از آن بر پنج مثقال مس طرح شود
نقره شود انتم طریفة گویند اگر خواهی هر چه بشوی یا دیگری آن
اسم را بنویس بر پشت دست چپ و بر زبان بالدیس الله هوا امر با سهلیم سعرا سما عمر عمیر

طریفة

طریفه گویند در عقد فوار بیا و در دمر دار سنگ با جزوی زرنیخ نزد
صلابه کنند با سرکه بجوشانند تا دانگی از سرکه کم شود آنکه فوار در او بجوشانند
مانند سنگ شود طریفه گویند هرگاه خواهی عقرب را سفید کنی او را در دیگ
عوامل بجوشانی پس از آن بریزی تا خشک شود و سر او را برید مگر چنین کنی سفید
میشود انتهی طریفه گویند چون فوار منعقد را بر نحاس طرح کنند آتش بر بالا
بباید کرد چون سیخ آهنی در دیگر دا ستند دیق در آن بچسیده باشد مزاج تمام
یافته آنگاه با گداز کنند فعدی سرب را داخل کنند بعد تا خوب بسوزد باز قدری
سرب را داخل کنند و بعد تا سرب بسوزد چون سه دفعه این عمل کنند نقره شود تمام صفی
ابدا انتهی طریفه فی الحدیث قال ابلیس یا موسی ایاک ان تعاهد الله عهدا
فانه ما عاهد الله احد الا کنت صاحبه دون اصحابه حتی احول بینه و بین الوفا به
طریفه قیل قال رجل للحسن یا ابا سعید اینام ابلیس فقال لو نام لوجدنا راحة و لا
خلاص للمؤمن منه الا بتقوی الله طریفه قال فی الاحیاء من غفل عن ذکر الله
تعالی و لو لحظة لیس له قرین فی تلک اللحظة الا الشیطان قال الله تعالی و من یعش عن
ذکر الرحمن نقیض له شیطانا فهو له قرین طریفه قیل ان قیل لم قدم الجن علی
الانس فی قوله تعالی و ما خلقت الجن و الانس الا لیعبدون فالجواب ان لفظ الانس
اخف لمکان النون الخفیفة و السین المهموسة و کان الاثقل اولی باول الکلام
من الاخف لنشاط المتکلم و راحته طریفه قیل ان النبی صلعم نهی عن نکاح الجن
و عن عبید العیی انه کان یقول اللهم ارزقنی جنیة اتزوج بها تصاحبنی حیث
ما کانت طریفه قیل کان الشیخ عز الدین عبد السلام یقول و قد
سئل عن ابن ابی عربی فقال شیخ سوء کذاب ایضا قال نعم تذاکرنا یوما
نکاح الجن فقال الجن روح لطیف و الانس جسم کثیف فکیف یجتمعان
ثم غاب عنا مدة و جاء و فی راسه شجة فقیل له فی ذلک فقال تزوجت امرأة
من الجن فحصل بینی و بینها شیء فشجتنی هذه الشجة قال الامام الذهبی بعد
ذلک و ما اظن عن ابن عربی تعمد هذه الکذبة و انما هی من الخرافات الریاضة

طریفه قیل

طریقة قیل یمکن الزواج بین الجن والانس من جهة العشق کما هو الصحیح
علی ما قیل وقال الله تعالی وشارکهم فی الاموال والاولاد وقد ذکروا ان
الواق واق نتاج ما بین النبات وبعض الحیوان طریقة قیل لا علب ان
کرة النار تکون مملوة من الروحانیات طریقة قیل فی الحبشة ضرب من
الحیات تطیر فی الهوا طریقة گویند اسم اعظم بدعوت اسمی است خاص وعام
وطریق معرفت عام مختص خواص است واما طریق معرفت خاص بنابر طریق
عارفین آنست که هر اسم از اسماء الله تعالی بحساب جمل یا قانون جفر با اسم
احد از احاد مطابق بود اسم اعظم او است وقانون ارباب جفر چنانست
که از عشرات هر ده را یکی اعتبار کنند و از مئات والوف هر صد را یکی گیرند
و هزار را نیز همچنین یکی حساب کنند چرا که اسقاط عشرة مصطلح ایشانست
بدین اعتبار و از نه نه را طرح کنند و نه چون از ده طرح شود یکی بماند
و از صد و هزار چون اسقاط نماید یکی بماند و از آحاد چیزی مطروح نشود
بر تقدیری که عدد احاد بعد از اجتماع اعداد از عشر و عشرین متجاوز گردد
زیرا که اگر اسقاط واقع شود مکرر طرح لازم میاید و گویند بنابر حساب
جمل همان اسم را بعدد ش بخوانند بعد از خواندن سورۀ فاتحه بهمان عدد و
سوره الم نشرح نیز بهمان عدد و بعد از ان بهمان اسم انحضرا وندتعالی حاجت را
درخواست کند که انشاء الله تعالی مستجابست کما ادعی فیه التجربة واگر موافقت
زاد در یک اسم نیافت دو سه اسم الی چهار اسم هم میشود والله العالم و در
نزد بعضی مطابقت و ابقا نون جفری مذکور نیز میتوان اجراء نمود تمت
طریقة گویند هر که اسم مبارک الواجد بجیم را بر هر لقمه نان که در دهن
گذارد بخواند صاحب یقین خواهد گردید تمت طریقة گویند اگر
کسی خواهد بجائی رود و کسی او را نه بیند این دعا بنویسد و بربازوی
راست بندد بسم الله الرحمن الرحیم لهوه لهوما لهوما نهفعا
نهفعاه طریقة گویند بجهة محبت این دو مثلث را که یکی با اسم
مطلوب

مطلوب نوشته و اسم طالب در اسم مطلوب بر دفعه هم کنار زند و در زیر
سنگ گران نهند که آزموده و مجرب است و این طلسم را در کچها و دیگر
بدوخ نوشته بحروف مقطعه و باید هر یک را اسم طالب و مطلوب را بعدد

۴	۵۴ ۱	۲
۱۳۷ ۲	طالب	۸۴ ۴۲
۸	۳۱۶ ۴۱۱	۶

۴	۵۴ ۱	۲
۳۲ ۲۱	مطلوب	۸۴ ۴۲
۸	۳۱۶ ۴۱۱	۶

دیا وعدد و آن عدد را هم بنویسند
مثلا اسم علی را باین نحو بنویسند
۱۳۰۷۰ و اسم فرجی را باین
نحو ۲۰۵۰ ج س و هر گاه
خواهند از غیر عدد نویسند
باین نحو باید نوشت طریقه
گویند از خواص زاج سفید است

د	منی	ب
علیک	طالبی	محبت
ح	العبث	و

د	منی	ب
علیک	مطلوب	محبة
۸	العبث	و

که چون کسی را چشم بد رسیده باشد آن را بخور نمایند و آن قطعه بخور
بصورت و شکل ظاهر گردد و هر گاه او را در طرف قبله خانه آن شخص بگذارند
هرگز چشم بد با هل آن خانه اثر نکند انشاء الله تعالی **طریقه** گویند بجهة
خفا از انظار خصوصا از خصوم و اشرار بر کف خود نویسد رب ارنی
تا و انا اول المؤمنین را و بعد بازبانا نیز بخواند هیچکس او را نخواهد
دید انشاء الله تعالی **طریقه** در محبت المشروع گویند هر که هر روز
صبح و شام تا مدت هشت روز حمد را بدین طریق بخواند بجهت
تسخیر محبوب موثر خواهد بود انشاء الله تعالی بسم الله الرحمن الرحیم
سخر لی فلانه بنت فلانه یا فلان بن فلان الحمد لله رب العالمین یا رقیب
سخر لی قلبه یا قلبها الرحمن الرحیم یا ودود سخر لی ف بن ف را مالک
یوم الدین یا رقیب سخر لی قلبه یا قلبها ایاک نعبد و ایاک
نستعین یا ودود سخر لی فلان بن فلان اهدنا الصراط المستقیم
یا رقیب سخر لی ف بن ف غیر المغضوب علیهم یا رقیب سخر لی فلان بن فلان
و سخر

ولا الضالین آمین یا ودود سخر لی فلان بن فلان طریقة ایضا
فی الحب المشروع این دعا را هفت بار بر سیب یا بر شکر بخواند باسم شخص
مطلوب که موثر خواهد بود انشاء الله تعالی بسم الله الرحمن الرحیم افرأیتم
اللات والعزی ومناة الثالثة الاخری الکم الذکر وله الانثی
طریقة ایضا فی الحب المشروع گویند بنویس بر پاره لت و در آتش انداز
تا عجایب مشاهده کنی حطهلطها الحاهی فلان بن فلان علی حب فلان بنت فلان
الساعة الساعة الوحا الوحا العجل العجل العجل النار النار النار
ایضا للحب المشروع گویند بنویس در روز جمعه و بر خود بند و بر بنام هر کس که خواهی
و هر کجا باشد حاضر گردد و اگر از خود باز نکنی هلاک گردد و الله العالم
۴ ۱۱۱۱ ۹ عه ۸ ۱۱۱۱ و ۸ ح ۱۱۱۱ ارد ۱۱۱ دعه ل ۱۱۱ ۱۱۱ ۱ ۱۱۱۸۲ ا و ا

طریقة ایضا للحب المشروع گویند بنویس بر تخم مرغ و در آتش نه
تا بسوزد بنام هر کس که خواهی اینست عمم عمح عمح عمح عمح لططا
ط ۹۹ ۸ ططع و و و ۱۱۱ ک ۹ باسم فلان بن فلان علی حب فلان بن فلان
طریقة گویند از شیخ عاملی بهائی قدس سره العالی منقولست که هر
زنی که او را فرزند نشود این آیه کریمه را با حروف مقطعه کسی که محرم
آن زن باشد بر پهلوی راست او بنویسد و اگر محرمی نباشد غیر محرم
بر کاغذی بنویسد و بر پهلوی راست او بچسباند انشاء الله تعالی او را
فرزند شود اما باید یک گوسفند فربهی شش ساله عیب سیاه زاد در جائی
که آسمان پیدا نباشد ذبح نماید و گوشت آن را بچهل مومن بخوراند
و شرط دیگر اینست که تعویذ را بحروف مقطعه بدون کم و زیاد
بنویسد تا فرزند کامل شود و شیخ مذکور فرموده که این تعویذ را
قریب بر نهصد کس دادم از همه فرزند بوجود آمد آیه مزبوره اینست
ولو ان قرانا سیرت به الجبال او قطعت به الارض او کلم به الموتی بل لله
الامر

الامر جمیعا طریقه گویند هرگاه نعش را بر موضع عقرب گویند
گذارند درد آن ساکن گردد انشاء الله تعالی طریقه گویند هر که
صفت با را بن ابیر را بر آب بخواند و بخورد و مریم ابنت عمران التی امسا حاصل
شود و چون خواهد گشاده شود این را صفت بار دیگر باب بخواند تغییر آن را که
احصنت فرجها باشد اتم تم گشاده شود طریقه ایضا گویند نوشتن
این حروف بر خرقه سفید و به بازوی راست بستن موجب گشاد در
جماع خواهد بود ای طک ۰۰ ن الح الاحق طریقه گویند
نوشتن این شکل با تربت حضرت سید الشهداء علیه السلام و بگلاب شستن
و آشامیدن آن موجب شفاء معجل خواهد بود و قد قیل التر و الله شفاء
و التمر و الله شفاء و اثر مکتوب بر کتف النبی صلی الله علیه و آله سم الله الوع
السم ۱۱۱ الولوع سمه ۸۸ هوع سمه ۸۸ هولوع طریقه گویند
در وقت دیدن ماه نو نظر کردن در این سوره ترتیب بود موجب
محفوظیت از آفات و بلیات خواهد بود انتهی محرم در سوره الرحمن
صفر در حمعسق ربیع الاول در قد سمع الله ربیع الثانی در تبارک الذی
جمادی الاولی در مزمل جمادی الثانیه در مدثر رجب در یس شعبان در ص
شهر رمضان در محمد ص شوال و ذیقعده در انا فتحنا و نسا ذی الحجه در حجر
طریقه گویند از حضرت امام موسی ع مرویست که چون خواهی دفعه
بکسی نویسی بجهت مطلبی که خواهی زود روا شود وقتی که هنوز قلم را از
مرکب سیاه نوشته نباشی بر سر کاغذ بنویس بسم الله الرحمن الرحیم
وعد الله الصابرین المخرج مما یکرهون والرزق من حیث لا یحتسبون
جعلنا الله و ایاکم من الذین لا خوف علیهم و لا هم یحزنون بعد از آن
مطلب خود را بنویس راوی گوید مکرر تجربه شده و تخلف نداشته طریقه
گویند یک نحو از طرق خواندن سوره مبارکه یس این طریقست که سه مرتبه صلوات
بفرستد

www.telasm.com

بفرستد و سه مرتبه سوره اخلاص بخواند و یکمرتبه آیة الکرسی و بعد از آن این دعا را
بخواند بسم الله الرحمن الرحیم اللهم یا صمدی من عند[ی] یا مددی وعلیک معتمدی
یا ناصری یا معینی بحق ایاک نعبد و ایاک نستعین یا غنی علی کل حال بنبوة
قد تبارک یا رحمن یا رحیم بحرمة یس و نبینا محمد و آله الطیبین الطاهرین المعصومین
من آل طه و یس والحمد لله رب العالمین **طریقه** گویند صاحب التنظیم
آورده که هر که سوره الم نشرح را بر سینه خود تا عمر بخواند از تنگی سینه خلاص
یابد و باطن وی منشرح گردد و انهتم **طریقه** دیگر گویند از شیخ معروف کرخی
منقول است که هرگاه کسی بجهت حصول مقاصد هر ایام این دعا را بخواند اگر مطلب و
حاصل نشود بر من لعنت کند بسم الله الرحمن الرحیم آمنت بالله العلی العظیم و توکلت
علی الحی القیوم **طریقه** گویند اینکه اسما معروفه ذکر شد من لطف خفی الخ که
منسوب بحضرت امیر المؤمنین است و اینکه از لوح محفوظ بآنجناب کشف شده ببابد لابد
طریق خواندن آنها اینست که بعد از نماز صبح هفتم مرتبه بخوانند و در وقت خواب نیز
نوبت بخوانند بجهت دفع و رفع آفات **طریقه** قیل قال الحکیم هذه
حروف ترابیات تکتب و تدفن فی تراب ارض طاهر باسم من ترید و اسم
امه ب یا رحمن عطواکیل و یا سلام برکیطائیل ی یا جبار محلمتائیل
ن یا مصور لوحائیل ص یا رازق لوذائیل ق یا باسط حذ ذائیل
ض یا مذل عطائیل وهذه عزیمتها اقسمت علیک یا روح الارضی
انت جوهر من جواهر الغاشیتین اجری اجری اجری یا عطواکیل محبة
فلان بن فلانه علی فم بن فم بحق یا رحمن افعل افعل افعل ما امرتک به و
او کلت علیه بطرفة العین و بحق من الف بین یوسف و زلیخا الف بین
فم بن فلانه بحق من یقول للشیء کن فیکون العجل الساعة الوحا **طریقه**
گویند صاحب در التنظیم آورده که از حضرت رسول صلی الله علیه وآله مروی
است که هر که سوره مبارکه یس را بنویسد بشوید آب آنرا بخورد باطن وی
منور

هزار دو دوا و هزار یقین و هزار برکت و هزار رحمت در زاید هر مرضی از اندرون او
زایل گردد طریفه گویند شخصی از آخوند علاء الدین محمد نقل نمود که هر که را
چیزی گم شود در وقت خواب با وضو رو بقبله بنشیند یا نود مرتبه بخواند یا دلیل
المتحیرین بعد در وقت خواندن با کسی حرف نزند و بخواب البته رود و در خواب
ببیند و ناقل گفته مکرر و مجرب کرده ام طریفه گویند هر که نوشته خود را بیم
نیت حفظ کلام الله سوره یوسف را با خود دارد و هر روز یکبار بخواند بدین
نیت موفق خواهد شد بحفظ کلام الله انتهی طریفه گویند خواندن سوره
مبارکه انفال بنیت توانگری سه مرتبه موثر خواهد بود طریفه گویند
خواندن سوره جمعه بجهة موافقت زن و شوهر پنج مرتبه و بیست و یکبار سوره
عصر بجهة رفع بدگوئی خصوم و ده بار سوره الم نشرح بجهة درد شکم نافع خواهد بود
طریفه گویند خواندن حرف میم بجهة امتناع مطلوب از اجابت خواهش او
هشتاد مرتبه موثر خواهد بود طریفه گویند اگر کسی این آیه و افوض امری الی
ان الله بصیر بالعباد را بعدد او که هزار و هفتصد و هشتاد باشد بخواند
با ضم عدد اسم خود مدام و ختم کند خداوند تغیر او را مال کثیری یا منصبی یا دفینه
باو برساند انتهی طریفه گویند بجهة برخاستن محبت بعد طاق ۳ یا ۵
مرتبه بخوانند و تری الجبال تحسبها جامدة و هی تمر مر السحاب طریفه
در کتاب فیض و در مرحوم فیض قدسی نوشته بجهة سرعت انزال بر کاغذی
بنویسد و در دهن گذارد تا بیرون نیاورد انزال او نشود

ملا۹ط۹۹ علا۹ط۹۹ علا۹۴ط۴ط۴و علا۹ط۹ه

نسخه و تجربی این طور است

طریفه گویند بجهة قولنج مجرب ریشه هر کاه اندکی خار از بر آب بپزند و بیاشامند
در حال تسکین یابد انتهی طریفه گویند اگر زاج سیاه را بسوزانند و دود در سوراخ
موش بریزند دیگر بیرون نیاید طریفه قیل اذا صب عصیر التوت علی الخمر خللها بعد
ساعتین

www.telasm.com

ساعتين وعلى الحل خمرها بعد اربع عصا وضلة ترياق وجع السن والاذن سعوطا
وكذا الشقيقة طريقة قيل عن امير المؤمنين ع ان التاويل مشتق من
الاول فالاول في اللغة العربية الاصل لان الاول اصل الاعداد والتاويل
من الاول كالتاخير من الآخر الى ان قال عليه السلام كما ان التاويل في الرؤيا
معكوس كذلك التاويل في الشريعة طريقة قيل في ارض البلقا حجر
اسود عليه مكتوب بالعبرانية باسمك اللهم جاء الحق من ربك بلسان عربي
مبين لا اله الا الله محمد رسول الله علي ولي الله صلى الله عليهما وكتب
موسى بن عمران بيده طريقة فيما اوصى محمد عليا عليهما السلام من كتاب من لا
يحضره الفقيه يا علي ان الله عز وجل اشرف على الدنيا فاختارني منها
على رجال العالمين ثم اطلع ثالثة فاختار الائمة من ولدك على رجال
العالمين ثم اطلع رابعة فاختار فاطمة عليها السلام على نساء العالمين قال
بعض العلماء هذا يدل على افضلية كل الائمة عليهم السلام على فاطمة عليها السلام
طريقة عن النبي صلى الله عليه وآله حبب الي من دنياكم النساء و
الطيب وجعل قرة عيني في الصلوة قيل لم يكن مراده ص بهذا الخبر
الا الصلوة وحدها حيث يزداد الصلوة بالتزوج والتعطر كما في الاخبار
طريقة قيل قال محي الدين في الفتوحات الكثيرة في باب الاولياء فاما صلى ومنهم
الرجبيون وهم اربعون نفسا في كل زمان وسموا رجبيون لان المراتب التي تحصل
لهم المنافع في هذا الشهر من اوله الى آخره وزعم بعضهم السعيم ان الشيعة والروافض
يرون في انظارهم بالكشف على صور الخنازير وان هؤلاء الاولياء يجدون في انفسهم
في هذا الشهر ثقلا به لا يقدرون على حركة اصلا في كل عضو قيل من بدع ابن العربي
انه قال ان الماء مطهر للغير غير طاهر في نفسه اذ لم يرد في الخبر انه طاهر بل فيه انه طهور اي مطهر
طريقه گويند بستن انگشتان خنصر وبنصر از جانب مخالف بازو وجانب دعا في با زميد

عمل ما جرب طريقة في دفع الزنابير الساهرات احب انسان ان يمتحان عتيبة في الحال احد
انا اقداح وهو المكان الباج يبغى فيصب عليه شيئا من الماء البارد وسقاه فيكون
بذلك في الساعة طريقة قيل مما يعرف من اشعار ابن عربي على ادعائه باثر خاتم
الولاية هذه الابيات وما فاز بالختم الذي يختم من بعض العلم الا اماوكت لقد مانك كل
ولايات معالي ولست بمحمود ولا انا بالمهدي فذلك من اهل البيت ومن محمد اذا احمد لا يد زوذفه
الى السنة الخلي صراط المنا دعوى انه العالي ومنا الذي يعد طريقة قيل قال الشيخ
محمد الحر (ره) في جواب بعض المسائل الاحاديث الواردة في ذم الصوفية عموما وخصوصا وفي لعنهم
وتكفيرهم و بطلان كل ما اختصوا به متواترة تقرب من الف حديث ليس لها معارض طريقة
في كشكول الشيخ احمد الاحسائي من مستطرفات السرائر لابن ادريس عن يونس بن ظبيان
قال دخلت على ابي عبد الله عليه السلام وبي رمد شديد فاغتممت لذلك ثم اصبحنا الى الغد فخرجنا
عليه فاذا هو ارمد بعينه لا به علة فقلنا جعلت فداك هل عالجت عينك بشيء فقال
نعم فقلنا بما هو من العلاج فقال بعوذة فكتبناها وهي اعوذ بعزة الله واعوذ بقدرة الله
واعوذ بنور الله واعوذ بعظمة الله واعوذ بجلال الله واعوذ ببهاء الله واعوذ بجمع الله
قلنا وما جمع الله قال بكل الله واعوذ بعفو الله واعوذ بغفران الله واعوذ برسول الله
واعوذ بالائمة وسمى واحدا واحدا على ما تشاء من شر ما احذر اللهم انت رب الطيبين
طريقة في كشكول الشيخ احمد الاحسائي من ميزان الاعتدال للذهبي في الرجال الذهبي من
علماء العامة يعني كبير محيط ليس لاصحابنا مثله في الصحابة ذكر فيه ما معناه انه قد اتى الخ فليقني
زرارة بن اعين فقال لي اذا لقيت ابا عبد الله فسله عن ذلك فقلنا ان زرارة قال لي
كذا وكذا افقال لي هل هو من اهل النار فتعجبت من ذلك فقال لي من زعم اني اعلم من في
ومن في النار فقال لي نعم فلما لقيت ابا عبد الله سألته عن ذلك فقلت له ان زرارة
قال لي كذا وكذا فقال لي هل هو من اهل النار فتعجبت من ذلك فقال لي من زعم اني اعلم من
في الجنة ومن في النار فهو في النار فلما رجعت لقيت زرارة فقلت له من جراب النورة قطع
قيل اسم ابي طالب عند منا في اسم هاشم عمر طريقة گويند هركه خون كند
از بر خاتم ما النبد مو بر وی نيا ورد طريقه گويند كه بر سينه ابيات جرعنك قلبنا
در قاروره مطين كند باتش ذبل خفيف يكشب بگذارد نيشد صبح بر ... انرا

و بيوت

و در یک جزو سه جواب شریف داخل کنند بعد از آن بنشانند تا عمل آن اعنی و صبر از آن
دو آب [illegible] تا متصل شود و منح کرده بکار برند طریقه گویند [illegible]
ترکیب [illegible] مثقال [illegible] مثقال [illegible] مثقال شمس [illegible] مثقال
[illegible] طریقه گویند [illegible]
[illegible]
[illegible] طریقه گویند [illegible]
[illegible]
[illegible] طریقه [illegible]
[illegible] طریقه [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] یک از قواعد [illegible] کتاب [illegible]
[illegible]
[illegible] از خدا [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
کتاب [illegible] حرام [illegible] ملک علام [illegible] طریقه قیل ان
الامم القدیمة کانوا اذا خافوا [illegible] یزعمون انه [illegible] من [illegible]
وان منهم من یزعمون انه ما الملوک شیء من الحیلة ومن یزعمون ان علاج [illegible]
اذا [illegible] النظر الی البحر [illegible] انها توجب استقامة العین ومن منافع الحجامة
[illegible] فان المجروح اذا شرب اللبن مات طریقة قیل فی الحدیث اذا هاج
الرجل من امتی الحمی فلیأکل [illegible] طریقة قیل لما بلغ معاویة خبر موت الاشتر
النخعی بسبب عسل مسموم من دهقان من جانب معاویة قال ان لله جنودا من العسل
طریقة قیل قال المثنی بن خارجة لان اموت عطشا احب الی من ان اخلف موعدا طریقه
گویند [illegible]
باشد.

باشد میکنند از ابدان ایشان و از ابدان اموات از انسان یا حیوان اعضاء رئیسه
جسم آنها را بیرون آورده و در اجزاء آنها ترمیم میدهند و بدین واسطه رفع امراض
ایشان میکنند حتی آنکه یکی از ایشان که اسم آن دکتر کرل میباشد میگویند فی
اموات بتمامها انتشار یافته میگویند چنانکه ممکن است از ساعتی عضوی مکشوف
یکی از اعضاء صحیح آنرا بیرون آورند و در ساعت دیگر قرار دهند همچنین ابدان
انسان و حیوان نیز این امور را نها متصور و ممکن خواهد بود و ترقیات علمیه
مراتب غیر متناهیه میباشد **طریفة** قیل قال الاطباء الجدیدون ان الکحول الذی
یعنون به المادة السائلة الفعالة التی هی روح الخمر وهی الساریة فی جمیع المسکرات
هو مفتقر لداء السل فی شاربیها مدخر للامراض العضالة فی الکلیتین والکبد
واذا اورث ابن السکیر نقصا فی جسمه تبع به الحال ان یکون نجابا او مجنونا **طریفة**
قیل من الآراء الخرافیة ما هو شایع علی الالسن من ان القهوة تساعد علی الهضم
طریفة قال بعض العلماء ان الاسلام فی هذه الاعصار محجوب بالمسلمین
طریفة گویند از عادات قبیحه هنود از اهل امریکا آنستکه مجانین را با بی‌عقل
میدانند و همچنین از عادات قبیحه آنها آنستکه بعد از دفن میت هرگاه میت را
اسمی باشد که مرتبه هیجیها و دنده بر سر آن است جالا و نساء و شمشیر و اسلحه
انجوا را مکشند و پوستها را میکنند و گوشتها را قطعه قطعه میکنند و در خانه
آن میت تا مدتی اهالی از او میخورند و چشمها و گوشها و سمها او را محنط میکنند
آن میت حفظ و ضبط میکنند تا آنکه یکی از عزات او قائم مقام او گردد **طریفة**
قیل مما ابدع من الصنایع العجیبة فی عصرنا هذا التلغراف بلا اسلاک یوضع فی الجیب
طریفة قیل ان عند اهل طب الافرنج ان مضار التدخین لا تنحصر فی النکوتین ای
سمه فقط بل ان للدخان سموما اخری تصیب شاربه وهی موجودة فی ترکیب مادة الدخان
وهی البیریدین والکربول وحامض الکربون وغیرها **طریفة** قیل من معالجات الاطباء
الجدیدین للجنون استعمال مقدار کثیر معین من الافیون **طریفة** گویند در حرم
آنکه توریة هزار سوره بود و هر سوره هزار آیه و هر آیه مقدار سوره بقره بود **طریفة**
قیل سئل اعرابی عن النبی ص ابو یوسف احسن ام آدم ابوک قال ام حسن یوسف علی ام سال
من آدم و قیل انه بعد الذنب ظهرت فیه الادویة **طریفة** گویند فرعون ملعون چهار صد
عمر کرد و در این مدت او را بیماری عارض نشدی و بجز غذای او موی نبود چنانکه در اخبار

خواص

www.telasm.com

خواص بی شمار در رموز وارد شده طریقة از ربیع منقولست که چون نوح رسولان از
لوح نقل کردند بکمیز واز اجزاء دوازده کانرا از ابا هم منتشر بود کرد و غرض یکبار
نتوانستند بخوانند طریقة پیش از خطاب الهی بحضرت مریم بلفظ و مریم لینا
زوجی او بعد ازین تکلیف گشت متحیر شدند مریم سبب دعا پرسیدند از حضرت یحیی جواب داد که
در قبل حالت تجرد تا بوی الهام شد که طلب فرزند عیسی دارد طریقة گویند هنگامی که
مائده اسمانی از برای قوم عیسی نزول یافت روی آن بزیر و پشت آن باسمان بود طریقة
گویند بعضی از نصارا نیز را نوشته که اسم حضرت رسول صلی الله علیه و آله محمود و
احمد است محمد از محمود دبلیغ تر و احمد از هر دو بلیغ تر است طریقة گویند تمام
حروف بصورت احمد است الف صورت قیام حا صورت رکوع میم صورت سجده دال صورت قعود
طریقة گویند سلمان [illegible] تفسیر کرده الف شهود رسون قد [illegible]
شهر که ملک سلیمان و ملک ذو القرنین که هزار و ما بود طریقة گویند در
عهد چنگیزخان صیادی کر بنوده را متعلم کرده بود که چشم کلنگ را نیش میزد
روزی در حضور سلطان آن صیاد آمد پیش پادشاه منکو خکم نمود آن
بنونه را کشتند و دست صیاد را بریدند و خرمون بهم نمود که بر بزرگی لیری کند
جزای او اینست طریقة در مصباح الشریعة وعدة العبودیة جوهرة کنهها
الربوبیة فما فقد فی العبودیة وجد فی الربوبیة وما خفی فی الربوبیة اصیب فی العبودیة
بعضی ایجد شیلا باین طور معنی کرده اند که عبودیت یعنی مخلوقیت کنه آن نخدت
باشد خبر از موجود و ضا نفی میکند عاجز در مخلوق نیست از صفات الهیه در ربوبیت
یافت میشود و انچه در مخلوقیت از صفات کمالیه اصل آن در وی الخبیر یافت انست
حل حسابی تکلیف طریقة گویند مجرب است یعنی کبرنیت تعین کرده است حرف
عمل نظام نوشاد ربا مرصلا برکن تا غبار شود بعد از آن در دو عدد یکی کند سر شی
محکم نما و بگشا مرو عفا نقش کن تا بگذارد و بگذار تا مرد شود پس فانی باد و قیر باهم
از بعد صلا بر کنند در شیشه مسدد الرأس در تنور گذارند تا نخد و ضد شود
سرخ یک برده قرطوع کند شمس شوا انتم طریقة در شرح عقیده مرقوم شده بود که
در کریم اید غار ها مغت صبح بر یعنت دام موز بعزانند بجور خلاد و ندم حفظ عظیم و بکار
وفما یه جرب شد اللهم قوی بکتاب تعلق و اشرح لی صدری و اطلق به لسانی فی مجالک

ولا قوة الا بالله العلی العظیم طریفه گویند تعلق کهربا بر معده منع تخمه
میکند و با خود داشتن آن از جهت تقویت دل و دفع خوف طاعون نافع است طریفه
گویند چون آب غوره با برگ بدن مولود در حین ولادت بمالند بالخاصیه در مدت
عمر منع قمل میکند و از مجربات شمرده اند طریفه من طلب العلم فلیواظب علی قوله تعالی
رب زدنی علما طریفه لا ادری سخن چنین نگو غم از بیست ریگ ولی چو بیابد
بگوئی بکجا ازو جو طریفه قیل فی هذه الاذکار یا هو یا من هو یا من لا اله الا
هو یا من لا هو الا هو ان الاول فناء عما سوی الله والثانی فناء فی الله والثالث فناء
عما سوی الذات والرابع فناء عن الفناء عما سوی الذات طریفه گویند یکی از
احادیث وارد است معاذا که خدا از دو زمین بندگان خالص است که هیچ نخورند و هیچ
نمیرند مگر آنکه از ایشان باز مینماید و هیچ بلائی منتشر نشد مگر آنکه بسوی ایشان
منتشر شد طریفه قیل وجوب التوبة من الآثام کوجوب دفع السموم المهلکة عن
الاجسام فان سمیة الذنب اهلاکه فی القلوب اشد من سمیة السموم
فی القوالب فیصیر طریفه قیل نسبة العادة فی الطبع کنسبة الشرع الی العقل وکان
العادة طبع من خارج کما ان الطبع عادة من داخل ویتظاهران ویتقاضدان الی
ان یصیرا کانهما متحدان والعرف اخص الخمسة ومع ذلک یحکم علی الجمیع فی اکثر الناس
قال بعض الحکماء بئس الشیاطین ثلثة شوائب الطبیعة ووساوس العادة ونوامیس
العامة طریفه قیل درد دل اهل دل بود قطعا گفتمی که گرمی بود بجرام طریفه
قیل اول من اثبت الاجسام الکون عنصرا ترجع الیه بعد التحلیل ولو کان تحلیلا
فرضیا انما هو طالیس الملطی قبل المیلاد لستة قرون علی ما دلنا التاریخ
فقال ان الماء هو الاصل الاول لکل شیء وان الارض لیست الا ماء جمد والهواء
ماء تخلخل وان جمیع الاشیاء تتغیر دائما من حالة الی حالة الی ان یؤل امرها
الی رجوعها ماء فاثبت للمواد بأسرها عنصرا واحدا هو الماء وان غیره یرجع الیه
بعد تغیرات تعرضه وهذا الرای غریب جدا اما صرح به الکتب السماویة ومعارف
شریعة الاسلام تعاضد تحولا وکذلک اصول الفلسفة الحدیثة فی تصرفه والتعبیر
طریفه قیل من اهم القناطیر المکتشفة اخیرا الرادیوم وکلمه یوم علی وزن نجم
العنصر واول من عثر علیه مسیو بکیرل فی معدن اورانیوم ویقولون ان غراما من الراد
یوم

يوم يتحصل من ٣٠ الف يوم (٧٠٠٠ عزوار) الاوزان ومن لطيف ما جرى على
كل شعة انه حين ما حمل المراد الى لندن لاجل استيضاح احواله وضعه في انبوبة
من زجاج في جيب على صدره فلاحت حمرة على جلده بعد ما يوماً واعقبت
تلك الحمرة مرضاً شديداً عليه مابه الكاشف عنه الاعمال جمات عفنة وهذا الحجر
له آثار جليلة وفوائد جزيلة تفضل على الاكسير الموهوم بكثير والله اعلم بما خلق
وهو اللطيف الخبير طريقة قيل من اراد عمل الحجر الكوبيا (اى الحجر الذى بعد ان
يكتب به على ورق ينقل الى ورقة ثانية) فليأخذ من الحجر الاعتيادى ثلثة اجزاء و
يذوب به جزواحداً من سكر النبات فيصير منه الحجر المطلوب طريقة قيل صنعة
صنعة الحجر الصيني هي ان تأخذ من هباب الدخان ما شئت فيكن ما عاجداً وعجنه
بصمغ الكاد الهندي ثم ضعه على نار هادئة للتصيير بدال القوام فهذا المركب اذا عمل
منه ربما يكون حبراً اسود جيداً للكتابة طريقة قيل يحفظ الحبر والمداد من التعفن و
الفساد بوضع في كل ٣٠٠ درهم حبر من ملح الطعام بقدر البندقة طريقة گويند
اصطلاح اطبا و حکما در نفس و روح بر عکس میباشد یعنی نفس در اصطلاح
اطبا ارفع از روح است که روح بخاری باشد و نفس انسانی و در اصطلاح
حکما روح ارفع از نفس است که نفس طبیعی باشد و روح ملکوتی و در اصطلاح
شرع بر حسب آیه شریفه الله یتوفی الانفس حین موتها نفس آن قوه را گویند
که مدار عقل و تمیز است و روح آنچه نفس و حرکت بآن قائم است چنانکه مضمون
مذکور از ابن عباس منقول است طریقة قیل من الفرق بین العلم والمعرفة
انه یعتبر فی العلم الاحاطة بالمعلوم وحصوله للعالم ولا یعتبر فی المعرفة ولذا یقال
عرفت الله ولا یقال علمت الله طريقة عن النبي ص من اراد ان يؤتيه الله علماً
بغير تعلم وهدى بغير هداية فليزهد في الدنيا - قيل الوجه السر ان العلم
مكنون في كون النفس ورفع الامراض المعنوية لظهوره وهذا الرفع هو الزهد
المذكور في الحديث فتم طريقة در روایات است که حضرت ابی الحسن ع بعلی
بن یقطین فرمودند ضامن شو تو از برای من یک مطلب را تا من ضامن شوم
از برای تو سه چیز عرض کرد آنها چیست فرمودند اما آن سه چیز اما قتل را نکند
هرگز خواهد اما من به تو نرسد یعنی ترا نکشند و هرگز فقیر نشوی و هرگز بمحبس نروی
نیفتی

ینفعون و اما آن یکی این است که هر وقت یکی از دوستان ما پیش تو می آید باید
همیشه او را اکرام نمائی پس علی بن یقطین ضامن شد و آنحضرت نیز ضامن شد
طریفه بحر حدیثی است که حضرت کلیم کلام خدا را از جمیع جهات و جمیع اعضا
می شنید قیل وجه ذلک انه تعالی هو الاول والآخر والظاهر والباطن فقیل المراد
من الاول عالم العقل بحسب المبدء فی القوس النزولی ومن الآخر العالم المذکور بحسب
الانتهاء فی القوس الصعودی ومن الظاهر مقام الواحدیة والالوهیة ومن الباطن
مقام الاحدیة والغیب المطلق وقیل انطباقها علی العوالم الاربعة النزولیة اعنی
اللاهوت والجبروت والملکوت والناسوت طریفه قیل اولیته تعالی عین آخریته
وآخریته عین اولیته من غیر ابتداء ولا نهایة کما استفید من الاخبار طریفه
گویند اگر قلعی را آب کنند خوب که گداخته شود باید در روغن بومی که اسمعیل گویند
در عمل نقره بکار آید چون نخواهی بکار بری بگیر آب پیاز یک سیر بگیر طلق مجلی
و بروی وی بریز این آب را بعد از آن غسل و سه شبانه روز بخوابان میکن هر روز پنج بار که
حل میشود چون حل شد بگیر از این آب درهمی و از زیبق ده درهم و هر دو را با هم امیز
در صلابه نیکو بکن بعد از آن طین کن در خمیر آرد جو و خشک کن پس بگذار در
آتش زبل اسب نو بیرون آر منعقد شده باشد درهمی از این بر ده درم رصاص کن
که قائم گرداند بر خلاص اکثر تم بعون العزیز طریفه گویند مریخ با علم و ملح قلیه
گردد و شمس ممتزج گردد و صبغ ثابت است هذا ان شمس منصبغ قمر را تصبیغ کند چون
گویند طریق حل کردن مریخ آنست که براده مریخ را با آب نمک بجوشانند که
و آب صافی بر نشوند تا رسوب شود پس خشک کنند و در تیزاب شخار و قلقل
مسحوق اندازند و در بوته آهنین به آتش نرم کنند تا آب نشف کنند و بجوشانند
تا هفت بار که آن براده حل شود بر مثال سیماب این محلول جذب رطوبات و
عقد طیارات کند و مشتری را محکم سازند طریفه گویند آب برنج که بیست روز
در آفتاب گذارند تیزاب شود و طلق را حل کند انشاءالله تعالی طریفه حضرت مستطاب
ثقة الاسلام استادی العلامه القمقام آقای محمد حاج میرزا یحیی اصفهانی بید آبادی
که یکی از تلامیذ حضرت مستطاب آیة الله الباری شیخ مرتضی انصاری قدس سره بود
میفرمودند شیخ استاد مذکور بتلامذه خود وصیت فرمودند که سه خصلت است که یکی
از آنها را خواه قصد قربت داشته باشید یا نداشته باشید نمایید یکی از آنها را خواه

قصد

قصد قربت داشته باشیم باید ترک نمایند یکی از آنها را هرگاه قصد قربت دارید
اتیان کنید و هرگاه قصد قربت ندارید ترک نمایید اولی مباحثه و مذاکره علمیه
مینمایند و در بعضی از اوقات قضا وقت کردن و بعضی اما مشغول نماز جماعت کردند
ولقد اجاد فیما افاد من الوعظ الوقاد وافاض الله تع علی روحه الشریف صنوف
الارشاد طریفة آن بزرگوار برادرم فرمودند از یکی از اساتید اذن و اجازه
جن گرفتم طریقه و دستور داد که در میان اربعین در خانه خلوت لطیفه با بخورات
مقرره معمول داشتم بعد از عمل در بیست روز جمله ذکر اطاق خلوت مشغول اوراد
و عزایم بودم و مجمر آتش و بخورات نیز موجود بود ناگاه دیدم از سقف اطاق چند نفر
بقامت اطفال که گویا با رحیم نازکی یکی آنها بود فرود آمدند بعد در یک سمت اطاق
نشستند مشغول صحبت و مکالمه با یکدیگر شدند من صحبت آنها را گوش میدادم و یکی
یکی از ایشان با آنها گفت که این شخص بجهت چه چیز مشغول این کار شد یکی در جواب گفت
این شخص میخواهد از ما اسم اعظم الهی را فرا گیرد آن شخص اولی گفت که بهتر این است
قسم که صلاح ما و صلاح او نیست زیرا اگر در میان ما جنگ واقع خواهد شد دیگر
و موجب هلاکت او خواهد شد من چون این کلام را از آنها شنیدم دست از عمل
و عزایم را قطع نمودم آنچند نفر از نظر مخفی گردیدند و یکی از اساتید اقوام
فرمودند که اغلب از طایفه جن در نوع بیابان میروند طریفة مما یمکن ان یقال علی
سبیل الاحتمال ان للنبی والامام ع ابدانا مختلفة متطورة من المثال اللطیف والمثالی و
العنصری اللطیف والعنصری القشری فان نسبة الکل غیر الاخیر الی سایر ابدانهم علیهم
کنسبة الروح الی البدن وانها اشد الثبات والقوام لا یتطرق الیها ذبول وضعف
ونقص واما الاخیر فهو کاللباس الساتر الظاهر فی احیانا باختیارهما کالعوادی
وهو کالقالب الاسکندری ربما تقلب منه امیر المؤمنین اسد الله الغالب علیه السلام
مما یقبل التلون والبلی وهذا یحل اشکالها فی بعض الاحادیث فانا نرى میتنا
اذا اماتنا لم یمت واذا ابلی فما هو ببال فافهم طریفة از مجمع البیان نقلا عن ابن عباس
مروی است که انما بعث الرسول من الانس وکان یرسل الی الجن رسولا من الجن وعن
العیون هل بعث الله نبیا الی الجن قال ع نعم بعث الیهم رسولا یقال له یوسف فدعاهم
فنحر یوسف بن یاتان فدعاهم الی الله تع فقتلوه وهذا کان مبعوثا علیهم قبل ان یخلق
ادم طریفة یستفاد من بعض الاحادیث ان نار السموم التی خلق منها الجان لیس لها حر
ولا دخان

ولا دخان طریفه از مرحوم مبرور عماد الاسلام و سناد العلماء الاصفیاء الاعلام
آخوند حاج ملا محمد علی سلطان آبادی قده منقول است که فرموده بودند در زمان ارتحال
مرحوم آیة الله سید بحر العلوم رحمه الله نوحه جن بجهة فقدان آنجناب از سرداب خانه او
استماع شد چنانکه یکی از اعاظم علماء معاصرین ما از مرحوم حاج مذکور این حکایت
استماع نموده طریفه و ایضاً جناب مستطاب معاصر معظم مذکور در کتاب مبارک خود که
مسمی بمنبر الوسیله میفرماید ملخصاً و مفاده آنکه جناب میرزا ابو القاسم علی نام رشتی که از تلامذه
مرحوم فاضل اردکانی بود روزی گفت فلانی تو خیلی زحمت کشیدی میخواهم یک چیزی
بتو دهم بایشان گفتم یعنی چه چیز گفت حاجت من نعم [illegible] اولاً شما خودتان بنمائید
من ملاحظه کنم آیه قل اوحی تا آخر خواندند فرمودند حاضر نمیشوم [illegible] سوال کن
من انگشتر فیروزه که در انگشت داشتم مخفیاً دو دست گرفتم ایشان گفتند میگویند انگشتم
فیروزه بدست است گرفتی من گفتم میخواهم خود مشاهده نمایم انگشتر از دستم جست و مدتی
ضعیفاً باریکی از زیر تخت حوض که [illegible] آن انگشتر بود دیدم شد گفتم انگشتر فیروزه را
یک [illegible] آنکه میگوید بعد از آن [illegible] دعا قرائت نمودند تا دستور العمل هم دادند که در
صندوقخانه حجره که خالی [illegible] باشد بجهة جمعیت حواس مشغول باشم حقیر قدری عامل
نموده بعضی از چیزها را [illegible] اشکال نموده گفتم جناب میرزا من از اللغات شما
گذشتم و همان اخبار [illegible] خیلی تعجب کرده متغیر شدند گفتم من ترجمهٔ اسمعیل را بد
آورده تو میگوئی میخواهم انتهی کلامه طریفه یکی از علمای معاصرین از اهل یزد نقل
نمود از جناب حاج مذکور آنکه یکی از صلحای عوام را خود ملاقات نمودم که از جهة تصرف و قول
و عبادت بمقامی رسیده بود که جمع کثیری را [illegible] که حتی ضیافت کرده بود جمعی را
کفایت کرد طریفه صاحب کتاب مبارک منبر الوسیله مذکور نقل نموده ما مفاده ملخصاً
آنکه روزی مرحوم سید بحر العلوم در نجف اشرف [illegible] ذکر [illegible] بیرون آمدند
بعد در نجف اشرف چون از شهر با خاک گذشتند [illegible] خصوص پیدا شد و بر سر [illegible]
و هم راهان [illegible] آنها بودند تا بکار و اذکار مشغول شدند طریفه [illegible]
میفرماید [illegible] تا سهل [illegible] بالسنة طلق را در دو بوته کرده
تا [illegible] بعد از آن بطریق [illegible] نموده انتهی
نمایند طریفه گویند لریفة المطلب [illegible] بردست است [illegible] هفت بار
بگوید یا آخی اخفرنی و هفت بار دیگر [illegible] یا آخی بخواند یا کسی حرف نزند [illegible] مطلوب
باو گفته شود انتهی طریفه اذا اردت ان تعلم ای الزوجین یموت قبل صاحبه فاحسب اسم
الرجل

الرجل واسم المرئة والتي من الجملة واحدة والتي فيها جمع معهر كل شعر شعر فان هضر
دوج مات المرئة قبل الرجل وان حضل فرد مات الرجل قبلها طريفة گويند
هر كه سه حرف غيز وان گردانيد ولله يسجد ما في السموات وما في الارض من دابة والملئكة
وهم لا يستكبرون يخافون ربهم من فوقهم ويفعلون ما يؤمرون بنويسد و ۶
حرف بين بگردد اگر او بنويسد و ... انتم ... و بنويسد اقل ... يا حي ۲ يا مهلك ۳
يا ملك ... بر روى خوش بنهد كه غايب ... يا بيد و نام غايب ... و بنويسد
طريفة گويند بجهة نكاح هفت دانه خرما از ... ترش بنهد در شب كذا در ... صباح
بنا شنا ... بجوزد ... از آن ... بخوردن مانع باشد طريفة گويند بجهة ... واشدن
پنهان ... اين اسم را ... بنويسد ... مداومت نمايد طريفة گويند بجهة حاضر
بودن طعام سوره والليل را بنويسد بر كاغذ پاك ... الا ... دايره بكشد ...
... ميان او بنويسد بر عكس ... بنهد بروز يكشنبه در ...
آزموده است طريفة گويند از براى نفع صلاة ... اسم الغائب ... قلم آگر
هر ... صلاية بوده در وقت جوشيدن ... از آن طريفة گويند هر گاه ...
... را بجوشانيد ... بنويسد كلام را مانع خواهد بود طريفة قيل في
تبييض النحاس يقع ... والملح والخل ثلثة ايام ثم تحمى النحاس وتطفيه في هذا
الخل كذلك اثنى عشرة مرة فيصير النحاس مثل الرصاص لينا وبياضا طريفة گويند
... مرد ... سفيد شود ... بوده و ... زاج و نوشادر ...
... بجوش ... بگذارند و ... طريفة كنند ... سفيد
شود اما ... باشد طريفة گويند ... مرد بجهة ... را ... كنند و ...
ميان ... سه مرتبه طريفة ... نوشته بود ... كه ... زنند
... طريفة ايضا چون خواهد كه ... را شروع كند ... تمام شود و غافت او
... گردد ... سه مرتبه بخواند ... طريفة گويند
... پاك كردن نوشته از كاغذ سفيد ... سوده ... صمغ عربى ... كذا
سفيداب با صمغ ... خواهد ... تر نمود ... قلم آتش
بالاى ... نوشته ... بگذارد كه خشك شود چون ... قلم آتش ... رسيد تمام
... كاغذ ... شود ... طريفة گويند پوست تخم مرغ ...
سوخته ... كه ... شود و ... نگردد ... طريفة گويند
... شيره ... بجهة ... طريفة گويند و ... روغن ...

خالص و مناعی آن اهل آب ندیده تا ره صلابه نمود در آن ریزد و نصف وزن بگذارد
بطریق فرع و انبیق با تنکیس روغن بچکاند جهة همه زخمها بی عدیل است **طریقه**
گویند تریاک مصنوعی استکه بهزاد دو که سم دار بچیده درزیر خاکستر پنهان گیرند
بعد از آن با تریاک نمای صلایه کنند بکی شود گویند سوره الم ن و الف ان ح ن
ل ع ن ص ا را سی و مرتبه بر نمک بخوانند و بر آن ص ت ع ش اندازند ی ل ح ن
ض ل د **طریقه** گویند جهة ال ح ل ض ف ا م ر چهار صد و چهل و چهار مرتبه بخوانند تمام
نشده مقصود حاصل گردد الله یا مقلب القلوب به نیت مزمد گو **طریقه** گویند
یا بصیر را هر گاه در لوح کند آرد با خود دارد هر روز که انصف الطب عاید البته تو ا
شود و سیصد و نوبت یا بصیر بگوید لوح اینست

ب	ص	ی	ر
و	ی	ص	ب
ص	ب	ر	ی
ی	ر	ب	ص

طریقه گویند جهة قضا حوائج نظر کند باسمان بگوید
بسم الله الرحمن الرحیم سه مرتبه پس حاجت بخواهد و باید
بلکها چشم ابرو هم نزند **طریقه** گویند از ابوجعفر بن بابویه
قمی رسیده هر که این دعا را هفتاد و یک مرتبه بخواند اگر در روز باشد شب مقصود رسد یا حی
یا قیوم یا حلیم یوم لا ینفع مال و لا بنون الا من اتی الله بقلب سلیم و ازلفت الجنة للمتقین
غیر بعید **طریقه** گویند هر کس بجهة طلمانی که از بسم الله است مثل ب بنویسد ح
سین بر کاغذ او بنویسد نام شخصی که خوانده شود غائب شود در بر طلسمی که میان آن بنویسد
و در دیوار رو بقبله نهد مجربست که غائب شود و الله العالم **طریقه** گویند از حضرت امیر علیه السلام
منقولست که جهة حصول مراد این آیه را بعد از نماز صبح و از ده نوبت بخواند در همان روز
بمراد رسید مجربست بسم الله الرحمن الرحیم توکلت علی الحی الذی لا یموت الی کبره تکبیرا
طریقه در نسخه نوشته بود که قرطاس رقیق بر طرفین درهم یا دینار گذارد و بعضا و
که سکه بر دارد و بعد کاغذ را بر هم بچسباند و بعد بر مصلی گذارد و دو رکعت نماز کند
و در هر رکعت حمد و آیة الکرسی و آیه و عنده مفاتح الغیب تا مبین بخواند و در سجده آیه
آیه را بخواند و بیرون آورد درهم شود در وقت طلوع آفتاب یکشنبه **طریقه** قبل خوردن
خشخاش اندک خواب را رغبتش کن ای نبید وسقیم سرعت انزال اگر داری دهد
سرعت انزال را انفع عظیم **طریقه** تیل چون شود خوک زنبق تو روان آب سرگین خرکار
در نم **طریقه** گویند در شب جمعه دو رکعت نماز کند بجهة هر حاجتی که دارد بعد از آن
هشتصد مرتبه بگوید سلام قولا من رب رحیم و سجده کند و طلب حاجت نماید که مجربست **طریقه**
گویند اگر خواهی که سیر از مقام خود آواره کنی که متحیر آواره گی باشد باید دو انگشت دزدن و چهار
بگذار

یکبار سوره انا اعطیناک الکوثر بخواند در مقام آنکس باشد که او را نه گرداند
مجرب و آزموده است طریقه گویند از حضرت امام حسن علیه السلام مرویست که فرمود وقتی
معاش بر من تنگ شد بحدی که میخواستم پیش معاویه بنویسم و حاجت طلب نمایم شبی حضرت
رسالت پناه را در خواب دیدم فرمود ای حسن دعا پیش مخلوقی مانند خود میکنی گفتم
یا رسول الله تنگدستی چنان شد که [illegible] طلا در کار دیدند بعد از آن مدتی وقتی از آن
حضرت را در خواب دیدم فرمود ای حسن پس از آن تا ما این دعا را بخوان هر چه حکم دانا بود
بسم الله الرحمن الرحیم اللهم یا مسبب الاسباب یا سبب کل ذی سبب یا مسبب الاسباب
من غیر سبب صل علی محمد وآل محمد واغننی بحلالک عن حرامک وبفضلک عن سواک
یا حی یا قیوم یا قوی یا خفی یا ملی یا وفی یا ارحم الراحمین بعد از آن این دعا را بخواند
الهی بحق الحجة محمد رسولک وعلی وصی رسولک والحسن والحسین سبطی رسولک
بعزة جلالک وجمالک الکریم اسئلک ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تجعل لی مما انا
فیه فرجا ومخرجا برحمتک انه لا یضیع عندک شیء وبقدرتک التی لا انکاد من [illegible]
شیء فی السموات وفی الارض وسه نوبت بگوید تضرع [illegible] بشرط آنکه دردو مصاف
انگشتان دو عقد کند سه وقت تضرع بگشاید و بعد دستها را برداشته بگوید
بسم الله الرحمن الرحیم لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم ایاک نعبد وایاک نستعین
اللهم کف عنا بأس الذین کفروا فانک اشد بأسا واشد تنکیلا یا منان ذا الاحسان
قد عم الخلائق منه طریقه گویند تنقیه شکم بجهت قرنفل سنگ ملح قلیا و گوگرد زرد
فارسی برابر با سفیده تخم مرغ بسرشند و خشک کنند و نوشادر [illegible] را بکدازند
و اندرون [illegible] بخورد او دهند سفید گردد یا تخم برنج را نرم کرده با قلیا [illegible]
کرده صمغ بسرشند [illegible] سفید شود طریقه اگر مرغ را بکشاید و خون
سیاوشان بخورد دهند سفید گردد طریقه گویند [illegible] که ایشان [illegible]
با ایشان بهمدان شود و همچنین نوشادر و تنکار و بوره را برشته طریقه گویند
و بسعت رزق بخواند آیه و من یتق الله را بعد از نماز صبح یا نده مرتبه [illegible]
طریقه گویند [illegible] ایشان [illegible] یا مرکبا [illegible] داخل او نباشد [illegible]
مبتلا میشود و گوگرد و نمک ترکی هم این اثر دارد طریقه گویند اگر کسی بسیار احتلام میشود از
پشت [illegible] نکند نجس شود طریقه گویند نقش اسم علی مطابق [illegible] اسم مبین
[illegible] طریقه گویند بجهت [illegible] هو [illegible] روز [illegible] دو بار د
نفع مجرب طریقه گویند بجهت [illegible] ۱۶۳ [illegible] در [illegible] کمثل ما
نسخه

بستر شوی بعد از آن پاره قند کوفته بر آن ریخته بر هم زنند هر وقت اراده جماع کنند
یک فنجان بخورد موثر است و دیر انزال الخواهد شد طریقه از حضرت سلمان فارسی رضی
مرویست که هر بنده که بعد از صبح سه مرتبه بگوید الحمد لله رب العالمین الحمد لله
حمداً کثیراً طیباً مبارکاً فیه خدای تعالی هفتاد نوع از بلا از او دفع کند که کمترین آن آنکه
باشد طریقه روایتست که هر که بوقت رفتن بر جای خواب سوره تبارک الذی بیده
الملک بخواند پس بگوید چهار مرتبه اللهم رب الحل والحرام بلغ روح محمد صلعم منی
تحیة وسلاماً خدای تعالی دو فرشته بر او موکل میکند که نزد حضرت رسالت پناه صلعم بروند
و گویند که فلان شخص ترا اسلام میرساند پس حضرت فرماید بر او سلام و رحمة و برکات
الهی باد طریقه کهیعص در مصباح آورده که هر که خواهد در خواب ببیند چیزی که خوا
بر پهلوی راست بخوابد و بخواند سوره واللیل و والشمس و جحد و اخلاص و معوذتین بار
بعد از آن بگوید اللهم أرني في منامي كذا أو كذا واجعل لي من أمري فرجاً ومخرجاً و
یک شب نشد تا هفت شب بخواند که می‌بیند هر چیزی را بخواهد انشاء الله تعالی طریقه از چیزهای
که موجب دفع جنون و جذام و برص است قصه اصحاب فیل است کما فی الحدیث طریقه
از چیزهایکه موجب دفع غم و مالیست ناخن گرفتن در روز جمعه کما في الرواية طریقه
قیل المکروب من حیث هو ثابت بآیات الکتاب الحکیم مثل قوله خلق الانسان من علق وهو
ذلک الحیوان المکروبي الذي یعلق بکل ما یمسه فکلمة علق لیس المراد بها قطعة الدم
الجامدة کما یقوله کثیر من المفسرین وکذلک لیس المراد بها الحیوان الذي هو بقدر
الاصبع فیمتص الدم بل المراد هو الحیوان المکروبي طریقه قیل ان المراد من
الابابیل المرسل الی اصحاب الفیل هو مکروب الجدري الذي اصابهم والعبد الراقم
الدلیل یقول ان في هذا القول وامثاله مکروبات من تأویل اهل الاباطیل
طریقه قیل یروی الشعراني ان السید الرسول صلعم کان یاکل اللحم بالسکین والشوکة
تعطیه بالسکین المربوطة في سلسلة الفضة ویتناوله بالآلی النخل الذي کان یؤتی
به معزوزاً في اللحم بعد الاکلین طریقه قیل الکشف مکروب الجذام وجد علی صورة
الاسد ففي الحدیث الشریف فر من المجذوم فرارک من الاسد اشارة لطیفة الی ذلک
وقد جری علی السنة الاطباء القدیمین تسمیة مرض الجذام اعاذنا الله منه بداء الاسد
طریقه گویند یکی از کتب سماویه که در آن تصریح باسم خاتم انبیا صلی الله علیه و آله
شده انجیل برنابا بفتح باء او جونا با اسم اصلی او یوسف است و از حواریین حضرت مسیح
و این کلمه سریانی است معناه ابن النبوة یا ابن الوعظ طریقه گویند معنا حقیقی

و قسم

وقسم ناجیهار حیلی از اکرامات و احترامات و صغیر میباشد که مخالفت آن بر حسب
جعل و وضع موجب من و استخفاف بقسم می خواهد بود طریقه گویند بعضی حکما
من عرف نفسه فقد عرف ربه را باین نحو معنی کرده اند که کسیکه نفس خود را شناخت
رب خود را که همان نفس باشد شناخته بنا برآنکه نفس رب بعد است که فوق او رب
الارباب است طریقه گویند از مرحوم شیخ نعمة اکبر شیخ جعفر نجفی قده سؤال کردند از ی
جواب فرمودند هی شبهة فی مقابل البداهة لا یعتنی بها طریقه گویند هرگاه عملی را
بزوم گذارند قطع خون او شود طریقه گویند در نشر که حرارت قلیله و برودت کثیره میباشد
لهذا تعدیل او بمثل امتزاج با عسل نایک میشود طریقه گویند و وسائل از حضرت صاحب
منقول است که در جواب حلی که سؤال میکند از انجناب که قنوت فی الوتر هل فیه شیء موقت
ویقال فرمودند لا اثر علی الله عز وجل یصلی علی النبی و استغفر لذنبک العظیم فان
کل ذنب عظیم طریقه فی الحدیث بالفصاحة زینة الکلام طریقه گویند از موجبات فقر
جولانی و کناسی نمودن است و در حمام لنگ نبستن مالیدن و بر دو طرف دهان نخبر خوردن
و کیسه بر روی مالیدن و نان بزانو گذاشتن و دو شب جمعه بیرون رفتن و پیاز خام خوردن و
استخوان سوزانیدن طریقه گویند نکوه بنیستون چشمه بود که اوقات چشمه
میامند و انجار ان انا نکوه بود چون هزار درهم نقره در وی میافکند بند دیگر
دیگر که بیرون میاورند شش هزار درهم بود و سبب معلوم نبود پادشاهان عالم
آنچشمه را مفقود کردند طریقه گویند انتقاع مشتری با سنگه اثر او رق ورق
کرده اثرا بعسل با لایکه در میان گل آب ندیده گذارد بطریق فرش و لحاف و در
آتش بنشستند نهد و تا هفت نوبت عمل را مکرر بکند و او سرکرد طریقه در کتاب حیلی
قدیم در علم کیمیا باین عبارت نوشته از قول فلاطون حکیم باینچنی (از دخول نه
از عطارد بیه هرد و تعیین کن بعقل [illegible] تا منزج شود بنامو [illegible] هر دو نقره یکی برای
انتهی دو مصرع اخرین مخالف اند مصراع اولی اوهمراه ادا نانهاده نوشته معلوم
نیست طریقه ایضا در ان کتاب نوشته انکه طلق را با نوشادر مساوی با آب د
بیشتر کند چهل روز در زبل اسب [illegible] حل میشود طریقه ایضا در کتاب مذکور
بود انکه طریقه جوهر گرفتن را حکما پوشیده داشته اند و حقیر خاکسار مدت ذی سال
خون بانه خوردم تا در طبرستان مرشدی یافتم و از او فرا گرفتم و مبلغی دادم و تجربه نیز نمودم
و از مال دنیا بی نیازم بعد از این باین نحو اسم خود را صاحب آن کتاب رقم نموده بوده لذی
الذهب پس از آن طریقه جوهر طلا باین تفصیل ذکر کرده بگیر از زنیخ [illegible]

هر قدر

هر قدر که خواهی او را بکوبد تا آسیا کند بعد از آن او را بشویند تا تمام زردی او برود
آنگاه او را خوب خشک کنند و در کفچه آهنین کنند و بر چراغ بر سر او بگذارند شیره
تا دو انگشت بر سر او بایستد و وقتیکه شیره آب شد آتش ملایم بکنند و بکوبند و خلط
و هر چند شیره کم شود شیره را بگذارند تا مادامیکه سفید شود مثل قلع آنگاه
بقدر چهار دانگ از آن جوهر طلا را داخل کنند و در شیشه کنند و بگل حکمت گل
و بر سر اجاق فرنگی بگذارند و آتش ملایم کنند تا تمام جوهر بگردن شیشه
مثل برف خواهد نشست و را گرفته نگاه دارند و لیکن از این جوهر داخل کند
با وبوده روزگری ده پال شود یک از این بوده بی پرده من طرح کن و یک
مایه داخل کن که قرار گشته ام و مدتی در این علم نیست تجربه رسانیده
و مبلغی با استاد دادم سوگند بجلال و بدنعم و مایه آن دوده یک مثقال باید برای ده
باشد از نرود را خوان نوشته بود که این عمل را بوده نیز هم میتواند بجای آورد
والله العالم **طریفه** و یکی از احادیث معجزه از علائم ظهور میفرماید که یکی
از آنها آنست که ظاهر میگردانند اهل آخر زمان خضاب را و شانه میکنند
شانه زدن زن از برای شوهرش تا آنکه میفرماید بریختن خون مردم در پیش آنها
سهل باشد و فتنه و هرج و مرج بپا شود و میفرماید آنکه هر سال بدعت و شر دو
ظاهر شود خدایا از انسال سابق **طریفه** در عهد نبی حضرت صادق ع بعضی شمر
بعد ذکر گریه کردن او وقتاسف او بر عدم سلطنت قاهره ظاهره امام میفرماید
گریه مکن یا عمر مادر این حال که هستیم غذا ها خوب میخوریم و لباسها نرم می پوشیم
و اگر خلافت و سلطنت را متولی شویم نیست مگر خوردن طعام غلیظ و پوشیدن
لباس درشت مثل امیرالمؤمنین علیه السلام و اگر غیر این باشد در گرفتاری غلها
آتش دوزخ خواهد بود **طریفه** گویند مرحوم میرفندرسکی که اسم او سید ابوالقاسم
بود وصیت نمود در مرض موت خود که جنازه مرا بگذارید در مقبره بابا رکن الدین
در جنب هر بکیرد در آنجا است و کسی متعرض نشود از برای تغسیل و صلوة و دفن او
بلکه جنازه را در آنجا بگذارند و خدا یکی از اولیاء خود را میفرستد که متصدی
امور مذکوره شود پس بوصیت او عمل کردند که ناگاه علامه تقی مجلسی اول
پیدا شد متصدی جمیع امور مزبوره گردیدند مع تفصیل نقله صاحب کتاب منبر
الوسیلة فیه **طریفه** در بعض اخبار شهر جابلقا فرموده اند در مشرق است و

جابر

جابرسا را در مغرب و در بعضی بعکس و محتملست که جهة اختلاف لحاظ
باشد بحسب آفاق دیار اهالی آنها چرا نکه مشرق و مغرب نسبت بعضی آفاق مغرب
و مشرق خواهد بود و بعضی این دو شهر را از اقلیم ثامن و عالم مثال منفصل میدانند منکر
بجهة بعضی اشکالات که اهل علم طبیعت دارند یا و نتوانند ممکنست بعد از تمحض
عین از آنکه خفاء آن دو شهر از انظار بجهة اعجاز و مصالح انبیا باشد اینکه گویم
بنا بر مذاق خوابشان باید شهر دو کره باشد از کرات جوهریه که در آنها مخلوقات
بینا میباشد طریقه گویند مرحوم شیخ مرتضی انصاری قده مواظبت زیادی
داشتند بزیارت عاشورا در نماز حضرت جعفر طیار روزی صاحب جواهر الکلام بدین حضور
مطهر ایشان رسیده بود فرمودند شنوده‌اند العبادات لعوامیه کل یوم کل یوم عاشورا
نوع اشتغال بعضی اشتغال بتحصیل از برای علما اهم است از بعضی اعمال مستحبه طریقه
گویند جمیع حکما گواهی داده اند بحقیقت اینکه بگیرند وجوز از شعر مقرض معقول
و بگیرند عقرب مرده در موضع خویش و در قرع کنند و معطر سازند بانرم کرده بعد
تبرح چکد چون جوز آزاد زعفران شیشه دفن کنند بکهفه با احراق با آب کم شود و
قرنا سرخ تاب کنند و بگدازند تا آب ندانند بگذرند باذن الله طریقه گویند طریقه
حل طلق که مضدا و حید بیش من حل الطلق هذا استغنی عن الخلق آنستکه بساید طلق
محلول با سیر بگو بد بعد از ان بگیرند جسد را و میان آن را خالی کرده در آنجا بریزد پس
سر جسد الحجال خود وصل و بجاک تمثال بگذارند تا طلق محلول گردد مثل سیماب و خود
صفیه را مثل کند و موقوفست بحر بر طریقه گویند من دو امکر زرد و سرکه کهنه بریزند
متفق گردند و قبول اکسیر کند طریقه با قدری سیماب و جسد ذبیح و کبریت هر یک را
کند و در قرابه اندازد و ۱۲ ساعت آتش دهد بعد شده بیرون آورد سیماب و
جسد چنان باشد که گویا یاقوت درخشنده است طریقه گویند هر گاه آب پیاز را
که فرز بغداد و داخل نماید و بعد از آن در قرع بچکانند و بر سر طلق محلول بریزد محلول
شود و از طلق را بر سیماب عقد و ثابت کند طریقه گویند بساید سیماب را اسم
درم و طلق صد اندر شده بریزد در طلق و باب بیضه مرده و او بکرو ثابت نیکو صلابه
نماید و بعد از آن در شیشه کند و سر شیشه را محکم کند با نمک و آهک سفیده بیضه و
تمام شیشه را بگل حکمت گیرد و در تنوری که سرگین آتش کرده باشند و سر شود را محکم
و یکشبانه روز بگذارد بعد بیرون آورد و شیشه را بشکند جسکی ببیند مانند بیضه
در شیشه

در سحق و ماسد بلو سفید پس آن جسد را بکوبند چون آرد نرم و نگاه دارند هرگاه
خواسته باشند یک درم بر بیست درم مشتری منقی با زهره منقی طرح کند فی الحال نقره
خالص شود بفرمان خدا تعالی و باید زهره با مشتری خوب گداخته شود که آتش
نیفتد بقصد یکصد مرتبه سوره اخلاص بخواند نگاه از آتش بر دارد نقره بوده باید
زد والله العالم طریفة گویند وسعت شهر حسب اخبار چهار هزار فرسخ
است که کلف در آن مرغزار و جزیره است که خداوند عالمیان در پشت آن آفریده
و جسم آن سیاه است و صیقلی و اقتباس از آفتاب میکند طریفة گویند
بحیرهٔ ساوه بیست و پنج فرسخ بوده و ابتدای آن از قصبه عقدا الی بلدهٔ قم علی
قول و عبور سفاین از این دریا مشکل بود چون یک کرت غرق میکردند شود [illegible]
بر روی نشست و عبور میکردند طریفة عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم
رکعتان یرکعهما العبد فی جوف اللیل خیر له من الدنیا وما فیها ولولا ان اشق
علی امتی لفرضتهما علیهم طریفة ایضا عنه صلی الله علیه و آله من اراد العلم
فعلیه خمسة خصال تقوی الله تعالی فی السر والعلانیة ودوام الوضوء والصلوة
فی اللیل و لو ذکر [illegible] والاکل للقوة لا للشهوة والسوال طریفة قیل قال
ابن عباس رض ان الصلوة لها حلاوة فی قلوب اهلها قال الله تعالی افمن زین
له سوء عمله فراه حسنا طریفة للاذکیاء گفتم بکام وصلت خواهم رسید
روزی گفتا که نیک بنگر شاید رسیده باشی طریفة گویند مداوات
در حرارت غریبه باستعمال ضد است که برودت غریبه باشد اما در حرارت
غریزیه باستمداد مثلث لا غیر چنانکه در گرما سیرها خوردن مثل
خرما انفع بحال انهاست طریفة گویند فقیری مرد و حضرت
رسول صلی الله علیه و آله بنماز او حاضر نشدند و غنی مرد حضرت بنماز
او حاضر شدند سبب را پرسیدند فرمودند حاصل آنکه این فقیر محب
دنیا بود و لیکن غنی محب آخرت طریفة گویند اگر یک درم سوس
قمر باشد درم سوس نحل خوب صلایه کنند بعد از آن در میان کاسه مطین
کرده بالای آن روغن زیت ریزند و بر سر آتش ملایم گداخته کنند یک شب
و یک روز بعد از آن در میان شیشه کنند و بالا و پایین شیشه [illegible]

دیوه فرش و لحاف و سر شیشه را قایم کرده یک شب آتش کرده و در زیر
کرده صباح بیرون آرد و بلیه دم بر سر من نجاست بوند بهم شود **طریقه**
در کتاب قدیم کهنه نوشته بود آنکه بنا و در قلعه را ثبات کند و در بوته که فرش
با لحاف و عمل یا ذیل آدم نموده مدت چند یوم بگذارد و بعد از آن در
گل حکمت گرفته در زیر آتش کند تا بسوزد صبح بیرون آورد قرص شده
باشد در غایت خوبی بکار برد **طریقه لا اکسیر**   تو خواه آن را
بزنجیر خوان و خواه زده   چو بعکس زده است چو بر کشی زنجیر
طریقه در کتاب در النظیم آورده که بخط بعضی عارفان دیدم که از
حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده بود که هر کس را حاجتی باشد باید
که بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم من عبده الذلیل الی ربه
الجلیل رب انی مسنی الضر و انت ارحم الراحمین پس آن رقعه را
در جوی آب روان بیندازد و در وقت انداختن بگوید اللهم بمحمد
و آله الطیبین الطاهرین و صحبه المرضیین اقض حاجتی یا ارحم الراحمین
پس حاجات خود را یاد کند بتحقیق که مراد او بر آید ان شاء الله تعالی
طریقه قیل کان عکرمة بن ابی جهل اذا نشر المصحف غشی علیه
و یقول هو کلام ربی هو کلام ربی **طریقه** قیل   خواهی که تا بیابی
یک لحظه نزیش   خواهی که تا بدانی یک لحظه ندانش **طریقه**
یکی از ذاکرین روایتین جناب ابی عبدالله الحسین علیه السلام چند یک چشم
آب آورده بود بعد از آنکه یک چشم دیگر او نابینا شده بود از سابق بجهت
معالجه آن چشم آب آورده باصفهان مسافرت نموده در نزد دکترای
بمعالجه رفته و منزل زده چند آن اثری نافع نبخشید شفا ما بخود راقم
گفت در شبی در همان بلده در خواب خدمت یکی از اولاد حضرت
صادق علیه السلام رسید در حالتی که ایستاده بودند با ایشان عرض کردم
مرخص بفرمایید یک پای شما را بر چشم بمالم مرخص فرمودند پای مبارک ایشان

را از زمین

را از زمین برداشتم در حالتیکه جورابی در پای داشت بر چشمم مالیدم
چون بیدار شدم دیدم آن چشم بکلی شفا یافته بآن دکتر گفتم از روی تعجب
چند مرتبه نگاه کرد بر آن چشم و گفت چشم تو دیگر دوا نمیخواهد دوا قرا نیم
گویند دیدم بهمان یک چشم خط خیلی خفی را میخواند **طریفه** از غرائب
بنجاح بنیه این کلمات است   اعدوا الرکاب   واستعدوا للذهاب
ثم اعبروا علی الذباب   فلیس دونهم حجاب   ایضا   علیکم بالیمامة
ودقوا دقیق الحمامة   فانها عزیزة کرامة   لا یلحقکم بعدها الا امة
طریفه گویند در خبر است که اگر کسی در صحبت با زن خود کند اگر
خدا نعم مرا پسری کرامت فرماید مهیا گردانم او را تا شهید شود اگر
فرزند بشود یا نشود در نفس الامر در پسری شهید مینویسند **طریفه** گویند
در کتاب غرائب الحکایات مرحوم سید نعمة الله جزائری خواص غریبه در این
صلوات و لعن ذکر فرموده حتی آنکه گویند زنی تعشق بر پسر خود پیدا کرده وا
بغفلت شراب خورانیده و کام از او بهم رسانید و معامله شده و بعد از چندی
فوت شد و پسر بعد از آگاهی از عمل شنیع او از قبر بیرون آورند که او را بسوزاند
دیدند او در سر تختی نشسته صاحب درجات عالیه میباشد جهت را از او
پرسید گفت این مقامات بجهة آنست که در هر شب پنجشنبه این صلوات
و لعن را بعد از نماز میخواندم صلوات و لعن مذکور این است
اللهم صل علی محمد و آل محمد و بارک علی محمد و آل محمد کافضل ما صلیت
و بارکت و ترحمت علی ابراهیم و آل ابراهیم انک حمید مجید و لعنة الله
علی اعداء آل محمد من الاولین و الاخرین الف الف مرة **طریفه** در آیه
شریفه ثم دنی فتدلی فکان قاب قوسین او ادنی بمقتضای اخبار و کلمات
مفسرین معانی بسیار گفته اند بعضی مثل بیضاوی ضمیر مستتر در دنی و
کان را راجع بحضرت جبرئیل علیه السلام گرفته اند اگرچه بنابراین وجه ضمیر
در کان راجع بمقصد ما باشد ولکن این امر اسهل است و آنچه ظاهر از
اخبار

اخبار اهل بیت عصمت علیهم السلام آنست که ضمیر در فعلین تعلق بحجاب
رسول خدا صلی الله علیه و آله چنانچه در خبر منقول از حضرت
سجاد علیه السلام وارد شده که قال ذلک رسول الله صلی الله علیه و آله
دنا من حجب النور فرای ملکوت السموات ثم تدلی فنظر من تحته الی
ملکوت الارض حتی ظن انه فی القرب من الارض کقاب قوسین او ادنی
و در خبر دیگر وارد است که فرموده رسول ص وقد کنت قریبا منه فی المرة
الاولی مثل ما بین کبد القوس الی سیته و از حضرت باقر علیه السلام مرویست
که فرمودند و کان بین لفظه و سماع محمد صلی الله علیه و آله کما بین وتر
القوس و عودها و در روایت دیگر است که قال کان بینهما حجاب یتلألأ
بخفق زبرجد ای بتحرک و اضطراب و بعضی معنای قاب قوسین را دو زه
کمان گرفته اند بملاحظه خبری که سائل عرض کرد ما قاب قوسین جواب
فرمودند ما بین سیتها الی راسها و مرحوم مجلسی ره فرموده اند لعله کان الی وسطها
او الی مقبضها فصحف و ظاهر آنست که حاجت باحتمال تصحیف نیست بجهت آنکه
راس در اینجا بمعنای وسط و اصل است مجازا للمناسبة چنانکه او را
سر میگویند چنانکه در خبر مذکور شد و بنا براین معنی لازم میاید آنکه
نیمه کمان را قوس میتوان گفت چنانکه صاحب تفسیر صافی فرموده و فیه
ما فیه و ظاهر آنست که مراد از قاب قوسین مقدار ما بین دو کمانست
که دو زه دو نفر باشد که مقابل یکدیگر نشسته باشند و کمان
خود را هر یک در پیش روی خود گذارده باشند که شبه دایره از این وضع
حاصل میشود چنانچه در رسم مخاصمین در حین نشستن بجهت مکالمه و مخاطبه
چنین است و بنا براین قاب بمعنای مقدار خواهد بود چنانچه در قاموس
قاب و قید و قید را بمعنای مطلق مقدار گرفته و در اینجا بمعنای مقدار
ما بین کبد قوس که وسط آن باشد و وتر آن که زه باشد خواهد بود نسبت
بهر دو قوس از دو کمان که مرقوم شد یا بمعنای متعارف آن باشد و بنا براین

هر دو

هر قوس را یک قاب بمعنای مذکور بیشتر نخواهد بود و ایراد هاشم شامی
مشوم باینکه باید قابی قوسین فرموده باشد سقیم و هشیم خواهد بود و حاجت
باینکه قوس در اینجا بمعنای ما یقاس به میباشد نیست چنانکه بعضی از اجله علماء
معاصرین فرموده در جواب او نیست و قوس و قیاس یک قیاس نیستند
چه اول واوی است و ثانی یائی و ظاهر از احادیث مذکوره نیز همین است
که ذکر شد عند التامل و شاید مراد از قوسین بالمآل و الاحتمال قوس امکان
و قوس وجوب یا قوس عبودیت و قوس ربوبیت باشد یعنی اگر چه آن حضرت را
در معراج مقام تخاطب حاصل گردید ولی در جلوه ای نور یکی قوس وجوب
و ربوبیت است و در جلوه دیگر قوس امکان و عبودیت و علی الاحتمال
مراد از او ادنی مقام فنا و مصطلح در نزد اهل بیت عصمت علیهم السلام میباشد
که حقیقت معنای العبودیة جوهرة کنهها الربوبیة ولی مع الله حالات الخ
بوده باشد و بنابر اینکه قوسین عبارت از قوس وجوب و قوس امکان نیست مراد
از قوس وجوب عالم امر خواهد بود و مراد از قوس امکان عالم خلق چه حد
و مقدار بعد مقام ذات واجبی غیر متصور خواهد بود و راهی از برای عقول و
اوهام بسوی غیر آن مقام فعل او که عالم امر و خلق باشد نیست و از این جهت
در حدیث سابق حضرت باقر علیه السلام فرمودند فکان بین لفظه و بین سماع
محمد صلی الله علیه و آله کما بین وتر القوس و عودها و از لفظ ما بین وتر القوس
و عودها مستفاد میشود اینکه عالم بلفظ لاهوتی همان قوس وجوبی یا ربوبی
میباشد و بنابر اینچه تحریر یافت تحریر جنبه امکانیت رفع تنافی از اخبار و اقوال
مختلفه مذکوره فتامل **طریقة** در کتاب عمل صالح تصنیف صالح بن محمد
قائینی آورده اینکه روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله بمردم دوا میفرمودند
بیکی عسل فرمودند بجوزا نیم خورد و روز دیگر مرد اقوام او آمدند و اعتراض
کردند بر آن جناب و مطالبه قصاص کردند آن حضرت آن میت را طلبیده و باواز
بلند فرمود که ای عسل چرا که تو این مرد را کشتی جواب داد یا رسول الله من بجمیع

اعضاء

اعضاء وجوارح این گردیدم وهمه دردها را ساکن گردانیدم مگر موت را
طریفة ایضاً گویند مبالغة الاطباء در معالجه بجدی است که اگر کسی
در خواب ببیند که مس سم است همان ساعت که بیدار شود فصد کند
و دوا خورد طریفة ایضاً گویند پیاز را یا کراوز را بصلیه گویند بجهة
زیادتی منی و قوة باه و نافع بودن از برای سرد مزاج و مضر است از
برای محرورین و مصلح او روند شکیما و سماقیا طریقه او آنست که گوشت را
قیمه کنند در روغن بریان کنند و دو وزن گوشت پیاز در بخته و قدری
دارچینی و زیره کرمانی و گشنیز و نمک در او ریزند و بپزند تا تمام شود و آن
قدر آب در او ریزند باشد که نسوزد و اگر زرد چوبه و زعفران قدری در او داخل
کنند بهتر باشد و بجهة مبرود اگر شیر داخل کنند انفع اشیاء است طریفة
ایضاً چون ملاهک و برگ توت را کوفته و بیخته و بروغن دنبه سیر سرشته
بر زخم مار و عقرب بنهند درد را بالخاصیة ساکن گرداند و یا قدری کوفته
و بدوشاب سرشته فی الحال درد را ساکن کند و همچنین جرادکوش خمیر
و سیر دشتی که تر کرده و ورق الکرم و مغز جوز و انجیر و سیر کوفته و اگر
شیر را کوفته بر موضع نیش مار گذارند زهر کار نکند و در ضرر هوام موذی
تریاقی نیست چون مس خراطینی و صحیح تریاق بان نوشند و صفت آن در کتب
طبیه مذکور است فلیرجع الیها طریفة گویند گلاب در اصطلاح اطباء
غیر از گلاب فقط است بلکه مراد از آن شکر گلاب است بطریقی که معمول ایشان
است و مینامند طریفة گویند القاهر بالله که از خلفای بنی عباسی بود و
مرد قاهر جابری بوم چون چشم او را کندند تا بنوسال دیگر زندگانی کرد و بر
در مساجد و مدارس جامعه میایستاد و میگفت یا ایها الناس خلیفه خدا را
چیزی بدهید ایها الناس امام و پیشوای خود را رعایت کنید طریفة
گویند از جمله چیزهائی که موجب ضعف چشم میشود نگاه کردن در چشمه
آفتاب و هر درخشنده و مطالعه خطوط خفیه و سر برهنه در آفتاب گشتن

و بریان

و بریان و کباب تنوری و سیر و پیاز و عدس و باقلا و گوشت قدید و
شرکه و چیزهای شور خوردن و شب دیر غذا خوردن و بر امتلای معده
خوابیدن و روز بسیار خوابیدن و در تاریکی مکث کردن و در جرم خورشید
منکسف نگاه کردنست که موجب بسیاری غم میشود و فریاد کردن و
بسیار آب خوردن و صبر بر تشنگی و ترشی خوردن و برف و یخ خوردن
و بر چیز سیاه نگاه کردن و از آنچه موجب قوه چشم میشود آب بادیان باد
را با شکر کشیدنست و از آن بهتر آب انار ترش و آب بادیان و زهره گاو
و عسلی که آتش ندیده باشد و اکتحال آن را نفع بسیار میدهد و اکتحال
بزعفران چشم را جلا میدهد و چکانیدن گلاب در چشم و چشم را با آن
شستن صحت آن را نگاه میدارد و باصره را قوی میکند و بوسیدن شکر
در هر شبانه روزی چند بار و از برای قوه باصره مشایخ نافع بود و کندن ا
سعوط با آب یخ سلق و نظر کردن در چشم گوزه خر موجب صحت چشم و منع
نزول آب خواهد بود و نظر کردن بکب اصغر که کوکبی است مشهور و بقطب
و حک هر علتی که در چشم حادث گردد زایل گرداند و قوه دهد و مالیدن
دست و پا قوه باصره دهد و اگر کسی انگشتر فیروزه اصل خوب در انگشت کند
هرگز کور نشود و محتاج بعینک نشود انتهی و قوه کحلها تا یکسال است مگر
کحلهای از سنگهای معدنی که مثل الماس قوه آنها باقی است و داروهای
چشم را باید در آبگینه نگاه دارند **طریفة** در کتاب مذکور منقول است
در باب حبهای امساک منی و از آن جمله اینکه که بسیار نافع است امساک
کند و هم قوه بیفزاید و هم عنین را که نزد مقاربت انزال شود سود دارد
و سرعت انزال را زایل کند اجزایش هفت است بغیر عسل و قند و شربتش
آن مقدار که در هر طبیعی اندک تحذیر او بود و هر حب برابر نخود و عنین
تا یکماه استعمال کند و غیر از ثلم ادبر ایدص جوز بویا بسباسه دارچینی
و مغل

قرنفل حرمل افیون مکه یکدرم سیاه دانه شش درم همه را سایند و افیون را
در عسل حل کند و با بقیه و پنج مثقال قند نیز حب کند تا اینکه گوید این
حب مستعمل این ضعیف است و از این حکایتها است الخ **طریقة** ایضا
حرمل و زنجبیل نخود بران قند سحق کند غذا وی وحبها کند مقدار نبق
و هر شام مقدار یک دو طل شیر گاو و شیر گرم در عقبش بخورند تا دو حب هم
بشیر میتوان خوردن **طریقة** ایضا دندان مار ربع را زایل میکند
و شاخ سوده گاو در طعام کردن همچنین و استخوان که به بال خروس است
چون بر هر نوع بمالند دفع تب کند و تعلیق چشم راست خروس چون در خرقه
پیچیده همان نفع دهد و تار عنکبوت که کیف تنیده بدستور **طریقة**
ایضا اگر قولنجی بر پوست گرگ نشیند و بران خسبد نفع تمام دهد و اگر
کمربندی از ان سازند و بر کمر بندند و هر سال کمربند را نو کند همچنین است
و همچنین عقرب سوخته همین عمل کند و قرن ابل محرق وجع قولنج شدید
مهلک را بیکدم شفا میدهد چون یک مثقال از آنرا بیاشامند **طریقة**
ایضا حب بسیار یستعمل باللیل و ینام علیه یفعل فعله و لا یوذی و هو
ینقی الدماغ و المعدة و یسهل اسهالا لا احتیاط صبر مغسول دو درم
مصطکی نیم درم گوفته و بیخته با آب بادیان حب کنند و همه یک شربت
است **طریقة** گویند هر گاه سورهٔ مبارکه حمد را وارونه بنام غایب
و مادر او بخوانند البته مراجعت خواهد کرد انتهی **طریقة** گویند
مضمضه کرنج یافته باشد مسکن درد دندان و نزلات خصوصا با جعفری
خواهد بود **طریقة** گویند خاییدن کندر بجهة سرفه رطوبی و تقویت
لثه و دندان نافع است و چون یک مثقال او را در آب حل سازند و انرا
آبرا بنوشند و مدت مداومت بان نمایند بجهة رفع نسیان از مجربات دانسته
اند و لکن اکثار آن باعث جنون و جذام خواهد بود **طریقة** گویند
همراه داشتن کهربا بجهة تقویت دل و دفع خوف طاعون نافع خواهد بود
طریقة

طریقه گویند شیشه را در زجاج سوده بگذار همان تا سرد گردد بوته را
زجاج سوده از ما نده را وزیل میان آن دو شیشه ای ماء کثیر برون
آید بماند زر پاک که ترنج خفته باشد در بلغاک **طریقه**
گویند در بیان عمل جلائی قمری انگبشتان زرنیخ سرخ یا زعفران چندانکه
خواهی و باده عدد تخم مرغ بغایت نیکو بکوب و آنرا در پاتیله کن و شیر تازه
بر روی آن بریز که کف آن از وی گرفته باشد و با آتش بجوشان تا شیر تمام
برود و باز آنرا بکوب بکوفتنی نیکو بعد از آن در شیشه و بگل حکمت ببند و
دو سر وی را بگیر با همان سفیده تخم مرغ و در تنوری نه که تافته باشد و
یکشب بگذار و چون سرد شود بیرون آر بعد از آن بگیر مس و او بگداز در
آب قلیا با آهک دو سه چند نوبت تا نیکو پاکیزه گردد پس از آن زرنیخ ده
مثقال بر ده مثقال از این مس پاک کرده مطهر طرح کن سفید گردد بعد
از آن برابر با نقرهٔ خالص بگداز جلائی باشد در نهایت خوبی و پاکی **طریقه**
گویند در وصایای رسول خدا صلی الله علیه و آله بحضرت امیر علیه السلام آنست
که هر که در وقت طلوع آفتاب هفت مرتبه سورهٔ فاتحة الکتاب و هفت مرتبه
آیة الکرسی و هفت مرتبه قل اعوذها و بعد از آن هفت مرتبه بخواند اللهم
اغفرلی ولوالدی ولجمیع المؤمنین والمؤمنات والمسلمین والمسلمات
الاحیاء منهم والاموات انک علی کل شیء قدیر تا مدت یکسال فرشته
دست چپ گناهان او را ننویسد و محفوظ از همه آفات و نیکبخت دو جهان
گردد **طریقه** قیل اذا رایت رؤیا فی المنام فانظر الی اللیلة التی انت
فیها کم من الشهر ثم خذ بعدد اللیالی سورا من القرآن من اولها الی لیلة الرؤیا
ثم خذ من السورة الاخیرة بعدد سور آیات فالآیة الاخیرة تفسیرها تعبیر
الرؤیا والله العالم **طریقه** قیل اذا نقع العفص فی الخل سود الشعر **طریقه**
ندا خیار اهل بیت علیهم السلام بجهة رفع و دفع خستگی پیادگان که در سفر امر بندا
فرمودند و فضلا این مثل مجانا بعضی سر عید در میشی است **طریقه** گویند فوتنج
تریاق

ترياق ذوات السموم است كلها طريفة گويند شير مشوى بجهد دادند تا
متاكل نافعست طريفة گويند فجل كه فجل كه ترب باشد خوردن آن
بعد از طعام هاضم و بعد از آن مطفى حرارتست طريفة لفظ منا مخم
كه علماء شرع در ظنون استعمال ميكنند بوزن مناسبت از باب مفاعلة
بمعناى هم خد بودنست كه از نجوم بمعناى حدود باشد طريفة قيل قال
مولانا الصادق عليه السلام لرجل خراسانى اشتكى من وجع الرأس ثم من ساعتك
هذه فادخل الحمام ولا تبتدئن بشيء حتى تصب على رأسك بسبع اكف ماء
حار وسم الله تعالى في كل مرة فانك لا تشتكي بعد ذلك ان شاء الله طريفه
من عجيب خواص الصمغ انه اذا سقى انسان من محكوكه يفعل فعل السم وان
سقى شارب السم نفعه طريفة قيل الملح اكال للحوم الزائدة ويشد اللثة
المسترخية خصوصا الاندرانى وهو الذى كالبلور طريفة قيل ان
غسل الارز ثم جفف ثم قلى ثم رض فطبخ ثم اكل بالشحم فهو نافع من الزحير
كما روى عن الصادق ع طريفة قيل ان شونيز جونة بالنار واكلت ينفع
من المغص كما في الحديث طريفة قيل ان سحق وزن دانق شونيز ونصف
دانق كندس ثم ينفخ في الانف فانه يذهب بالزكام كما روى عن الصادق ع
قيل قال الكندى كان ابو نصر لا يبصر القمر ولا الكوكب بالليل فاسعط
بمثل عدسة كندس بدهن بنفسج برأ في الليلة الثالثة برأ تاما طريفة
قيل طبخ الحلبة بالماء جيد للزحير والاسهال طريفة گويند فانيد
كه در كتب اخبار و كتب اطبا كثير الاستعمال است بمعناى شكر پنير طريفة
گويند لبن حليب كه در اخبار مذكور است [illegible] طريفة قيل
اذا دخنا المقعدة ببذر الكراث ذهب البواسير طريفة قيل اكل
التفاح نافع للوباء كما في الحديث طريفة قيل نتف الشعر من الانف يورث
الجذام وتربة المدينة شفاء الجذام طريفة قيل اخذ السامع الذنب
الاحمر الذي لا نوى له ويجعل معه هليلج كابلى صغر واسود اجزاء سواء
واخذ

واخذ علی الریق مقدار ثلثة دراهم وحین یاوی الی الفراش مثله فلان امان من الجذام والفالج واللقوة والجنون **طریفة** قیل فی الحدیث ان البنفسج بارد فی الصیف حار فی الشتاء لین علی شیعتنا یابس علی عدونا **طریفة** فی الحدیث ان الحرمل شفاء من سبعین داء اهونها الجذام فلا تغفلوا عنه وفی خبر عدد ورقها و ما الکذ **طریفة** عن النبی صلی الله علیه و الرضی شرب الحرمل اربعین صباحا کل یوم مثقالا الا ابتنا الحکمة فی قلبه دعونی من اثنین وسبعین داء اهونها الجذام **طریفة** قیل قال جالینوس کلما کان من الادهان یعتصر من غیر الزیتون فانه یسمی زیت بطریق الاستعارة **طریفة** قیل الفرق بین البرص والبهق ان البهق مخصوص بالجلد ولا یغوص فی اللحم والبرص بنوعیه الاسود منه والابیض یغوص فیه **طریفة** قیل عن امیر المؤمنین علیه السلام اذا کان ما احدکم ادجاع فی جسده وقد غلبته الحرارة فعلیه بالفراش فقیل للباقر ما معنی الفراش قال غشیان النساء فانه یسکنه ویطفیه **طریفة** گویند در این ربع مسکون هفده هزار شهر است از شهرها بزرگ و هرگز این ربع از پادشاه خالی نباشد **طریفة** گویند قلقی از نرد نیخ و زیبق است مرا از تجربت حکماء منقفند بر آنکه شرب بهتر است از قلقی **طریفة** گویند از عبارت حکماء اکابر است که العقل والنفس والطبیعة بمنزلة واحدة **طریفة** حکماء گویند اگر زحل نبودی طحال نبودی و اگر زحل نبودی معقد بیچکم را نبودی وان وبال عظیم بودی **طریفة** گویند در علم هیئت مبرهن داشته اند آنکه در میان افلاک بجوئیف نیست و بعض افلاکیان ملکی باشد نزحیف **طریفة** گویند هرچه که عقل از واجب الوجود پذیرد بیک دفعه پذیرد چنانکه هوا از نور آفتاب و هوای خانه از چراغ **طریفة** گویند میهمان ادوار را سیر جلالی گویند و اکوار را سیر جمالی و ادوار گردیدن کوکبی است بینا بینا دور باد و بیا بیشتر گرد فلکهای خویش و اکوار بازسرگرفتن این دورها باشد

باشد طریفة بعضی از حکما را اعتقاد اینست که در هر سی و شش هزار
سال تمام عالم بگردد چنانکه همه زمین درخت و نبات شده باشد
و باز بعنا شده و خاک گشته و زمینها که مردگان در آنجا بوده باشند کشت زار
و درختان شده و غذای حیوانها گشته و هکذا طریفة گویند از عبارات
حکما است که الطبیعة لن تفعل شیئا باطلا طریفة گویند اول قوتی که از
بعد از تولد در بطن بظهور رسد قوة شهویة باشد چنانکه طلب شیر کند و بعد از آن
قوة غضبیة چنانکه گریه آغاز کند بجهة دفع موذیات طریفة حکما
گویند اذا جاعت النفوس صارت الاجسام ارواحا واذا شبعت صارت الارواح
اجساما و ایضا من اصلح نفسه ملکها و من اهمل نفسه اهلکها طریفة
گویند افلاطون نفس ملکی را دلیلت و انعطاف مذهب تشبیه کرده و
نفس طبیعی را بمنصلابت و امتناع تجدید طریفة گویند از حروف تهجی
حروفی است چهارده گانه که آنرا صوامت خوانند و آنها این است ا
ح د ر س ص ط ع ک ل م و ه لا و از آنها چهار اسم ترکیب کرده اند
و اسماء صوامت خوانند احد و بعض طعکل و هلا اگر این اسماء را در
بوند م هر ماه که باشد یا در روزی که کسوف باشد یا شبی که خسوف باشد
بر صفحه از سرب نقش کنند و در زیر نگین انگشتر نهند حمید اللسان بود
که غمازی و بدگوید از جن و انس و غیبت و حضوری کاری نتوانند بکند
بقدرة الله تعالی طریفة حکما گفته اند اعتبارات چهار سقوط که اسباب
انقطاع از حضرت الوهیت است اول سقوطی که موجب اعراض بود و استیهان
بتبعیت لازم آید دویم سقوطی که موجب حجاب بود و استخفاف بتبعیت
لازم آید سیم سقوطی که موجب طرد بود و مقت بتبعیت لازم آید چهارم
سقوطی که موجب خسارت بود و بعضی دعوتی از حضرت و بعض بتبعیت لازم
طریفة بعضی در علم اخلاق نکر این مسئله که عدالت مجمع فضائل است
فلو دار مرتبه وسط است اشکال کرده اند و آن اینست که تفضل محمود
است و داخل نیست در عدالت چه عدالت مساوات بود و تفضل زیادت
میکند

چنانکه نقصان از وسط مذموم است و زیادتی هم مذموم مثلاً تفضل
مذموم بود و این خلفا شد بجواب آن اینکه تفضل خیاط بود و بعد از آن
تا از وقوع نقصان ایمن شود فتامل **طریفة** فقهیة للراقم الآثم

اختلفوا في صحة العبادة من الصبي للثواب الارادة فبعضهم قد قال بالتمرين
وعدم الصحة واليقين وذلك تمرينية اصلية ليس لها الجواب بالجلية
وبعضهم قال الى صحتها من جهة التمرين وهو وجها بان في التمرين الثواب له
وليس في الفعل الذي عمله وتلك تمرينية شرعية لها ثواب الغايات المرعية
وقيل في شرعية صحيحة بها لمثوبة صريحة وقد يرى هنا احتمال رابع
لم يلتفت فيه قائل وتابع وهو احتمال ان اصل العمل لم يراجع ولكن للولي
وقد يرى ايضا هنا احتمالا محتما وهو بان يقال لا مرادنا بالصحة التأثير
لما يعقبها تنوير قلب الصبي وتصفيره كما يصير بالعصيان لا يظلما

طریفة گویند اگر کسی این نقوش را با خود دارد بی خرجی نشود

طریفة للسعدی اگر شبها همه شب قدر بودی شب قدر بی قدر بودی
گر سنگ همه لعل بدخشان بودی پس قیمت لعل و سنگ یکسان بودی
طریفة ایضا له هر که را دندان تیز شود کند شود مگر قاضی که تیز شود
طریفة قیل در کلام بزرگان است که دنیا عاشق خود را تارک است و تارک
خود را عاشق **طریفة** لا ادری طغیان نمود بحر خیال ما بجوی دوست
چون سیل میرویم همه جا سر بزیر زمین **طریفة** گویند آیه ایست مختصر ولیکن
عظیم الاثر و فوائد کلیه از آن ملاحظه شد طریقه خواندن آن آنست که هر روز
هفت نوبت بخواند و از خانه بیرون رود اللهم انی اخافک و اخاف من لا یخافک
بحق من یخافک اکفنی شر من لا یخافک **طریفة** گویند بجهة تیمن دو رکعت
نماز بگذارند در رکعت اول حمد یکمرتبه آیة الکرسی و در رکعت دوم حمد و یک
مرتبه این آیه مبارکه را بخوانند که مجربست عسی الله ان یجعل بینکم و بین الذین
عادیتم

عادیتم منهم مودة والله قدیر والله غفور رحیم و در قنوت همنا در هفت
مرتبه بگوید اللهم صل علی محمد وآل محمد اللهم لین لی قلب فلان بن فلان کما
لینت الحدید لداود وسخر لی قلبه کما سخرت الریح لسلیمان و عادت را تمام
کند که البته مسخر گردد انشاءالله طریقة گویند بجهت ازدیاد عمر و دولت و برکت
اعدا و خوشحالی احبا این دعا را بخوانند یا با خود دارند که مجربست بسم الله
الرحمن الرحیم یا عزیز العز فی عزة ما اعز العزیز فی اعزه اعزنی بعزتک
وایدنی بنصرک وادفع عنی اعدائی بدفعک واجعلنی من خیار خلقک یا
احد یا احد یا فرد یا صمد طریقة در عمل شمع گویند این نسخه را امیر
محمد علوی از امیر ابرهیم تعلیم گرفته بیاورند توتیا را صلایه کنند و چهار
وزن توتیا آب چغندر بجوشانند و هر دو را صلایه کنند و خشک نمایند باز دو
مقابل توتیا زهره گاو و چهار مقابل زهره گاو شکر سفید بادام بیامیزند
وبا توتیا صلایه کنند بروز دیگر یعنی تلخیص کنند بعد از آن در بوته کنند در بالای
آبگینه سفید خوب کرده بر سر بوته کنند و بگذارند بروغن زیت اکثیر شمس نکو
بیرون آید بعد از آن بر فضه طرح نماید در نهایت خوبی باشد طریقة
در کتاب اخلاق ناصری مسطور است که حکمای قدیم را مثلی بوده است که در هیاکل
و مساجد آنرا اثبات کرده اند که فرشته که موکلست بر دنیا میگوید که در
دنیا خیری است و شری است و چیزی هست نه خیر و نه شر و هر که این سه را بشناسد
چنانکه باید بشناسد از من خلاص یابد و بسلامت بماند و هر که نشناسد
او را بکشم بتباه ترین کشتنی و آنچنان بود که من یکباره بکشم تا از من برهد
بلکه او را آهسته آهسته میکشم در زمان دراز طریقة گویند از حروف
تهجی حرفی است که انها را حروف الخواتیم گویند و آنها اینست آد ذر ز و لا
اگر این حروفها را بر دیوار قبله خانه یا اندرون خانه یا در صندوق نویسند روز
چهاردهم ماه حرزی باشد از دزد و موش و آتش طریقة لا ادری از نقطه حر
حرفهای ابجد که نمود وین طرف که غیر نقطه را اینست وجود انگشت حرف غیر گ
بر دارد

یك نقطه شود مرکز پرگار شهود **طریقه** گویند این دعا برواتی
از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مرویست از رسول خدا صلی الله
علیه و آله بجهت برکت در عمر و روزگار و شر حاسدان و اشرار و حفظ
از آفات و مضار حیوانات و غیرها بخوانند یا با همراه دارند
بسم الله الرحمن الرحیم اللهم یا بدیع الحساب و یا شدید العقاب
یا غفور یا رحیم یا خالق کل شیء یا فاطر السموات و الارض
یا فالق الحب و النوی یا فالق الاصباح یا مسبب الاسباب یا مجیب
الدعوات یا ولی الحسنات یا مقیل العثرات یا محیی الاموات
یا نور الارض و السموات یا غافر الخطیئات یا قاضی الحاجات
اقض حاجاتی فی هذه الساعة یا اله الاولین و الاخرین یا ذا الجلال
و الاکرام یا ارحم الراحمین و صلی الله علی محمد و آله اجمعین اللهم
لك الحمد و الیك المشتکی و انت المستعان لا حول و لا قوة الا بالله
العلی العظیم برحمتك یا ارحم الراحمین **طریقه** در کتاب وسیلة
السعادت ترجمه مجمع الدعوات آورده انکه مرویست که خداوند نعم
حضرت یوسف را بحضرت یعقوب رسانید این دعا را خواند هر که
بخواند هر چه از خدا طلب نماید با و عطا کرده شود بسم الله الرحمن الرحیم
یا من خلق الخلق بغیر مثال و یا من بسط الارض بغیر اعوان و یا من
دبر الامور بغیر وزیر و یا من یرزق الخلق بغیر مشیر و یا من یخرب
الدنیا بغیر انشاء **طریقه** ایضا فیه دعائی که آصف تخت بلقیس را
حاضر کرد و حضرت عیسی مرده را زنده کرد هر که بخواند و هر چه بخواهد
مستجاب گردد آنست اللهم انی اسئلك بانك انت الله لا اله الا
الحی القیوم الطاهر المطهر نور السموات و الارضین و در روایت
دیگر رب السموات و الارضین عالم الغیب و الشهادة الکبیر المتعال
المنان

المنان ذوالجلال والاکرام ان تفعل بی کذا و کذا طریقه ایضا
او عطا منقول است که مکرر بتجربه رسیده و اسم اعظم در این کلمات است بسم
الله الرحمن الرحیم یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا رحمن یا نور یا نور
یا ذا الطول یا ذا الجلال و الاکرام طریقه بتجربه رسیده انکه در کل
عروض امور صعبه خواندن این ذکر بسم الله الرحمن الرحیم و لا حول
و لا قوة الا بالله العلی العظیم و صلی الله علی محمد و آله الطیبین
الطاهرین که حاملین عرش بجهة آسانی حمل آن انها را خوانند سهل
گردیدند موجب سهولت انها خواهد شد طریقه قال الشیخ احمد
الاحسائی ره فی کتاب الفقه الرضوی شاع نسبته الی مولینا الرضا علیه السلام
والامر غیر محقق فان کلامه لا یشبه کلام المعصوم و لا یشبه من المعتبرین
الذین یعتمد علی اقوالهم و اطلاعهم و لا یبعد ان یکون من تالیفات علی
الحسین بن بابویه بل صرح بعض الافاضل ان المراد بالرسالة التی کتبها
علی بن الحسین بن بابویه لابنه الصدوق محمد و لیس ببعید فان کثیرا مما فیه
موافق لما ینقله فی الفقیه عن الرسالة والله اعلم و هو غیر صحیفة الرضا ع
طریقه گویند جرجیر را بقلة عایشه میگویند چنانکه خرفه را بقلة فاطمه
و ناصبین لعنهم الله او را بقلة الحمقا نامند طریقه فی الکافی عن
عبدالله بن الجبلة الکنانی قال استقبلنی ابوالحسن ع و قد علقت سمکة فی
یدی فقال اقذفها انی لاکره للرجل السری ان یحمل الشیء الدنی بنفسه ثم
قال انکم قوم اعداؤکم کثیرة عاداکم الخلق یا معشر الشیعة انکم قد عاداکم الخلق
فتزینوا لهم ما قدرتم علیه طریقه عن جابر بن عبدالله عن امیر المؤمنین علیه السلام
فی حدیث یؤدی الی موجبات الغم الی ان قال و ما من شیء من هذه یفعله
احدکم الا اورثه غما لا اصل له فتجنبوه انتهی و من الاشیاء المشار الیها فی
هذا الحدیث شرب اللبن فی یوم الاربعا و البول قائما و قطع الرحم و رد السائل
والکذب

والكذب والنوم على الوجه وعمل البناء الدبر والتختم بحاقين والجلوس على الزبالة والتجاوز على التراب الطروح ولبس نعل اليسار قبل اليمين ومسح الوجه بالذيل **طريفة** قال الشيخ المشار اليه المذكور روى عن النبي صلى الله عليه وآله انه جاء رجل فقال ان الدنيا قد ادبرت عني وذلت فقال له اين انت من صلوة الملائكة وتسبيح الخلائق وبه يرزقون وهو سبحان الله وبحمده سبحان الله العظيم ثم استغفر الله مائة مرة تأتيك الدنيا صاغرة فولى الرجل ثلثة ايام فلم يره ثم عاد الى النبي صلى الله عليه وآله فقال يا الذي بعثك بالحق نبيا لقد اقبلت الدنيا على ادري اين اضعها ويقرب من ذلك ما روي عن الكاظم عليه السلام في طلب الرزق وهو ان تقول عقيب صلوة الصبح ثلثين مرة سبحان الله العظيم وبحمده استغفر الله واسئله من فضله **طريفة** ما نقل عن امان الاخطار لابن طاوس ره ذكر حديثا اخر في نقش الفص لحديد الصيني وهو ان رجلا دخل الى سيدنا ابي عبد الله عليه السلام فقال انا سيدي اني خائف من والي بلد الجزيرة واخاف ان يعرض لي اعدائي ولست امن على نفسي فقال ع استعمل خاتما فصه حديد صيني عليه من ظاهر ثلثة اسطر الاول اعوذ بجلال الله الثاني اعوذ بكلمات الله الثالث اعوذ برسول الله وتحت الفص سطران الاول امنت بالله وكتبه الثاني وانوق بالله ورسله وانقش حول الفص على جوانبه اشهد ان لا اله الا الله مخلصا وهذه صورة الفص اذا خفت اذى احد من الناس فالبسه فانك تنجوا منه وكذلك

	اشهد	
	اعوذ بجلال الله	
	اعوذ بكلمات الله	
	اعوذ برسول الله	

ان لا اله الا الله

حوائجك تنجح ومخاوفك تزول وكذلك علقه على المرأة التي يتعسر عليها الولادة فانها تضع بمشية الله تعالى وكذلك من يصيبه العين فانها تزول عنه ولا تحدث عليه من النجاسة والله هو منه ودخول الحمام والخلاء واحفظه فانه من اسرار الله عز وجل ثم التفت ابو الحسن عليه السلام علينا وقال انتم ممن خاف على نفسه فليستعمل ذلك واكتموه عن اعدائكم لئلا ينتفعوا به ولا تنجوا الا لمن تثقون به وقال الراوي لهذا الحديث قد جربت هذا الحديث فوجدته صحيحا **طريفة** عن هشام بن سالم عن الصادق جعفر بن محمد

محمد عليهم السلام انه قال في حديث يذكر فيه قصة داود ع انه خرج يقرأ الزبور
وكان اذا قرأ الزبور لا يبقى جبل ولا حجر ولا طائر الا اجابه وانتهى
الى جبل فاذا على ذلك الجبل نبي عابد يقال له حزقيل فلما سمع دوي
الجبال واصوات السباع والطير علم انه داود وسئلني العافية قال
فاخذ حزقيل بيد داود ورفعه اليه فقال داود يا حزقيل هل هممت بخطيئة
قط قال لا قال فهل دخلك العجب مما انت فيه من عبادة الله عز وجل
قال لا قال فهل كنت الى الدنيا فاحببت ان تاخذ من شهواتها ولذاتها
قال بلى ربما عرض مثل ذلك بقلبي قال فما كنت تصنع اذا كان ذلك
قال ادخل هذا الشعب فاعتبر بما فيه فدخل داود الشعب فاذا سرير من
حديد عليه جمجمة بالية وعظام فانية واذا لوح من حديد فيه كتابة
فقرأها داود ع فاذا فيها انا اروى بن سلم ملكت الف سنة وبنيت الف
مدينة وافتضضت الف بكر فكان آخر عمري ان صار التراب فراشي
والحجارة وسادتي والديدان والحيات جيراني فمن رآني فلا يغتر بالدنيا
طريقة قيل كل عضو من الحيوان خلق زوجا والذي لا يرى زوجا
فهو ذو شفتين كما يظهر بالتأمل في الكتب الكثيرة قال الله تعالى ومن
كل شيء خلقنا زوجين لعلكم تذكرون طريقة كلمه منضا فركرده
الستة علما فه واصول استعمال ميشود بضبا واختصارات و
باصطلاح امثال اچنانكه دراغلب كتب آورده اند غلط است ومرحوم آقا جمال
خونساري قدس سره تصريح باين مطلب نموده اند در كتب خود طريقه
گويند از حضرت امام حسن عسكري عليه السلام مرويست كه مفاد آنكه
هرگاه غره شهر رمضان معلوم نباشد ملاحظه ميكني ايام هفته را
كه چه روزي اول شهر رمضان گذشته بوده و يوم احد را يكي ميگيري و
اثنين را دو وهكذا تا شنبه كه هفت ميگيري پس از آن عدد دوازده را

بر عدد

بر عدد مذکور تا نوزده بیفزائی و از هم هفت هفت طرح میکنی هر چه
باقی ماند یکی را از آن ناقص میکنی باقی همان روز عدد غرهٔ شهر رمضان
حاضر مجهول الاول خواهد بود فتامل مثلاً سال گذشته غرهٔ شهر رمضان
روز پنجشنبه بود و عدد آن پنج است اضافه میکنی بر او عدد دوازده را
مجموع هفده میشود دو هفت از آن طرح کن سه باقی میماند یکی از او ناقص
میکنی دو میماند و از بعد روز دوشنبه است پس غرهٔ ماه رمضان این
سال حاضر روز دوشنبه خواهد بود والله العالم طریفة نقل عن
مولانا الصادق علیه السلام فی باب النهی عن التداوی بالخمر انه قال لا والله
لا یحل للمسلم ان ینظر الیه فکیف یتداوی به طریفة فی البحار عن ابی
اسامة الشحام قال سمعت ابا عبد الله ع یقول ما اختار جدنا ص للحمی
الا وزن عشرة دراهم سکر بماء بارد علی الریق طریفة عن علی علیه السلام
قال لا یصلح الثوم الا مطبوخا طریفة فی الحدیث قال ع ذکرنا اهل البیت
شفاء من الوعک والاسقام ووسواس الریب طریفة راقم گوید شاید
یکی هم از ذکر ایشان همین مرثیه خوانی و بیان مصائب و مدایح و مناقب
ایشان باشد چنانکه بجهة شفای امراض مستعمل اهل این زمان شده طریفة
فی البحار عن محمد بن سنان عن الرضا علیه السلام قال سمعت موسی بن جعفر ع وقد
اشتکی فجاءه المترفقون بالادویة یعنی الاطباء فجعلوا یصفون له العجائب
فقال این یذهب بکم اقتصروا علی سید هذه الادویة الهلیلج والرازیانج
والسکر فی استقبال الصیف ثلثة اشهر فی کل شهر ثلاث مرات وفی استقبال
الشتاء ثلثة اشهر فی کل شهر ثلث مرات ویجعل موضع الرازیانج مصطکی
فلا یمرض الا مرض الموت طریفة قیل عن مجاهد فی قوله تعالی وان منکم الا
واردها قال من حم من المسلمین فقد وردها وهو حظ المومن منها طریفة
قیل عن ابن سیرین قال اذا بلغ اربعین سنة لم یحتجم طریفة قیل فی البلاد الحارة

نحج من الفصد والفصد في البادية انجح من الحجم طريفة في البخاري
عن ابي عن الصادق ان بعض اهل بيته ذكر له امر عليل عنده فقال ادع بمكتل فاجعل
فيه برا واجعله بين يديه وامر غلمانك اذا جاء سائل ان يدخلوه اليه فيناوله
منه شيئا ويامره ان يدعو له قال افلا اعطي الدنانير والدراهم قال اصنع
ما امرتك به فكذلك رويناه ففعل فرزق العافية طريفة قيل لبن الشاة
السوداء خير من لبن الحمراء ولبن البقرة الحمراء خير من لبن السوداء طريفة
قيل البصل يذهب البلغم ويشد القلب ويذهب الحمى ويطرد الوباء بالمنع والقهر
طريفة في الحديث من كتم وجعا ثلاثة ايام من الناس وشكى الى الله عز وجل نجى
طريفة في الحديث من جاع او احتاج وكتمه من الناس ومضى له الله ثم كان
حقا عليه ان يفتح له رزق سنة حلالا طريفة في الحديث من اكل ما يسقط
من المائدة عاش ما عاش في سعة من رزقه وصرف الله تعالى عن ولده من الحرام
طريفة في الحديث اذا لم يكن للرجل تجارة الا في الطعام طغى وبغى طريفة في الحديث
من احتكر على المسلمين طعاما ضربه الله تعالى بالجذام والافلاس طريفة في الحديث
ثلاث لقمات بالملح قبل الطعام تصرف عن ابن ادم اثنين وسبعين نوعا من
البلاء منها الجنون والجذام والبرص ومن اكل الملح قبل كل شيء وبعد كل شيء رفع
الله تعالى عنه ثلثمائة وستين نوعا من البلاء اهونها الجذام طريفة في الحديث
كان يأكل العشاء بالملح ويأكل البطيخ بالجبن طريفة في الحديث نفقة درهم
في سبيل الله بسبعمائة ونفقة درهم في خضاب الحناء بتسعة الاف طريفة في
الحديث اذا اكلتم الفجل واردتم ان تجتنبوا نتنه فصلوا على النبي عند اول قضمة منه
طريفة في الحديث كلوا الثوم فان فيها شفاء من سبعين داء طريفة
في الحديث قال صلى الله عليه وآله ما قال عبد عند مريض اسأل الله العظيم
رب العرش العظيم ان يشفيك سبع مرات الا عوفي طريفة في الحديث من
اراد ان لا يصيبه ريح في بدنه فليأكل الثوم كل سبعة ايام مرة ومن اراد ان
لا تفسد اسنانه فلا يأكل حلوا الا بعد كسرة خبز طريفة قيل التخلل على الشبع

يحرك

في اول الليل شتاء وصيفا يوجب الفلج والقوة والنقرس وضعف البصر
كما في الحديث طريفة في البحار الاوقية تطلق على اربعين درهما وعلى
سبعة مثاقيل وفي عرف الاطباء عشرة دراهم وخمسة اسباع درهم طريفة
في الحديث من اعجبه من اخيه شيء فليبارك عليه فان العين حق طريفة في
الحديث قال رسول الله ص ما رفع الناس ابصارهم الى شيء الا وضعه الله
طريفة قيل اختلف في ان الساحر اذا قتل بسحره احدا فهل عليه قصاص
او دية ام لا قيل لا لاصل البرائة وان هذا القتل ليس من افراد القتل
المتعارفة قيل نعم للعموم والكل لا يخلو من نظر فتدبر طريفة گويند در عمل شمس
بگیر زیبق را یک مثقال و زحل دو مثقال و زحل را بگداز زیبق را داخل آن کن
بعد از آن با تیزاب فاروق بکوب و تصلایه کن و بعد تصعید کن که سرخ میشود
و طرح کن یکی را بر ده زهره شمس گردد انشاء الله و تیزاب فاروق را چنین گویند
شوره ۲ زاج ۱۲ شب ۶ اگر شب نباشد زاج ۱۲ اضافه نمایند و هم صلایه نمایند
و در کوزه آب ندیده کنند و آب بران ریزند و در آفتاب بگذارند و ظرف چینی
در زیر کوزه گذارند که تیزاب قطره قطره از کوزه بظرف مذکور جمع و قدری
آب جا او زنند که چون شیر شود تیزاب فاروق اینست بلا فرق فاعمل و جرب و
الله العالم طريفة في الحديث كما في البحار سلمان خير من لقمان وهو مروي
عن الصادق ع طريفة في البحار قالوا المعراج خمسة احرف فالميم مقام الرسول
عند الملك الاعلى والعين عزة شاهد كل نجوى والراء رفعة عند خالق الورى
والالف عند انبساط مع عالم السر واخفى والجيم جاهد في ملكوت العلى طريفة
في الحديث معراج ابراهيم عليه السلام السماء الدنيا لقوله تعالى وكذلك نري ابراهيم ملكوت
السموات الاية طريفة في البحار روى ابو حمزة الثمالي رض عن زيد بن علي عليه السلام
انه قال انه لارجو للمحسن منا اجرين واخاف على المسيء منا ان يضاعف له
العذاب ضعفين كما وعد ازواج النبي ص طريفة في مجمع البيان قال
عبد الله بن مسعود ايما رجل جلب شيئا الى مدينة من مدائن المسلمين صابرا محتسبا

فباعه

فما صبر بعد يوم كان عند الله عز اسمه الشهداء ثم قرأ وآخرون يضربون في الأرض
الآية طريفة قيل الفرق بين الغضب والغيظ ان الغضب مو ضد الرحم من
اتي موضوع شدة والغيظ من هيجان الطبع بتكره ما يكون من المعاصي ولهذا
يقال غضب الله ولا يقال اغتاظ الله طريفة قيل في الحديث قال رسول الله
أنا قائد العرب الى الجنة وسلمان قائد العجم الى الجنة طريفة گويند حديث
استنكار طهارت بنده گناه خواب رفیق موجب سبکی بدن بعد از ... از جانی که
طمع نداشته باشد طريفة نقل عن العالم المازندراني في شرحه على الأصول لقد
رأى بعض الصالحين ممن اصدقه في حقائقه جماعة من الناس في جنب كل
واحد منهم كلب بحقيقة الكلبية وصورته لرذنب في اذنه عيشانه در راس وفم
وشفه مثل الكل المشاهد قيل مراده من هذا البعض هو مولانا المجلسي الأول
قدس سره الأجل طريفة قيل للعتق يذكر الغنى والمعنى بعد اللفظ وهو عجز
طريفة روي عن النبي ص القيام قبل الصبح يورث ثلاث خصال الصحة في
البدن وسعة في الرزق ومحبة في قلوب العباد طريفة گويند جهة رفع ضلع
بانگشت شهادت بر پیشانی بنویسند که بعض حمعسق قرآن طريفة گويند
جهة علاج وغاف حاو نشاستر و کافور را آگر بنده و خمیر نموده بر سر ما لند بند
شود طريفة یکی از اطبا میگوید میوه خوران کم تندرست باشند و اگر
جاها که میوه بسیار باشد بیماری بسیار باشد طريفة صاحب تجربه میگفت
در استرآباد شخصی را دیدم که زمستان در آبهای یخ نشستی و تخته‌های
یخ را سوراخ کرده در گردن افکندی و روی یخ برهنگی بدی مروحه
بدست و ظرفی پر آب یخ رو کشند دیگری را شیء آن را بر سر ریختی و بوی نعره خوباد
زدی و بوی گفتا دیش از یخ بستر بود و معتزلات اظهار گرمی هوا کردی چون
هوا گرم شدی بعکس دیگر چند جامه پوستین پوشیدی و متصل خود را با آتش
گرم کردی و چنان نمودی که میلرزد و بسا ها بود که بدن ... میکند ز اینکه
و تن درست و خوش حال بودی طريفة و ایضا میگوید شخصی بود او را ملاکوند
میگفتند و هر زال بود یکی اب بگردد و غلبه میرود طريفة گويند جهة رفع کرم

و ملح آیة الکرسی را بخوانند و بر چهار گوشه باغ فرو برند طریقة گویند
که من اکل طعاماً بشهوة رحمه الله ثم الحکم علی قلبه بعضی گویند معنی شهوة
آنست که بهوس خورند نه با اشتهای طبیعی و طریقة الاطبا گویند باید
قطع طعام با اشتها شود نه قطع اشتها بطعام طریقة گویند حکمای
هند را این عادت بطور معالجه میباشد که در هر صباح که از خواب
برخیزند سه لقمه نان خشک یا سفوف دیگر که کار او کند خورند و بعد
از آن اشتغال بامور کنند طریقة گویند یکی از قواعد مشهوره جوگیان
اهل هند در حفظ صحت و اطالهٔ عمر عدم اخراج منی است از خود و چنان
مراعات این امر را مواظبند که اگر احیاناً ایشان را احتلام افتد آنرا انجام
بشویند و بخورند تا ضایع نشود و از قواعد ایشان افکندن پوست هیچ
مار که سالی یک پوست افکند و تازه میشود و درازی عمر مار را از این عمل
دانسته اند و بعد از پوست افکندن بادویهٔ مقرره مویهای که بر ابدان
ایشان روئیده میشود سیاه میباشد اگرچه بسیار معمر هم باشند طریقة
گویند بعضی از جوگیهای هند چون در امعا خود قصوری یابند از طرف شب
روده‌ها خود را بیرون آورند باز گردانند و با بهای ادویهٔ مناسبه
بشویند و بالای نیند تیمار کرده بجود باز کشند و بعضی هستند که نفس را
فرو گیرند و در درون خود آنرا حرکت دهند چنانچه هر عضوی را که خواهند
تا قوی شدن تمام دم را بدانجا مایل گردانند و در مداخل آن ضرر برند بتو
و آنرا بزرگ کنند چنانکه گویا ورم کرده و باز بجای اصلی عود دهند یکی از
اطبا میگوید من جوگی را دیدم که دم میگرفت و در شکم خود روده‌ها را
چنان حرکت میداد که آنرا از بیرون پوست شکم او کسی میدید که جز بجمع
کشته پوست را بلند بحد اشتر هر طرف میبرد و در آن حین شکم او قرار عظیم
میکرد طریقة گویند بتجربه چنان یافته اند که کام طفل را بهر چیزی که بر دارند

در وقت

ودر مدت عمر از آن کژدم مضرت نیابد حتی عقرب با ما دیده بزدن نتواند از عقرب رها
الو نیابد طریقه گویند اگر طفل را قابل عمر مرض ام الصبیان گرفتار
شود دکی او را غوغره لا بد مبتلی خواهد گردید والله العالم طریقه بعضی از
اطبا گویند وهو خواص چنین یافته ایم که در سه چهار شنبه آخر ماه چون برابر
ماه شد نوبت تو لو را انجا و بجا از طرف تن بخارج بمالند وبگویند ای ماه
همچنانکه تو میکاهی این را بکاهان وبعد سه نوبت بگویند وهر شب نوبت
بجاروب آب بر زمین زنند تا ثالول هر چند غلبه کرده باشد با هستی ببرند
ودفع شوند باذن الله تم طریقه گویند سبب پیری ابر شدن سطوح باطن
است از عروق قد شرایین واما و معده وغیرها بجهة مرور رطوبات بر آنها
چنانچه در حوض حمامها مشاهده میشود طریقه گویند حکما هند سیر خام را
عظیم معتقد بوده اند ومن بر آنم از حفظ صحت به بدن تعلق میداشته اند از جهة
تریاقیت او سموم حیوانی را وتریاق همه اینها مخالف پیاز است سیما پرورده
بسرکه طریقه گویند ناهار خوردن چند دانه رازیانه خشک بوییدن
بیار و نزله نهایت موثر و نافع خواهد بود طریقه اطبا گویند ریش از آن حضر
آب عکس کند بحکم رابطه خلقی که در آن عضو ذکور را واقع است طریقه
گویند مالیدن آب نمک در حمام بر بدن موجب منع تولد شپش خواهد بود
طریقه گویند هرگاه بشره از آفتاب سیاه شده باشد پیه مرغ را با موم بگدازند
و با آرد نخود بصورت عا بمالند وبا آب گرم بشویند طریقه دزد خرس
المعده اینکه بیخ واهله عصیر را بجوشانند ودر آفتاب نهند تا بسته شود
بیالایند ودیگر بار بیخ واهله را بجوشانند بر آفتاب نهند ومکرر
تا چنانکه پر عرق بیان بیالایند موی آن بر قدری قدری روغن کدر آن بریزند
وبا تش نرم بجوشانند تا آب برود وروغن بماند چون از این روغن طلا کنند
موی را بسترد وهیچ نروید اگر نوبت شاخه هم جزو داخل سازند
قوی بود طریقه گویند اکثار در اکل لبنیات واینها موجب تولد شپش خواهد

بود

بود و گوشت بنو بسیار مولد عظیم است در این باب طریفة گویند یکی
از موجبات فربهی لقمه بزرگ فرو بردنست طریقة گویند بجهة
علاج نزله که تعلق بسینه و زکام که تعلق به بینی دارد شستن سر بصابون
و سر را بر بخار سلغم و طبیخ بابونه داشتن نافعست طریفة گویند
کسانی را که کثیر الفکر یا سوداوی مزاج باشند زکام مفید خواهد
بود طریفة گویند بجهة ترک کردن لبها خوردن یا چرب کردن پیه بوشت بسی
نافع خواهد بود طریفة گویند جالینوس گفته بجهة اسهال پنیر سوخته
قدری بسوزنید مسحوق چندانکه سوده او کم شود و بروی انگشتان فرو
آن را بریان کنند و بخورند نافع خواهد بود انتهی طریفة گویند بجهة
احتلام بلادر را با کنجد کوفته بقانون مقرری بخورند طریفة بعضی
اطبا گویند بجهة امساک منی چنان تجربه کرده اند که در حین افتادن بر امثال
لحظه در مبا شرت در ابتدای وقوع لذت غلبه خود را باز کشد و ترک کند
چندانکه نعوظ تخیال آن برطرف شود دیگر بار استعمال نمایند و چون
بقرب انزال رسند دیگر همچنان باز ایستند و بدین مداومت اخراج انرا
نکنند و اگر احیانا واقع شود باز باشند از حرکت یا نعوظ باز بقوت شود
عمل انزال دیگر خود را همچنان منع کند بدین ممارست قوت عظیم در جماع
و منع منی حاصل گردد لذت عظیم ما بین زوجین پدید آید اگر چه این عمل
بسا موجب درد خصیه میشود و لکن بسیار مجرب گذرد طریفة گویند
برگ درخت سپید بر جراحات ضماد نمایند بر احته اینجراحت او را رد و پاک
میکند و ملایم میگرداند و مکرر تجربه شده و اگر برگ تازه نباشد برگ
خشک آن نیز موثر است فاغتنم طریفة گویند هر حرفی که بحسب عدد
مرتبه اول دارد از آحاد و عشرات و مئات و الوف متعلق بفلک الافلاک
خواهد بود مثل ا ی ق غ و هر حرفی که مرتبه دویم دارد متعلق بفلک البروج
مثل ب ک ر و هکذا الی آخر المراتب طریفة گویند حروف جمل مشار مدبر
گونه

گویند ابجد تعلق بزحل دارد هوز تعلق بمشتری حطی کلمن تعلق بمریخ دارد
سعفص تعلق بشمس دارد قرشت تعلق بزهره دارد ثخذ تعلق بعطارد
دارد ضظغ تعلق بقمر دارد طریفه گویند هر اسم از اسماء الهی را که حرف
آن اسم بر اول حرف ملکش مقدم دارند اسم ملکی بوده باشد چنانچه در اسم علیم
مثلا چون حرف میم را مقدم بر حرف عین دارند و کلمه ئیل را از خارج اضافه
کنند اسم ملکش معلیائیل است و این قاعده ایست از قواعد مقرره طریفه
گویند عقل در مقام افاضات نورانیه و نفس بمنزله شمس است نسبت بقمر و بدن
بمنزله ارض است و چنانکه حیلوله ارض مانع از اشراقات شمس و
موجب خسوف میگردد همچنین تعلقات بدنیه طبیعیه مانع شوارق عقلیه
میگردد از برای نفس قمر طریفه یکی از حکما گوید مجاورت ابوالشرور
و ابوالدواهی در معقولیت با نقطه خاتمیه م یلتوض ابیست که خدای
تعالی مجعل داشته از برای نها چه مجاورت با غیر جنس عذابی است از برای
ناقص از طرفین چنانکه گفته اند روح را صحبت ناجنس عذابیست الیم
طریفه قیل ان التبلیغ و التعلیم و نحوهما انما هی من فوائد وجود الانبیاء
و فوائد نصب الاولیاء لا انها تکون غایة لوجودهم و الا لکان ذلك اکثر
و افضل و اهم و اتم فی عنایة الله و نظره تعالی من وجودهم کما هو شان کل غایة
مع مغیاها قم طریفه قیل مطابقة قرائة الصلوة لقرائة واحد من
القراء السبعة لازمة الا فی ترك البسملة من السورة طریفه گویند و بتو دا
کرا و را موبرلت عسلی گویند هرگاه با عسل و دوشاب و سپستان طبخ داده
مثل خیاط تو بپنبه هند و بر روی آنها و گذارند طیوری که بران نشینند پا
بسته گردد و صید شوند طریفه گویند هرگاه بیخ ترش را در میان
طبیخ دهند بجهت دفع اسهال نافع خواهد بود طریفه مضمضه کردن
بآب طبیخ پوست انار ترش بجهت تقویت لثه نافع خواهد بود طریفه گویند
مشت

شب یمانی را هرگاه در جامه خواب گذارند مانع از احتلام خواهد بود
و همچنین زاج را در زیر جامه نگاه داشتن همین اثر دارد طریفة گویند
رافع بوی پیاز خائیدن نان سوخته و گردکان مشوی و باقلا طریفة
گویند هرگاه سنگ گچ را بروغن زیتون و اندکی بوره و شب یمانی بیامیزند
و بر نوشتجات بیالایند ازاله کتابت میکند و بر جامه‌ها باعث قلع چرک
و چربی او میگردد طریفة گویند تعلیق سنگ آتش زنه بر ران زنان
کرده و لنگر بسته باشند جهت عسرت ولادت موثر است طریفة گویند هرگاه
حدیده را با رصاص یا مرقشیشا یا دهج الفار یا زرنیخ گدازند مرتبه در صابون
زود گداز میشود طریفة گویند آب آهن تافته بغایت مقوی باه و قابض
و رفع هیضه و اسهال مزمن بواسیری کند طریفة گویند بخور اسپند بجهت
درد دندان موثر است تعلیق او در لنگر کوه دافع سحر است و افشاندن او
در خانه باعث تفرقه و بخور آن مبطل این اثر است طریفة گویند سیر مرغ
و خوردن بجهت نرم کردن صلابات و مواد سوداوی و طلا نیم گرم او بر سر
جهت مالیخولیا عجیب النفع است طریفة گویند مداومت بر شیره انگور
با شیر تازه و اندک بادام جهت هزال مفرط و خفقان و ضعف احشاء
عجیب الاثر خواهد بود طریفة گویند بتجربه رسیده هرگاه بعد از خوردن
طعام دست را بر محاذی شکم و معده برند و هفت مرتبه بمالند و هفت مرتبه
صلوات فرستند از نفخ شکم ایمن گردد انتهی طریفة گویند هرگاه
سوره مبارکه عم را نوشته و بشویند صاحب اسهال بیاشامد زایل گردد
انتهی طریفة ایضا گویند بجهت دفع اسهال قهوه را بطریق نخود برشته
کنند کرمیا نشود و بخورد بغایت موثر خواهد بود انتهی طریفة گویند
از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که حضرت خلیل را قرحه در جگر
بهم رسید دعا کرد حق تعالی باو وحی فرستاد که شیره انجیر را بر سینه خود بمالد
چنان کرد برطرف شد طریفة گویند در حدیث است که بجهت درد پا از اول

سوره انا فتحنا تا عزیزا حکیما بخواند شفا یابد **طریقة** گویند از جمله
خواص شین اینست که اگر کسی خواهد با خصمی در مخاصمه و محاوره غالب آید
بجوید که قادر بر جواب مطلقا نباشد اسم خصم را در میان بینه و بین امتزاج
و هر چه را ممکن باشد متصل و غیر ممکن را منفصل نوشته در دست گرفته
با او گفتگو کند خصم عاجز آید باذن الله تعالی مثلا قمر نام را چنین نویسد
که در او انفصال است قمر و شمس نام را چنین نویسد که در او
اتصال است شمس **طریقة** گویند این چهار اسم را در مربع چهار
در چهار بر روی اطلس زرد با شنجرف بنویسد اگر پادشاهی بر شقه علم
بزند و بنویسد هیچ لشکر با او مقابله نتواند کرد و هر که با دارنده این لوح

القاهر	المقتدر	القوی	القادر
القادر	المقتدر	القوی	القاهر
القادر	[illegible]	القوی	[illegible]
القاهر	[illegible]	[illegible]	[illegible]

مجادله کند مقهور گردد و در وقت نوشتن بخور
شرط است و در ساعت سعد بهتر است و در
این مربع غرائب بسیار است **طریقة**
گویند عمر بن خطاب علیه اللعنة والعذاب با ام کلثوم دختر حضرت امیر ع
پسری داشت اسم او زید بود و قبرها فیه **طریقة** فی عمل ثری گویند خرزهره
که در راه کربلای معلی یافت میشود اگر آب آن را بگیرند و مشتری را
گداخته هفت مرتبه در آن ورید هر مرتبه آب آنرا عوض نمایند قمر خالص گردد
انتم **طریقة** سزاوار است متهجدین بعد از هشت رکعت نوافل لیلیه
این دعا را که معمول است از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بخوانند و ترک ننمایند
بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی اسئلک بحرمة من عاذ بک منک و لجأ
الی عزک و استظل بفیئک و اعتصم بحبلک و من لم یثق الا بک یا جزیل
العطایا یا مطلق الاساری یا من سمی نفسه من جوده وهابا ادعوک رغبا
و رهبا و خوفا و طمعا و الحاحا و الحافا و تضرعا و تملقا و قائما و قاعدا
و راکعا و ساجدا و راکبا و ماشیا و ذاهبا و جائیا و فی کل حالاتی اسئلک
ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تفعل بی کذا و حاجت خود را ذکر نماید **طریقة**
نویسد

گویند از حضرت صادق علیه السلام مرویست که بجهة سهولت کارها و خلاصی از حوادث یکصد مرتبه این دعا را بخوانند یا با خود دارند مؤثر خواهد بود انشاء الله و از مجربات است البته بسم الله الرحمن الرحیم سهلا بفضلك یا عزیز برحمتك یا ارحم الراحمین **طریفة** گویند بجهة عزت یافتن در مجلس ظالمان و کافران این نقوش را همراه خود داشتن نافع خواهد بود انشاء الله تعالی ١١١ ١١٩ ١١ ه ط م ١٦ ا ک ١١ ▭ لا ا م الا انت سبحانك انی کنت من الظالمین

طریفة گویند هر که این مهر را با خود دارد محبوب همه کس گردد انشاء الله تعالی

کج ههللله لهههههو ٤علللهم٩ ح٧ ١١١هه **طریفة** گویند بجهة رفع درماندگی خواندن این کلمات نافع خواهد بود انشاء الله یا حی یا قیوم برحمتك استغیث واغفر لی سیئاتی و فرج همی **طریفة** در کتاب طالیس هرروس آورده چون مریخ بحمل در آید نوده الف بنام آنکس که خواهد نقش کند بر پاره مس و در آتش اندازد بدین صورت ▽ که محبت را اثری عظیم دارد باید که قمر در اسد بود اما باید بشکل مثلث بکشد و در اندرون آن بنویسد و این شکل را با خود داشتن ایمنی از اعدا بخشد و در وقت مجامعت با خود داشتن قوتی عظیم دارد و منقطع نگردد و این شکل را در آب کاسنی انداخته بیاشامد اشتها پیدا شود و بعورت بستن موجب حمل نگردد و در خواب نترسد و دیگر چیز خواهد بود **طریفة** ایضا در آن کتاب نوشته بیست حرف نا بر کاغذ و مانند کلاهی بر سر گرفتن و چهل عدد نوشتن آن و بر دماغ گرفتن موجب قطع رعاف خواهد بود **طریفة** فی کشکول الشیخ احمد الاحسائی در حروف السکون ا ع ی ح ص ض ح ح ح وهذه حارة رطبة و باردة رطبة و لو فارقتها لما حصل بها السکون اصلا لان هذه الطبیعة من اجلها یکون السکون لان السکون فیه راحة الابدان و فیه الامر الکلی و فیه التعریف الاکبر لطلب الرزق فمن اراد ذلك فلیکتبها فی قطعة من فضة یوم الخمیس و یحملها معه فیاتیه رزقه من حیث لا یحتسب و من کسدت علیه صنعته فلیکتبها علی باب حانوته و یبتدئها بحرف الالف لانه مفتاح الحروف فان الغالب یاتی الیه باسره.

بانسوء ولا يرى بعد ذلك كسادا طريقة انه قد روى ان رجلا جاء الى امير المؤمنين عليه السلام فقال له انى اجد ضيق رزق ضيقا فقال له لعلك تكتب بقلم معقود فقال لا فقال لعلك تمشط بمشط مكسور قال لا قال لعلك تمشى امام من هو اكبر سنا منك قال لا قال لعلك تنام بعد الفجر قال لا قال لعلك تركت الدعاء للوالدين قال نعم يا امير المؤمنين فقال له فاذكرهما فانى سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول ترك الدعاء للوالدين يقطع الرزق طريقة لا ادرى عنا ترى ذا البخل الغيبا افرش تحتك امحار طريقة في حديث على بن مهزيار عن القائم عليه السلام الى ان قال فقلت متى يكون ذلك يا ابن رسول الله صلى الله عليه وآله فقال اذا حيل بينكم وبين سبيل الكعبة باقوام لا خلاق لهم والله ورسوله منهم برآء وظهرت الحمرة في السماء ثلاثا فيها اعمدة كاعمدة اللجين يتلالؤ نورا ويخرج السروسى من ارمينية وآذربيجان يريد وراء الرى الجبل الاسود متلاحم بالجبل الاحمر طريقة گويند هرگاه اين نقش خاتم سليمان را زن همراه خود دارد از شر جن



و پرى وعقرب ومار در حفظ الهى خواهد بود انشاء الله تعالى طريقة في الوسائل عن الرضا عليه السلام قال من خرج في حاجة ومسح وجهه بماء الورد لم يرهق وجهه قتر ولا ذلة ومن شرب من سؤر اخيه المؤمن يريد به التواضع ادخله الجنة البتة ومن تبسم في وجه اخيه المؤمن كتب الله له حسنة ومن كتب الله له حسنة لم يعذبه طريقة در كتاب طالبوس مذكور است كه حرف صاد را بر صفحه از رصاص يا بر نقره از حديد نقش كن بجهة عقد اللسان مؤثر است و حرف صاد را ابدا هلال آثار است بدون تخصيص باتفاق اكثر حكماء طريقة بعضى از آيات بوده كه حضرت امير المؤمنين عليه السلام آنها را ترجمه فرموده اند بعربى و ابن اوراق ثبت ميشود نقلا عن بعض الكتب و گويند حضرت داود اين آيات را تلاوت ميكرد و سر بسجده مينهاد و بعد

شاعة

ساعتی سر از سجده برمیداشت بلاتوقف مدعا حاصل میشد از انجمله
این آیه است که بجهة هر مهمی که بخوانند زود بر آید اذا عصانی عبدی فانا الرحمن
سریع الاخذ فاطلبنی تجدنی وایضا این آیه بجهة وسعت رزق بسیار بخوانند
ولیس یملک الفرد دونی غیری انا الرزاق فاطلبنی تجدنی وایضا
این آیه از برای طلب دنیا بعد از نماز صد بار بخوانند لی الدنیا وما فیها جمیعا
لی المدینة فاطلبنی تجدنی وایضا این آیه است از برای عرفان بخوانند
اتعرف من له اسم کاسمی انا الرحمن فاطلبنی تجدنی وایضا این آیه است
از برای رسیدن غائب بچهل و یکبار بخوانند اتعرف ساترا للغیب غیری
انا الستار فاطلبنی تجدنی وایضا این آیه میباشد برای جمیع حاجات چندانکه
توانند بخوانند انا الله الذی لاشیء غیری انا الدیان فاطلبنی تجدنی
ایضا این آیه میباشد بجهة رؤیت حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه باید بخوانند شوق
انا الموجود قبل القبل قبلا وبعد البعد فاطلبنی تجدنی طریقه کوبیدن صمد
دو اسم خداوند است بی نقطه که برانها آثار غریبه از قبیل صوت و حکمت و علوم
عجیبه و رفع آفات و دفع بلیات و انجاح مقاصد و اصلاح مفاسد کا مکان
دارین و سعادت نشأتین و غیرها مترتب است و ان اینست الم الله لا اله
الا هو هو الله العلی الاعلی وله الاسماء العلی الالاء العطاء السامح الملاح
الممدوح الروح الراح المصرح الملح المصحح الاحد الصمد الواحد الاحد الحامد
المحمود الواحد الموعود الممدود الصاد المرصاد السداد العماد المعاد العامر المعمور
المطهر الطاهر الطهور المصور المکسر المدمر الامر الدامر الدهور السرور المسرور
المحروس الماس المطمس المحصص الصراط الواسط الصادح اللامع المطلع الطالع
الواسع الموسع المسرع المالک المملوک الملک الملوک المالک الملک المدرک
الاول المأول المحلل المعدل الموکل المطول المحصل المسهل المکمل الساکن
المسئول المحول الحول والاحوال الحامل المحمول الکامل الاکمل العادل الاعدل
الواصل الاکرم العالم الاعلم الدائم السالم المسلم الحاکم المحکم العاصم
المعصوم الراحم المرحوم المکارم المکالم العالم المحرم المطعم السلام الاسلام
الاکرم

الاكرم الكلام المدعو العلو العلى السمو الالاء الجولاء الاواه والاسما كلها
هو هو لاسمه الا هو ولا الرسول والحمد لله كما هو اهله ولا اله الا الله اللهم
صل على محمد وآله وسلم سلاما تاما سلاما **طريقه** گويند اين دعا از اسرار
مكنونه است بجهة مهمات عظيمه بعد از هر نماز يكبار بخوانند كه از اسرار مكنون
است با اعتقاد كامل خوانده شود اللهم انى اسئلك باسمك المكتوب فى
سرادق المجد والعظمة واسئلك باسمك المكتوب فى سرادق البهاء واسئلك
باسمك المكتوب فى سرادق العظمة واسئلك باسمك المكتوب فى سرادق الجلال
واسئلك باسمك المكتوب فى سرادق العزة واسئلك باسمك المكتوب فى
سرادق القدرة واسئلك باسمك المكتوب فى سرادق السرائر السابق الفائق
الحسن النضير رب الملائكة الثمانية ورب العرش العظيم وبالعين التى لا تنام
وبالاسم الاكبر الاكبر الاكبر الاعظم الاعظم الاعظم المحيط بملكوت السموات
والارض وبالاسم الذى اشرقت به الشمس واضاء به القمر وسخرت به
البحار وبالاسم الذى قام به العرش والكرسى وباسمائك المقدسات
المكرمات المخزونات المكنونات فى علم الغيب عندك اسئلك بذلك كله
ان تصلى على محمد وآل محمد وان تفعل بى كذا وكذا او بجاى كذا وكذا حاجت
خود را ذكر كند كه بمنزله گوگرد احمر است در اجابت **طريقه** گويند يكى
طرق ختم سوره مباركه توحيد است كه دو ركعت نماز حاجت كند و
صد مرتبه صلوات فرستد و چهارصد چهل و چهار مرتبه سوره قل هو الله
احد را بنذر حضرت امير المؤمنين عليه السلام قصد نموده چهارصد مرتبه فاتحه
در يك مجلس خوانده بروح اقدس آنحضرت هديه نمايد و چهل و چهار مرتبه ديگر
كرو نگيرد تا آنكه بمطلب برسد بخواند و يا سريع الاجابه ميباشد و
اگر شب جمعه باشد اين عمل بهتر خواهد بود **طريقه** گويند بجهة عزت در مجالس
سلاطين وحكام هر وقت بحضور روند با انگشت سبابه لفظ مدبوح را بر پيشانى
نويسند بطريقى كه خط بدوح تمام صورت را فرو گيرد از مجربات است **طريقه** گويند
از حضرت امام على النقى عليه السلام روايت كه فرمودند من از حق تعالى سؤال كردم كه هر گاه

بانيها

بایند حاجت ما کند تا امید نکرده و خدایتم دعا او را مستجاب کند یا عُدّتی
دُونَ الْعُدَدِ وَیا رَجائی وَالمُعْتَمَدُ وَیا کَهْفِی السَّنَدُ یا واحِدُ یا اَحَدُ یا مَنْ هُوَ
اللّٰهُ اَحَدٌ اَللّٰهُ الصَّمَدُ لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُولَدْ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً اَحَدٌ اَسْئَلُکَ
بِحَقِّ مَنْ خَلَقْتَهُ مِنْ خَلْقِکَ وَلَمْ تَجْعَلْ فِی خَلْقِکَ وَلَمْ تَجْعَلْ فِی خَلْقِکَ
مِثْلَهُمْ اَحَداً اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَفْعَلَ بِی کَذا وَکَذا **طریقه**
گویند از حضرت صادق علیه السلام مرویست که بجهت روزی حلال و دفع بلیات
و آفات بعد از نماز بامداد بخوانند بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ یا ذا رِزْقِ الْمُقِلِّینَ
یا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِینِ یا وَلِیَّ الْمُؤْمِنِینَ یا دَیّانَ یَوْمِ الدِّینِ یا اَرْحَمَ الرّاحِمِینَ یا
راحِمَ الْمَساکِینِ اِغْفِرْ لِی وَارْحَمْنِی وَاَغْنِنِی مِنَ الْفَقْرِ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ
وَآلِهِ اَجْمَعِینَ **طریقه** گویند از حضرت امیر علیه السلام مرویست بجهت عزت
نزد سلاطین و کل خلایق و تأثیر کلام هر روز این دعا را بخواند و کف دست
بر سر مالیده بر سراعضا خود بمالد بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ
الْکَبِیرِ فَعّالٌ لِما یُرِیدُ یا مَنْ هُوَ حَیٌّ یا حَیُّ یا قَیُّومُ یا ذَا الْجَلالِ وَالْاِکْرامِ
بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمِینَ **طریقه** گویند از میرزا ماده نقلست که هر که
شانزده نوبت نادعلی کبیر را بدین نوع بخواند هر حاجتی که داشته باشد
روا گردد در ساعت و هر که بعد از عصر سه نوبت بخواند و بعد یا علی گفتن سی
نفس بگوید هر چه مقصود او است روا گردد انشاء الله تعالی اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمِینَ
نادِ عَلِیّاً مَظْهَرَ الْعَجائِبِ تَجِدْهُ عَوْناً لَکَ فِی النَّوائِبِ کُلُّ هَمٍّ وَغَمٍّ سَیَنْجَلِی
بِعَظَمَتِکَ یا اَللّٰهُ بِنُبُوَّتِکَ یا مُحَمَّدُ بِوِلایَتِکَ یا عَلِیُّ یا عَلِیُّ یا عَلِیُّ اَلْغَوْثَ
اَغِثْنِی یا عَلِیُّ اَدْرِکْنِی اَنَا مِنْ اَعْدائِکَ بَرِیءٌ یا اَللّٰهُ وَعَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَیِّ
الْقَیُّومِ اِیّاکَ نَعْبُدُ وَاِیّاکَ نَسْتَعِینُ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلٰی خَیْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
اَجْمَعِینَ الطَّیِّبِینَ الطّاهِرِینَ وَسَلَّمَ تَسْلِیماً کَثِیراً کَثِیراً **طریقه** گویند از
اول ماه صفر الی دهم هر روز سی و هفت بار بخوانند که مجموع سیصد و هفتاد مشود
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ اَللّٰهُمَّ اصْرِفْ عَنّا الْبَلِیَّةَ وَالْخَطَرَ فِی هٰذَا الشَّهْرِ الصَّفَرِ خَتَمْ
بالخیر

بالخير والصفر بحرمة نبينا محمد سيد البشر وائمتنا المعصومين اثنى عشر صلى
عليه وعليهم الى يوم المحشر طريفة فى خبر عن الامام عليه السلام ان قال ان محمداً صلعم
نزل عليه كتاب مبارك لا يمحوه الماء يقرؤه هو وامته على سائر احوالهم قال العلامة
المجلسى قده قوله لا يمحوه الماء لعله مخصوص بالقرآن الذى بخط امير المؤمنين ع
والمراد عدم محو جميعها بالماء او اذا محى بالماء لا يذهب لانه آيات بينات فى
صدور الذين اوتوا العلم وفى بعض النسخ لا يمحوه الزمان وهو ظاهر انتهى طريفه
گويند در حل طلق بيكساعت طريق اين چنين است كه گيرد دانه اشنان پارسى
وخشك كند وتقطير كند وطلق محلوب را در بوته گرم كند كه سرخ شود وقدرى از آب
كه تقطير نموده بريزد در حال حل شود بوقت حاجت بكار برد طريفة فى حديث
المعراج فقال رسول الله صلى الله عليه وآله يا رب اعطيت انبيائك فضائل فاعطنى
فقال الله تعالى وقد اعطيتك فيما كلمتين من تحت عرشى لا حول ولا قوة الا بالله
ولا منجا الا اليك طريفة گويند تأثير مجاورت در انام بس واضح است اما
در جمادات پس آهن را هرگاه زمانى با مقناطيس گذارد طبع آن در آن ظاهر خواهد
شد ودر نباتات هرگاه تاريخ سال گذشته را كه در درخت گذارده باشند
خشك وپژمرده شده باشد چند يومى با تاريخ تازه مجاورت داده شود سرشار
وخرم وشاداب ميشود ودر حيوانات هرگاه حيوان رام ذلولى با حيوان صعب
شرير در يك طويله ببندند بعد از چندى همان حيوان رام شرير ونافرجام ميگردد
بلكه مجاورت انسان با حيوان نيز موثر است چنانچه جمالان چون شتر حليم و
بردبار ودر قاطرچيان چون قاطر شرير ونا هنجار ميشوند طريفة گويند چون
بعضى بواسطه تطابق عدد با ده يا دوازده نفوس وقاده او را در اشعار شعرا حمل بر دوستى
وولاء آن اولياء نموده اند طريفه گويند از مزاياى عدد سبعه آنست كه دارا
تمام عددها جمعست چنانچه هر عددى يا زوج باشد يا فرد ويا فرد وزوج يا يكديگر
باشد ودر عدد سبعه همه اينها موجود است چه زوج يا زوج اول بود يا زوج ثانى و
فرد يا فرد اول بود يا فرد ثانى ودر سبعه هم زوج اول است وهم زوج ثانى وهم فرد اول
وهم فرد ثانى چون دو وچهار وسه وپنج واگر فرد اول با زوج ثانى جمع كنى هفت شود واگر

زوج

www.telasm.com

نوع اول با اوزم ثانی جمع کنی مر هفت میشود طریفة گویند یکی از اعدادی که
هشت است که مکعب است زیرا که دو دو در چهار باشد و چهار در دو هشت
و هشت نخست عددی مجسم است از انکه هیچ عددی تا مکعب نشود مجسم نشود
چه جسم آن بود که او را طول و عرض و عمق است و هر خطی را دو سر باشد
و آن بمنزلهٔ جذر بود چون در عرض زنی چهار شود و چون در عمق زنی
هشت شود و این مثال نقطه و خط و سطح باشد طریفة گویند چنانکه
حساب نامتناهی است اشکال نیز نامتناهی است و هر یک آیت وحدة
حقیقیه بسا و بیش در کثرت است طریقه گویند ارسطوطالیس در یکی از کتب
خود گوید که بسیار بود که من بنفس خویش خالی شوم و تن را بجای نمانم چنانکه
پنداری که جوهر مجردم بی تن و همه چیزهای عالم را دریابم و نعات خویش تنها
چیزهای نیکو بدانم و داخل بنفس خویش و خارج موجودات باشم پس بدین
سبب دانستم که از عالم علوی شریفم و قطره از آن دریایم طریقه فی البحار
نقلا عن فقه الرضا ع قال العالم فی العسل شفاء من کل داء من لعق لعقة
عسل علی الریق یقطع البلغم و یکسر الصفراء و یقمع المرة السوداء و یصفو
الذهن و یجود الحفظ اذا کان مع اللبان الذکر و الشکر ینفع من کل شیء
و لا یضر من شیء و کذلک التمر المعلی و یروی ان الثمار اذا ادرکت نفعه
الشفا و اروی عن العالم فی القرآن شفاء من کل داء طریفة فیه ایضا عنه ع
شرب الماء من الکوز الشامی امان من البرص و الجذام طریفة گویند دبیله
تصغیر دبله بمعنای دمل کثری است که او را کفگیرک نامند طریفة فیه
ایضا قال من ادمن اکل الزبیب علی الریق رزق الفهم و الحفظ و الذهن و نقص
من البلغم طریفة فی الرسالة المنسوبة الی امیر المؤمنین علیه السلام من کتب ثم
ماة و خمسة ضاد لیلة السبت و عشب علی خشب الرمان علی هیئة علم و یغرز فی
جدار القبلة ادی له کل ما له عند الناس و من وضعه فی الکتاب العزیز المجید صار
مکرما و لیکن ذاکرا لهذین الاسمین یا هنا یا مذل یا نور طریفة قیل ان

کلام

وكل اسم فيه الطاء مثل اللطيف والطاهر فالمداومة عليه يجعل القلب مايلا
الى الطاعة والرزق واسعا ومن قرأه مائة مرة اطاعه كل من رآه
طريقة قيل في كتب المشايخ كل اسم فيه القاف عدده ۱۸۱ يقرأ عند طلوع
الشمس لحصول العزة والاقبال والجاه فالمداومة وذلك مثل يا قيوم يا
قادر طريقة گويند بجهة كشف رواح هر اسمي را از اسماء الله تعالى
كه دال و كاف باشد مثل ملك و كريم هزار و يك بار صد مرتبه بخوانند مؤثر خواهد
اند تم طريقة گويند بجهة زيادتي فهم و عقل و حفظ و رفع نسيان هر
اسمي را كه دال و ميم باشد مثل رحيم و رحمن نود مرتبه بايد بخواند طريقة
في البحار وغيره في المرأة التي يستمر بها الدم فتستحاض قال تغتسل عند صلوة
احتسابا فانه لم تفعله امرأة قط احتسابا الا عوفيت عن ذلك طريقة
فيه ايضا روى انه اذا عرضنا الحزن للانسان فينبغي ان يداويهما بصب الماء عليه
فان لم يفعل ذلك فليحضر اناء فيه ماء بارد ويدخل يده فيه طريقة
قيل في حديث عمر اذا اقيمت الصلوة ولى الشيطان وله حصاص بالخاء المعجمة
ويروى بالحاء المهملة طريقة قيل ان في البدن قوى اربع هي الموجبة لفوات
السعادات الروحانية احدها القوة الخيالية الموضوعة في البطن المقدم
من الدماغ واليها الاشارة بقوله ثم من بين ايديهم والثانية الوهمية
الموضوعة في البطن المؤخر من الدماغ واليها الاشارة بقوله تعالى ومن خلفهم
في البطن الايسر من القلب واليها الاشارة بقوله وعن شمائلهم فلذلك خص
اتيان الشيطان في الوسوسات والتوهمات بهذه الاربع من الجهات تم
طريقة گويند گاهي شعرا بجهة الف و نون را اماله كنند و بياء خوانند
مثلا عماد را عميد خوانند و اگر چنين يائي را با ياء اصلي مثل خورشيد مقابل
آورند هر اينه از عيوب شعر تبه خواهد بود طريقة گويند هرگاه
نمك را با پارچه سرخي بسته و بر طرف چپ ناف تعليق كنند باعث سرعت
ولادت او گردد مانند تم طريقة گويند چون ملح القلي را در سركه حل
كرده

کرده عقد کند و با نوشادر بپایند در نقل معادن بمرتبه اعلی مجرب
دانسته‌اند چون از برای هر سیر درم نوشادر یک عدد زرده تخم مرغ
پخته اضافه نمایند تن پوشیده با فشردن روغن آن را بگیرند در عمل رصاص
مجرب شمرده‌اند والله العالم طریقه طریق عقد محلول در اصطلاح
اهل صنعت آنکه آن محلول را در قاروره کنی و سر او را با هلک و سفیده
تخم مرغ محکم نمائی و گودی بکنی و آن قاروره را در گل حکمت بگیری
و در آن گودی نهی و اطراف او را بخاک انباشته کنی و اندکی آب بر آن
خاک بپاشی و پای بر آن خاک نهی چنانکه محکم شود و قاروره نشکند
پس بیاری سرگین خشک را در بالای آن بریزی بقدر بدا روئی که در آن
قاروره مهیا شده کم و زیاد پس آن سرگین‌ها را آتش بزن و بگذار
تا زمانی که آتش تمام شود و سرد گردد پس بیرون آور و تجربه کن
بانکه او را در ضمیمه نافذ از مس یا نقره بریزی اگر دود کند تا تمام و الا
تمام است والله العالم طریقه گویند ملغمه آنست که دو چیز را با جسمی
هم آمیزی که یکی شود و آلت این کار سنگ مهره و سنگ صلابه است
مثل مرمر یا آبگینه و یا یشم یا سنگ سماق است که با آنها اندود اسحق
کنی طریقه گویند آلت تشویه قدحی آبگینه مهیا شده و قدح با یکدیگر
ترکیب کرده کرد اندرون در قدح باشد با آتش نرم مانند خاکستر گرم
یا مانند آن تشویه کنند طریقه گویند در عمل قمری تمام بگیرد زرنیخ
زرد بغایت نیکو و در کفچه آهنین کنند بعد از آن که نیکو سحق کرده باشد
پس با آتش نرم کرده و روغن کرده پنبه در روی افکنند تا آنگاه که روغن
سیاه شود و او را بریزد و دیگر بروغن کرده پنبه در روی افکنند تا آنگاه
که سفید شود پس چون سفید شدن کند او را بیرون آورد و در آب
نمک بشوید و دیگر باره همان مینماید تا زمانی که بغایت سفید و
لطیف و قائم گردد و بعد از آن درمی از آن بر پنجاه درم زهره منعقد

طرح

طرح کند نقره در غایت سفیدی و نرمی باذن الله تعالی بیرون آید
طریفة ایضا در عمل قمر نور گویند بگیرد کبریت زرد سنده کوبی
و نیکو نرم صلابه کند و بروغن زیت می پزد و هرگاه روغن سیاه
شد از ابر تیرد و روغن بر آن بچکاند و همچنین تکرار کند تا آنگاه
که سفید شود و می از آن بر بیست دوم زهره منقی طرح کند قمری
گردد سفید بفرمان خدا تعالی طریفة گویند تنقیه سرب چنانست
که سرب را بگدازد و در آبی که شب یمانی حل کرده باشند و گرم باشد
بریزد و یکبار در آب برد همچنین مکرر کند تا سفید و خوش لطیف شود
طریفة ایضا گویند قمر یکمثقال قلعی یک مثقال براده حدید یکمثقال
این مجموع را بر ده مثقال زهره منقی طرح کند قمر نیکو گردد و تنقیه زهره
را با ماروی گیلانی باید کرد والله اعلم طریفة گویند هرگاه کسی
بیضه مرغ خورده باشد نباید فصد کند اگرچه یکشبانه روز هم فاصله
شده باشد زیرا موجب هلاکت خواهد بود طریفة لا ادری
داد حق را قابلیت شرط نیست بلکه شرط قابلیت داد اوست
طریفة گویند یکی از حکما در مجلسی با یکی از ناقصین جهلا مصاحبت
داشت در اثنا خیال در فضای دهان و اخلاطی با خیو جمع شده ملتفت
داشت و چپ شد و اخلاط و خیو را بر صورت آن شخص جاهل انداخت
حاضرین را از این کار همچنین نهایت تعجب دست داد و سبب آن پرسیدند
جواب داد که بعد از التفات باطراف عرصه را که لایق این خیو و اخلاط باشد
نیافتم بر صورت این شخص جاهل که قابل این امر بود و از این پست‌تر در روی عرصه
نبود طریفة گویند جهت دزدیده و گمشده هفت مرتبه یا هفتاد مرتبه بخواند بی شک
پیدا شود اصبحت فی جوار الله امسیت فی امان الله طریفة هر که در محل
غروب آفتاب چهل و یکبار آیة الکرسی را بخواند از دزد و دشمن بخواهد ماند
انشاء الله تعالی تمت فی شهر محرم الحرام سنه ۱۳۰۱ بید الفقیر

فی الختومات المجربة

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی محمد و آله الطاهرین المیامین
انشاء الله بعضی از ختوم مجربه مختصره که در کتاب جواهر مکنونه از مصنفات
عالم ربانی مسمی باسم حاج ملا مصطفی ولد حاج ملا محمد خوئی از معاصرین
مرحوم شیخ احمد احسائی واقع و مندرج است استخراج میشود در این اوراق
نگاشته میگردد مرحوم مصنف ان کتاب اجازه داده اند بکافه عاملین
بالختوم چنانکه خود از علماء و اهل ذکر مجاز بوده اند وعلی اجازه در این ختوم
را متعلق داشته اند بر آنکه عاملین او و از والدین او را دعا خیر کرده
طلب مغفرت و استغفار نمایند انشاء عاملین ورا با والدین او و جامع این ختوم
محمد حسین بن الحاج محمد حسین النائینی عفی الله عنهما با والدین او و ترغیب محرک
کننده بر طبع این کتاب جناب مستطاب شریعتمدار آقای آمیرزا اسد الله نائینی
دام افضاله العالی از دعای خیر فراموش نفرمایند تا انشاء بر ختوم معمول اما
معمول ترتیب باید ختم اول مرویست که هر که در ورطه و بلیه گرفتار
شود و راه نجات جوید بستر شود نوزده ١٩ مرتبه از روی اخلاص بگویند
النجاة منک یا سیدی الکریم نجنی و خلصنی بحق بسم الله الرحمن الرحیم
ختم دوم از برای قضاء حوائج اینکه غار را هفتاد مرتبه باعتقاد صادق
شیخ بهائی میفرماید که اگر حاجت روا نشد روز قیامت با من مخاصمه نماید
و فرموده که اگر بنیت شفا یافتن بیمار هفتاد مرتبه بخوانند و حال بجده از
جمله مجربات است مگر آنکه اجل مریض حتمی باشد و دعا اینست لا اله الا
الله بعزتک و قدرتک لا اله الا الله بحق حقک و حرمتک
لا اله الا الله فرج برحمتک ایضاً در کتاب مذکور است که
بجهة حوائج در یک مجلس صد و بیست مرتبه ١٢٠ آیه مبارکه امن

یجیب

یُجیبُ المُضطَرَّ اِذا دَعاهُ وَیَکشِفُ السُّوءَ بخواند و همان ساعت مطلب
وی روا شده است ان شاء الله ختم سوم صد مرتبه گفتن یا قاهِرَ العَدُوِّ و یا والِیَ
الوَلِیِّ یا مُظهِرَ العَجائِبِ یا مُرتَضی عَلِیّ از خواجه نصیر طوسی ره و از علامه
حلی ره نقل شده است بجهة مطالب مهمه و دفع اعداء مجرّب گفته اند
و ایضاً گفتن صد یا ده مرتبه یا قاهِرَ العَدُوّ روزی تا تأثیر بخشد و از
میرزا امداد گویا نقل شده است ختم چهاردهم هر که در وقت طلوع آفتاب که
تدبیری از خلاصی آن نباشد این دعا را مکرّر بخواند و اگر در یک مجلس
رو بقبله و با وضو صد و بیست مرتبه بخواند اتم و اصوب است
و تجربه رسیده است بِسمِ اللهِ الرَّحمنِ الرَّحیمِ وَلا حَولَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ
العَلِیِّ العَظیمِ یا لَطیفاً اَدرِکنی بِلُطفِکَ الخَفِیِّ ختم پنجم از برای ذهاب همّ
و غمّ و برطرف شدن کدورت خواندن یا لَطیفاً اَدرِکنی بِلُطفِکَ الخَفِیِّ
این عدد مذکور از جمله مجرّبات است صاحب کتاب گوید که تأثیر آن چیزی
تا بحال تخلّف ندیده ام و همچنین است خواندن یا لَطیفُ با این عدد مذکور
ختم ششم از برای حاجت خواندن لا اِلهَ اِلّا اَنتَ سُبحانَکَ اِنّی کُنتُ
مِنَ الظّالِمینَ در حال سجده چهل مرتبه ختم هفتم بجهة دفع دشمن
از روز پنجشنبه تا یکهفته هر روز صد و چهل و شش مرتبه بگوید حَسبِیَ اللهُ
که البته شرّ آن دشمن کفایت میشود و از برای غیر این مطلب نیز خوب است
صاحب کتاب گوید که شیخ احمد احسائی تجربه نموده اند و حقیر را اذن
داده اند که خواندن او ختم هشتم دوازده هزار مرتبه خواندن
یا عَلِیُّ است و در مطلب عسر الحصول صاحب کتاب تجربه کرده است
ختم نهم از جمله مجرّبات مرحوم شیخ است در رشد اند و دفع نکبها
خواندن هفتاد مرتبه بِسمِ اللهِ الرَّحمنِ الرَّحیمِ یا مُحَمَّدُ یا عَلِیُّ یا فاطِمَةُ
یا صاحِبَ الزَّمانِ اَدرِکنی وَلا تُهلِکنی و در نسخه دیگر هفتاد و یک مرتبه آمده
حقیر

ختم دهم یازده مرتبه گفتن یا مالک یوم الدین ایاک نعبد
وایاک نستعین بجهت خوف از صاحب سلطنت و امر عظیم ایضا
تجربه شده است ختم یازدهم هفتاد بار خواندن حسبی الله
لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم است بجهت
عزت و وسعت و محبت ختم دوازدهم هر روز خواندن هفتاد بار ناد علی
است بجهت حاجت و ضیق معاش وغیر ذلک و ادعای تجربه شده است
که در خواب یکی از ائمه بر آن شخص مجرب ظاهر میشوند و مطلب او را
بیان میفرمودند و ایضا صد و ده مرتبه بدین صفت نیز وارد شده
و صورت آن در بعض اقسام این است نادعلیا مظهر العجائب
تجده عونا لک فی النوائب کل هم و غم سینجلی بولایتک یا علی
یا علی یا علی بعد از اتمام ناد علی هر نوبت سه مرتبه بگوید یا ابا الغوث
اغثنی ادرکنی یا علی ادرکنی اگر سه روز این ختم خوانده مقصود حاصل
گردد انشاء الله ختم سیزدهم خواندن العلی بنیانا یا ضیا دمنا صد و ده
مرتبه هر روز بجهت فتح و درجه بلندتر یا متین ختم چهاردهم بجهت عزت و دولت
دو رکعت نماز حاجت کند و بعد پانصد مرتبه بگوید من کان یرید
العزة فلله العزة جمیعا کار عظیم دارد و بعضی مقید پنجشنبه
کرده اند و سی و یک مرتبه در پانزده بجهت عزت در نزد حکام اعلم گفته
اند خواندن این آیه را ختم پانزدهم هزار و بیست و سه مرتبه بعد
کلمه مبارکه توکلت علی الله از برای حوائج و محفوظی از فقر و فنا
شیخ مرحوم صاحب کتاب الجانه داده اند ختم شانزدهم صد و
بیست و سه مرتبه گفتن یا لطیف انت بعد از وضو بجهت امر مهم
صاحب کتاب خود تجربه کرده و تعجب کرده ختم هفدهم صاحب
کتاب گفته مجربست که هیچ شکی و ریبی در آن نیست هزار بار بگو
کرد و وظ

کرده وسط حرف زنند حسبی الله ونعم الوکیل ولا حول ولا قوة
الا بالله العلی العظیم لا اله الا انت سبحانک انی کنت من
الظالمین **ختم هجدهم** هر روز سوره مبارکه والذاریات و
طلاق و مزمل و الم نشرح بجهة امر معیشت و وسعت رزق از مجربات
یقینیه صاحب کتاب است از حضرت صادق علیه السلام مرویست که
هر که الم نشرح را در وقت بیع و شراء سه مرتبه بخواند البته از آن بیع
و شراء او نفع خواهد دید و اگر بشویند و بزنی بدهند که
وضع حمل او آسان گردد و سه مرتبه برای وجع دل بخوانند شفا یابد
و بجهة آسانی کار دعا تا یک هفته بعد از نماز بخواند مجربست سوره
ماعون را بجهة هر حاجتی بخصوص درد چشم و فرج موجب قضا و شفا
است و مجربست **ختم نوزدهم** ختم سوره مبارکه یس است از روز
جمعه ابتدا کنند تا روز پنجشنبه هر روز سه مرتبه بخواند که در عرض هفته
بیست و یک مرتبه خوانده شود و هر روز بعد از سه مرتبه خواندن یا من یحل
به عقد المکاره از صحیفه سجادیه و بجهة هر مطلبی همین عدد است لیکن
اگر مطلب رزق باشد روز پنجشنبه بخواند اگر دفع دشمنانست روز
سه شنبه و جمعه دفعت روز یکشنبه و برای عقلیه و دینیه روز شنبه و
برای ریاضیه و حساب چهارشنبه و برای کدخدائی و تسخیر روز جمعه
و برای سفر دوشنبه که زود انشاء الله تاثیر کند اکثر خواص گفته اند
که اگر سوره یس را بر گلاب بخوانند هر کس بخورد از محبت بیقرار شود
و اگر خواهد کسی را مطیع خود کند سوره والم را با آب نبات بخواند هر کس
بخورد مسخر گردد والله اعلم و در تسخیر دیده شده که اگر بخواهی بخوابی تعبیر
زنان خود را بشنو بگذار رو به پهلوی بخواب چپ بدر سوتی که می بینید ابجد را
که معمول است و باید هفتاد بار سوره اخلاص را بخوانی در حال بر پهلو
بخوابید بالشه و از جمله مجربات صاحب کتاب است که بجهة وسعت رزق
سوره

سوره انا انزلناه است بعد از نماز صبح ده مرتبه تخلف ندارد و صاحب
کتاب گوید در نسخه بنظر حقیر رسیده که اگر تا چهل شب سوره واللیل
هر شب یکمرتبه بخواند روز چهلم هر اراده و مرادی دارد خداوند عالم باو کرامت
فرماید **ختم بیست و سیم** هر کس در نصف آخر شب برخیزد و سر برهنه
کند و آستین قبا را بالا زند و رو بقبله کند و صد دفعه بگوید یا عزیز
خداوند تعالی او را البته توانگر گرداند و بعضی صد و سی مرتبه را اذن
گرفته اند و گفتن یا عزیز باین طور صد مرتبه بجهت عزت نیز موثر است
ختم بیست و یکم هر که بعد از نماز صبح بی فاصله هر دو دست را
بر سینه نهد و هفتاد بار بگوید یا فتاح دل او روشن و نورانی شود
و کارها براو آسان شود و اگر بسیار بگوید از علم بهره یابد و گفته
اند شب جمعه بعد از دو رکعت نماز حاجت در سجده صد و پنجاه بار بگوید
یا فتاح کما هی امور براو ظاهر شود **ختم بیست و دوم** بجهت نجات
از شدائد و غلبه بر خصم بعد از فریضه صبح قبل از طلوع آفتاب بعدد اسم خود
تا چهل روز بخواند امن یجیب المضطر اذا دعاه و یکشف السوء بجهت دیدن
در خواب خواندن این سه اسم افضل که بتوانند با شرایط از حیث مکان و لباس
النور و الباسط و الظاهر **ختم ۲۳** بجهت حاجت بسیار دشوار بعد نصف شب تا
ثلث آخر شب دو رکعت نماز بکند هر سوره و بعد از فراغ هفتاد بار بگوید یا ابصر
الناظرین و اسرع الحاسبین یا اسمع السامعین یا اکرم الاکرمین یا ارحم الراحمین
یا احکم الحاکمین و بعد از فراغ دست بردارد و حاجت خواهد مجرب کتاب تجربه
کرده بطور جزم **ختم ۲۴** هر روز در وقت صبح ناشتا صد مرتبه لا اله الا
انت یا دائم کل شیء و وارثه بجهت صفای ذهن و فهم مطالب غامضه موثر است
ختم بیست و پنجم از برای توسعه رزق و نظام امر معاش و غنی و توانگری در سحرگاه
یعنی نزدیک صبح دو رکعت نماز کند در رکعت اولی بعد از حمد هفده مرتبه سوره
قل یا ایها الکافرون و در رکعت دوم بعد از حمد هفده مرتبه قل هو الله احد و در
رکوع هر یک از این دو رکعت هفده مرتبه سبحان ربی العظیم و لکن هر یک با نیت

هفده

صد مرتبه سبحان ربی الاعلی و بحمده بگویند بعد از فراغ از نماز صد
مرتبه آیة الکرسی بخوانند که مجربست و گفته‌اند که این عمل از کنوز مخفیه است
بدستنا اهل بیت یاد داد و خواندن سورهٔ طه نزد طلوع فجر اول اثر
او اینست که روزی تازه باو میرسد و زوجه‌ای لها از برای او حاصل میشود
ختم بیست و ششم از روز جمعه تا چهل و یک روز هر روز چهل و یک مرتبه سورهٔ
مبارکه حمد را بخوانند بی فاصله متصل و بعد از اتمام این دعا را سیزده
مرتبه بخوانند یا مُفَتِّحُ فَتِّحْ یا مُفَرِّجُ فَرِّجْ یا مُسَبِّبُ سَبِّبْ یا مُیَسِّرُ یَسِّرْ
یا مُسَهِّلُ سَهِّلْ یا مُتَمِّمُ تَمِّمْ از مجربات شمرده‌اند ختم بیست و هفتم
ختم یا مَنْ تُحَلُّ بِهِ عُقَدُ المَکارِهِ است که صاحب کتاب در این باب مجاز است
در وقت اضطرار در حوائج کلیه عظیمه روز یکشنبه اول فجر غسل کند
و نماز فریضه بکند و بلا فاصله دو رکعت نماز بکند و بعد بلا فاصله
دعای مزبور را بخواند و دوشنبه بعد از نماز صبح دو بار بخواند و هکذا
هر روز افزاید تا روز چهاردهم که حاجت روا شود ان شاء الله ختم ۲۸
صاحب کتاب گوید از بعضی از مشایخ مسموع شد که هر وقت خواسته
باشی از برای حوائج روز اول لعن چهار ضرب را صد مرتبه و روز صد و
یکمرتبه بخوان و حقیر در این قسم اجازه دارم و تجربها دیده‌ام اللّهمّ
العن عمر ثم ابا بکر و عمر ثم عثمان و عمر لعن الله عمر یا اللّهمّ
العن عمر ختم بیست و نهم صاحب کتاب گوید از مجربات است و تخلف
ندارد دوران ختم یا مُنتهی الحاجات است از چهارشنبه اول ماه بعد از
نماز صبح بلا فاصله سورهٔ الم نشرح را هر روز هفده مرتبه بخواند
تا هفده روز بعد از فراغ از هفده مرتبه یک مرتبه دعای ماک [illegible]
یا مُنتهی مطلب الطالبات را تا آخر بخواند و بعد دعای یا مَنْ تُحَلُّ
بخواند مجربست ختم سی ام روز چهارشنبه دو رکعت نماز حاجت
به نیت جلب نیلوفی و عزت چهل مرتبه سورهٔ کوثر را بخواند

مال

مال بسیار روزی او شود ختم سی و یکم روز چهار شنبه هفتاد مرتبه این آیه را بخواند برای اهالی علم و قلم فایق آید و غنی و مکرم گردد هو الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب والشهادة هو الرحمن الرحیم ختم سی و دویم روز پنج شنبه از برای مال و ثروت دو رکعت نماز بکند و بعد سوره مبارکه یس بخواند و این عمل را تا سه روز بعمل آورد اکمل واتم خواهد بود ختم سی و سیم ختم زیارت عاشورا است روز شنبه شروع کند تا یک هفته هر روز یک مرتبه بخواند و تا چهل روز نیز مشهور است ختم سی و چهارم بجهة فرو ماندگی در کارهای دشوار در شب جمعه یا شبهای متبرکه بعد از نمازهای واجب سه مرتبه صلوات فرستند و بعد سوره قدر بخواند بطریقی که میت را در لحد می خوابانند که در خواب انشاء الله با او بگویند که چگونه باید و آنچه را که در خواب بیند اظهار نباید با احدی بکند دعا این است بسم الله الرحمن الرحیم یا نور النور یا مدبر الامور بلغ روح محمد و آل محمد تحیة و سلاما برحمتک یا ارحم الراحمین وصلی الله علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین وایضا در شب جمعه در خلوتی بنشیند و با احدی حرف نزند تا وقتی که نماز خفتن را بگذارد و بعد از آن نماز وتر را بجای آورد و در سجده آخر نماز وتر بگوید یا الله یا رحمن یا حی یا قیوم بک استغیث یا الله پس حاجت طلبند در قرض و در تعب و تنگی و مضرت بوم نباشد که از اسرار اولیاء الله است ختم سی و پنجم اگر خواهند از امر پنهانی آگاهی حاصل شود دو رکعت نماز بکند و در سجده

آخر

آخر صد و پنجاه مرتبه بگوید یا فتاح آن امر برا و ظاهر گردد
ختم سی و ششم بجهت هلاکت اعدا و مقهور شدن ایشان
هشتاد سنگ ریزه بردارد و بر هر یک معوذتین را بخواند و
بعد از آن سنگ ریزه ها را در کوزه آب ندیده نهد و کوزه را
در آتش گرم دفن کند و اگر با وجود آنکه در آتش گرم دفن است
باید گرمی آتش همیشه بکوزه برسد بهتر خواهد بود و ترک این ختم
اقرب باحتیاط است ختم سی و هفتم چون خلق نماز جمعه را
کرده‌اند بعد از آن که غسل جمعه را کرده باشی با لباس طیب طاهر
در سجده بهر نیت که خواهی دویست مرتبه بگو یا الله المحمود فی کل
فعاله با خشوع البته مرادت حاصل خواهد شد ختم سی و هشتم
در نصف شب جمعه هزار مرتبه بگو یا قابض بجهت هلاکت اعداء
و مقهوریت آنها ختم سی و نهم در ثلث شب جمعه گذشته
باشد پانزده مرتبه سوره قدر را بخوان از برای هر حاجتی مجربست
ختم چهلم نوزده مرتبه بگو اللهم انی اسئلک بحق محمد
و آل محمد ان تنجینی من هذا الغم بجهت هم و غم و اکربهم
بسیار مجربست والسلام علی من اتبع الهدی

تمت هذا الکتاب المکرم شرایع
والادعیة والختومات المجربة
بعون الله تعالی
وحسن توفیقه

بید الاحقر العباد

[illegible]

بسعی و کوشش خیر الحاج حاج غلامعلی مدیر کتابفروشی
کمالی
که در خط و کاغذ و تصحیح این نسخه کمال دقت را نموده‌اند



هو الله تعالی

تمام شد

گوهر شب چراغ

من تألیفات عالم فاضل و دانای کامل

آقای آخوند ملا محمد حسن نایینی

التماس دعا

درویش ح ابن ابراهیم ابن وهاب

چون این نسخه گوهر نایاب بود و طالب بسیار داشت

لهذا بمساعی و همت و کوشش زیاد در خط

و کاغذ و طبع این نمودار امید است که

طالبین ایشان را مدد دعائی نمایند

وحق طبع محفوظ است فی

شهر محرم سنه ۱۳۲۸ در مطبع

بید الاقل ح ناسیحان